



# جهاد و دفاع در قرآن

۱۰۲/۷

پژوهشکده تحقیقات اسلامی  
نماینده ولی فقیه در سپاه



## نمایندگی ولی فقیه در سپاه

نام کتاب: جهاد و دفاع در قرآن	کد: ۱۰۲/۷
تهیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی	
نویسنده: احمد حیدری - صادق فرازی	
ناشر: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه	
حروفچینی و صفحه‌آرایی: پژوهشکده تحقیقات اسلامی	
چاپ: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه	
تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۰	
شمارگان: ۱۰۰۰	

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
<b>درس اوّل: کلیات</b>	
معنای لغوی و اصطلاحی جهاد.....	۸
اهداف جهاد و دفاع.....	۹
۱- دفاع از کیان اسلام و مسلمانان.....	۹
۲- مقابله با ظلم و فساد.....	۱۰
۳- حفظ پایگاه‌های خداپرستی و توحید.....	۱۰
۴- دفاع از مظلومان.....	۱۰
<b>درس دوم: اهمّیت جهاد و فضیلت آن</b>	
آثار ترک جهاد.....	۱۶
<b>درس سوّم: اقسام جهاد و دفاع</b>	
جهاد اکبر و جهاد اصغر.....	۱۹
چرا جهاد اکبر؟.....	۱۹
هشدار!.....	۲۰
اقسام جهاد اصغر.....	۲۰
فضیلت جهاد فرهنگی.....	۲۱
اقسام جهاد نظامی.....	۲۲
تبیین جهاد ابتدایی.....	۲۳
<b>درس چهارم: آثار فردی و اجتماعی جهاد</b>	
آثار فردی.....	۲۶
آثار اجتماعی.....	۲۸
<b>درس پنجم: ارزش و پاداش مجاهدان</b>	
مقام مجاهدان.....	۳۱
پاداش مجاهدان.....	۳۳
<b>درس ششم: ویژگی‌های مجاهدان</b>	
شرایط پذیرش جهاد.....	۴۰
<b>درس هفتم: شرایط وجوب جهاد</b>	
شرایط وجوب جهاد ابتدایی.....	۴۲
شرایط وجوب جهاد بر افراد.....	۴۳
شرایط جهاد دفاعی.....	۴۴
جهاد با چه کسانی؟.....	۴۵
<b>درس هشتم: عوامل پیروزی و شکست</b>	
عوامل پیروزی.....	۴۸
الف- عوامل مادی.....	۴۸
ب- عوامل معنوی.....	۴۸
امدادهای غیبی در جنگ.....	۵۰

## ۴ جهاد و دفاع در قرآن

آثار و برکات صبر در میدان جهاد.....	۷۳
۱- امدادهای غیبی.....	۷۳
۲- دوستی خداوند.....	۷۴
۳- آموزش و رحمت حق.....	۷۴
۴- پیروزی و کامیابی.....	۷۵

### درس دوازدهم: زنان و جهاد و دفاع

الف- شرکت مستقیم.....	۷۷
ب- شرکت غیر مستقیم.....	۷۹

### درس سیزدهم: وظایف مردم در پشت جبهه

الف- پشتیبانی معنوی.....	۸۴
ب- مقابله با توطئه‌ها.....	۸۶
ج- پشتیبانی مالی و تدارکاتی.....	۸۸

### درس چهاردهم: مقام و منزلت شهید

پاداش شهدا.....	۹۲
-----------------	----

### درس پانزدهم: مقررات جهاد و دفاع

رعایت پیمان‌های نظامی.....	۹۵
حرمت زمان و مکان.....	۹۶
رعایت اصول انسانی.....	۹۷
مقابله به مثل.....	۹۸
برخورد با اسرا.....	۹۹
پناهندگی.....	۱۰۰
صلح و آتش بس.....	۱۰۱
خلاصه.....	۱۰۲
پرسش.....	۱۰۲
منابع و مأخذ.....	۱۰۳

شرایط نصرت الهی.....	۵۲
عوامل شکست.....	۵۳
۱- عدم بینش صحیح.....	۵۴
۲- تفرقه.....	۵۴
۳- نافرمانی.....	۵۴
۴- عجب و غرور.....	۵۵

### درس نهم: اهمیت آمادگی عمومی برای جهاد و دفاع

تهیه تجهیزات دفاعی.....	۵۸
هدف از آمادگی.....	۵۹
جهاد مالی در راه آمادگی.....	۶۰
مرزداري.....	۶۰

### درس دهم: اطاعت از فرماندهی

دستاوردها.....	۶۵
۱- انسجام سازمان.....	۶۵
۲- اجرای دقیق طرح‌ها و نقشه‌ها.....	۶۶
۳- موفقیت و پیروزی.....	۶۶
۴- تضعیف روحیه دشمن.....	۶۷
عوامل نافرمانی.....	۶۷
۱- دنیاطلبی.....	۶۷
۲- قدرت‌طلبی.....	۶۸
۳- جمود و تحجر.....	۶۸
۴- رفاه‌طلبی.....	۶۸

### درس یازدهم: رابطه صبر و جهاد

شکست‌ناپذیری در جنگ مایه عزت و شوکت.....	۷۱
ناشکستی مایه ذلت.....	۷۲
صبر و پلایش صفوف.....	۷۳

## پیشگفتار

تعلیم و تربیت دینی و انقلابی کارکنان سپاه در جهت تقویت و ارتقای معرفت، ایمان و توانمندسازی و توسعه دانش و بینش آنان رسالتی است بس بزرگ که برعهده معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نهاده شده است.

تحقق عمده این مأموریت خطیر در پرتو نظام آموزش کارآمد و بالنده امکان پذیر می شود تا زمینه ارتقای روحی و معنوی و تقویت دانش، بینش و منش اسلامی کارکنان سپاه را فراهم آورد و پاسدارانی مؤمن، بصیر، شجاع و آگاه تربیت کند که از ایمان و معنویت، معرفت دینی و بصیرت انقلابی لازم برخوردار باشند.

چنانکه مقام معظم رهبری فرموده اند:

مسئله آموزش در همه جا مهم است ولی در سپاه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اگر در سپاه پاسداران آموزشهای قوی در مسایل عقیدتی سیاسی وجود نداشته باشد دیگر سپاه را به عنوان بازوی توانای انقلاب اسلامی نمی توان مطرح ساخت حرکت سپاه یک حرکت مستمر است و اگر قرار باشد این حرکت باقی بماند افراد سپاه باید آموزش دیده باشند و کسانی که این مهم را به عهده دارند شما هستید.<sup>۱</sup>

با توجه به اجرای «نظام تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه» از سالیان اولیه تأسیس این نهاد انقلابی و ضرورت بازنگری و بهینه سازی آن در چارچوب تدابیر فرمانده معظم کل قوا حضرت آیه الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) و براساس راهبردهای تحول و تعالی سپاه، نظام

---

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵/ ۳/ ۱۳۶۳.

تربیت و آموزش مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گرفت. نظام جدید گرچه به امر خطیر آموزش و تقویت دانش عقیدتی سیاسی پاسداران توجه کافی مبذول شده است اما رویکرد اصلی آن تربیت محوری و معنویت‌افزایی بوده و سرفصلهای آموزشی آن نیز بر این اساس تنظیم شده است. یکی از دوره‌های مهم آموزشی که در نظام جدید مورد توجه قرار گرفته است آموزشهای طولی پاسداران، بسیجیان و سربازان است که به معرفت‌افزایی نسبت به معارف پایه‌ای اسلام و مباحث بنیادی با رویکرد تربیتی می‌پردازد.

هم‌اکنون کلیه دوره‌های آموزشی سپاه در حال بازنگری و بازبینی است و طبیعی است که در تدوین موضوعات و سرفصلهای آموزشی، ارزشیابی، بازخوردگیری، و در نهایت اصلاح یا تغییر سرفصلهای آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کتاب حاضر تا قبل از بازنگری و تدوین متون جدید در دوره‌های طولی سپاه تدریس می‌شود.

مسئولیت تهیه و تدوین متون آموزشی مورد نیاز نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عهده پژوهشکده تحقیقات اسلامی است. این متون با توجه به سطح معلومات، نیازها و تخصص نیروهای آموزشی، در گروههای تحقیقاتی پژوهشکده تدوین و پس از طی مراحل اعتباربخشی محتوایی و شکلی به تأیید نماینده ولی فقیه در سپاه و یا نماینده ایشان می‌رسد.

پیشنهادهای و تجربیات مربیان ارجمند و متریان گرامی، در رفع کاستی‌های متون آموزشی راهگشا و مشوق ما در رفع کاستی‌های متون آموزشی خواهد بود.

**معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی**

**نمایندگی ولی فقیه در سپاه**

## مقدمه

دین اسلام برای نجات بشریت از منجلاب جهل، شرک، خرافه، گمراهی و رساندن او به مقام خلافت و انسان کامل آمده است. در طول هزار و چهارصد سال که از بعثت پیامبر اسلام ﷺ می‌گذرد، مسلمانان متعهد توانسته‌اند این هدف متعالی را در هر زمان کم و بیش جامه تحقق ببوشانند. آنان با تلاش و جهاد همه‌جانبه خویش، ابتدا به شکست دشمن درون، همت گمارده، سپس برای نابود ساختن دشمنان بیرونی به جهاد فرهنگی و نظامی روی آورده‌اند. در عصر حاضر حفاظت از اسلام و انتشار و ترویج آیین توحیدی و حیاتبخش آن به عهده ما گذاشته شده است. حال برای اینکه در انجام این وظیفه سنگین موفق باشیم باید برگستره آگاهی و اطلاعات خود در زمینه دشمن شناسی بیفزاییم و دشمنان اسلام و انسانیت را در چهره‌های گوناگونشان بشناسیم و پس از آن به تقویت روحیه دشمن ستیزی همت گماریم و در هر دو میدان جهاد اصغر و اکبر با بینش کامل و عزمی راسخ قدم نهیم و پنجه در پنجه دشمنان انداخته، به حول و قوه الهی آنها را منکوب نماییم و خارهای سر راه پیشرفت اسلام را بزدااییم. دوره‌های بسیج فرصت مناسبی برای رشد یافتن و تعالی است چه از لحاظ فکری و چه از نظر گرایش؛ و برای تحقق این مهم متن حاضر تدوین شده است. در این کتاب مباحثی همچون مفهوم جهاد، اهمیت و اهداف آن، دشمن شناسی، دشمن ستیزی، ویژگی‌های مجاهدان، عوامل پیروزی و شکست و... مورد بحث قرار گرفته است. امید است در تقویت بنیه اعتقادی، بینش صحیح دینی و گرایش مذهبی متعلمان مفید و مؤثر واقع شود.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

## درس اول کلیات

### معنای لغوی و اصطلاحی جهاد

واژه «جهاد» از ریشه «جَهَدَ یا جُهِدَ» به معنای مشقت و زحمت و همچنین به معنای توان و طاقت است و «جهاد» و «مجاهده» یعنی به کار بستن توان در دفع دشمن.<sup>۱</sup> البته این کوشش به صورت‌های مختلف انجام می‌گیرد، زیرا حمله و هجوم دشمن به شیوه‌های مختلف است و اما لفظ «قتال» فقط به معنای مقابله نظامی و درگیری با دشمن است.

جهاد علاوه بر معنای لغوی، اصطلاحی شایع در فرهنگ اسلامی است و در تعریف آن چنین گفته‌اند:

الْجِهَادُ شَرْعاً يَذُلُّ النَّفْسَ وَالْمَالَ وَالْوُسْعَ فِي إِعْلَاءِ كَلِمَةِ الْإِسْلَامِ وَإِقَامَةِ شَعَائِرِ الْإِيمَانِ.<sup>۲</sup>

معنای شرعی و اصطلاحی جهاد عبارت است از نثار جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعارهای ایمان.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیان تعریف اصطلاحی جهاد می‌فرماید:

هر چیزی که هم تلاش باشد و هم در مقابله با دشمن باشد، جهاد است. بعضی ممکن است یک کاری انجام دهند، زحمت هم بکشند، بگویند ما داریم جهاد می‌کنیم، نه، جهاد یک شقش این است که در مقابله با دشمن باشد.<sup>۳</sup>

بنابراین در معنای اصطلاحی جهاد دو عامل مهم لحاظ شده است:

---

۱. مفردات، راغب اصفهانی، ص ۱۰۱؛ البته این واژه به معنای کوشش و زحمت زیاد برای تحقق بخشیدن هدف هم آمده است. مثلاً «وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي..» یعنی اگر سعی و کوشش کردند تا تو بر من شرک بورزی...». (عنکبوت (۲۹)، آیه ۸).

۲. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳.

۳. سخنرانی معظم له تحت عنوان «عبرتهای عاشورا».



اول این که اقدامی باشد همراه با تلاش، کوشش و تحمل سختی. دوم اینکه اقدامی باشد برای مقابله با دشمن و دفع هجوم‌های گوناگون او.

به نظر می‌رسد در اصطلاح جهاد، قید سومی هم لحاظ شده که عبارت است از قید «فی سبیل الله»؛ یعنی اینکه این تلاش و کوشش برای مقابله با دشمن، به قصد و نیت امتثال امر، کسب رضای خدا و شکست دشمن خدا باشد و اگر در این مقابله، کسب رضای خدا لحاظ نشده باشد، اطلاق واژه جهاد بر آن صحیح نیست ولی در معنای قتال که مقابله نظامی با دشمن است، قید «فی سبیل الله» نیامده است. از این رو در قرآن وقتی سخن از جهاد و مجاهده آمده یا به صورت مطلق است:

لَكِنَّ الرِّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ... (توبه: ۸۸)

ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جانهایشان جهاد کردند.

و یا اگر قید «فی سبیل الله» آمده، قید توضیحی است اما قتال ممکن است مقابله نظامی با دشمن جهت کسب رضای خدا باشد و یا با جبهه حق و در راه شیطان و طاغوت:

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ. (نساء: ۷۶)

مؤمنان در راه خدا و کافران در راه طاغوت جنگ و مبارزه می‌کنند.

بنابراین معنای اصطلاحی جهاد عبارت است از: به کار گرفتن سعی و توان برای مقابله با دشمن، به نیت کسب رضای خدا و امتثال امر او.

## اهداف جهاد و دفاع

از اولین و مهمترین سؤالاتی که به ذهن هر شخصی نسبت به امر جهاد خطور می‌کند، این است که هدف از تشریع حکم جهاد چیست؟ آیا اسلام نیز در پی کشورگشایی و تصاحب سرزمین‌ها است، آیا هدف جمع آوری غنایم است، آیا اهداف مادی است که مسلمانان را به سوی جهاد می‌کشاند؟ و.... در پاسخ باید گفت: هیچ یک از موارد یاد شده اهداف جهاد نبوده و جهاد اسلامی مانند جنگ‌ها و لشکرکشی‌های ستمگران تاریخ نیست؛ بلکه آنچه سبب تشریع این حکم شده، از عوامل زیر است:

### ۱ - دفاع از کیان اسلام و مسلمانان

هر موجود زنده‌ای اعم از، انسان و غیر انسان، دفاع در مقابل دشمن را حق طبیعی خود می‌داند و خالق جهان نیز وسایل دفاع و برخورداری از این حق را در همه موجودات به ودیعه نهاده است.

حق فطری دفاع، حقی است که حتی زورمداران و ظالمان نیز برای صحیح نمایاندن عملکرد باطل خود به ناحق به آن متوسل می‌شوند. پس در اصل استفاده از این حق، جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست و اسلام نیز چنین حقی را در چهارچوب «جهاد» تشریح کرده است. در اولین آیه‌ای که پیرامون جهاد و دفاع نازل شد<sup>۱</sup>، تصریح گردیده که به مسلمانان چون مورد ظلم قرار گرفته‌اند، اجازه دفاع داده می‌شود. آنان تا به امروز برای بقای خویش چاره‌ای جز تحمل و چشم‌پوشی از حق فطری دفاع نداشتند ولی امروز می‌توانند از این حق فطری استفاده کرده و در دفع و رفع ستم دشمنان بکوشند.

## ۲ - مقابله با ظلم و فساد

راه مبارزه با فساد همیشه، انذار، موعظه و نصیحت نیست؛ بعضی مواقع حتی از داروی تلخ‌کاری ساخته نیست و طیب ناگزیر است به چاقوی جراحی دست برده، ماده فساد را ریشه کن کند. در جامعه نیز بعضی مواقع باید مجاهدان سلاح بگیرند و ماده سرطانی فساد را از ریشه برکنند.

وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ. (بقره: ۲۵۱)

اگر خداوند بعضی از مردم (مفسدان) را بوسیله بعضی دیگر (مجاهدان) دفع نمی‌کرد، زمین فاسد می‌شد.

## ۳ - حفظ پایگاه‌های خداپرستی و توحید

وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا. (حج: ۴۰)

اگر خداوند بعضی مردم (مهاجمان مشرک) را به وسیله بعض دیگر (مجاهدان مؤمن) دفع نمی‌کرد، حتماً صومعه‌ها، کنیسه‌ها، کلیساها و مساجدی که در آن خدا بسیار یاد می‌شود، ویران می‌گردید.

## ۴ - دفاع از مظلومان

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ... (نساء: ۷۵)  
شما را چه می‌شود که در راه خدا برای نجات مستضعفان (مؤمن) جهاد نمی‌کنید، زنان، مردان و کودکانی که....

۱. منظور آیه ۳۹ سوره حج است که در بحث گذشته ذکر کردیم.

همچنین رسول خدا ﷺ فرمود:

مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ<sup>۱</sup>

هر کس بشنود که کسی (چه مؤمن و چه غیرمؤمن) فریاد می‌زند: ای مسلمانان (یاریم کنید) و وی را اجابت نکند، مسلمان نیست.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی در تشریح اهداف جهاد اسلامی می‌فرماید:

مسئله جنگ در اسلام یکی از مسائل اساسی و اصولی است. جنگ حکومت اسلامی، جنگی برای کشورگشایی نیست، بلکه حکومت اسلامی در دو مورد و برای دو منظور می‌جنگد، اول برای دفاع از حیثیت اسلام و حاکمیت قرآن، یعنی وقتی که بر اثر مجاهدت‌های پیاپی عناصر سلحشور و مسلمان، حکومت اسلامی برپا شد، اگر دشمنان بخواهند بر علیه این حکومت قیام بکنند و این گلی را که با خون شهیدان آبیاری شده است پژمرده و پرپر کنند، دست توانای حکومت اسلامی از آستین بیرون می‌آید و دست گلچین غارتگر را قطع می‌کند.... مورد دوم، برای این است که اسلام و حقایق قرآن مانند خورشیدی که نورش را به همه جا می‌گستراند و می‌تاباند، بر همه ملت‌های مستضعف، اضعاء و نورافشانی می‌کند اگر ابرهای ظلمت طواغیت و جهان‌خواران بخواهند از اشاعه نور اسلام مانع بشوند، آن وقت است که دست قدرتمند اسلام باز از آستین بیرون خواهد آمد و جلوی موانع را خواهد گرفت. در هر دو مورد، اسلام برای معنویت شمشیر می‌کشد، از اصالت و از حقیقت دفاع می‌کند.<sup>۲</sup>

مرحوم کاشف الغطا در تشریح اهداف اسلام در جنگ می‌نویسد: وسایلی که اسلام برای اصلاح جامعه، محقق ساختن عدالت و از بین بردن ستم به کار برده، منحصر در سه نوع است: وسایل دعوت و ارشاد نظیر موعظه حسنه و دعوت به دلیل و برهان، دوم، وسایل مقاومت مسالمت‌آمیز و سلبی همچون متحد شدن در برابر ستمکاران، قطع رابطه و قهر و همکاری نکردن با دشمنان، و وسیله سوم قیام مسلحانه و جنگ است، و اسلام تا آنجا که توانسته از دو راه نخست به اهداف خود برسد، به راه سوم متوسل نشده؛ اما جایی که دست به شمشیر زده، تنها مواردی بوده است که دشمنان با آیات و براهین قانع نشده و پیوسته سنگ بر سر راه دعوت به حق انداخته‌اند.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۳۵۵-۳۵۶.

ایشان در ادامه می‌افزاید:

بنابر این، اگر اسلام رابه حال خود گذاشته بودند، هرگز فرمان جنگی را صادر نمی‌کرد و این همه جنگ‌هایی که در اسلام واقع شد، همه‌اش به اسلام تحمیل شد.<sup>۱</sup>

نکته دیگری که در مورد لزوم تشریع حکم جهاد، باید گفت، این است که به راستی اگر دینی در همه ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، تربیتی و عبادی برای پیروان خود برنامه ارائه کرده باشد، ولی در مورد مسائل مربوط به جهاد و دفاع از آن جامعه برنامه نداشته باشد، آیا آن دین ناقص نیست؟ آیا برنامه نداشتن در این زمینه سبب از هم پاشیدن تمام ارگان‌های یک جامعه که با دشمنان فراوانی رو به روست، نمی‌گردد؟ و آیا نداشتن برنامه در این مورد، سبب تعطیلی برنامه‌های دیگر نمی‌شود؟ و....

از اینجا سستی دلیل برخی از مدعیان مسیحیت که بر وجود قانون جهاد در اسلام ایراد می‌گیرند، روشن می‌شود. همچنین تبیین می‌گردد که جهاد، سبب عزت یافتن جامعه اسلامی در برابر دیگر جوامع است؛ زیرا جامعه‌ای که توان دفاع از خود و مظلومان و توان تبلیغ آیین خود را نداشته باشد، جامعه‌ای مرده و بی‌تحرك است.

۱. ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۲۶۰-۲۶۱ به نقل از «المثل الاعلی فی الاسلام لافى یحمدون»، کاشف الغطا.

## خلاصه

جهاد، باتوجه به معنای لغوی آن به معنای به کار بردن تمام توان و قوت و تحمل سختی‌ها برای مقابله با دشمن است و شامل جنگ با دشمن درونی و خارجی می‌شود. همانگونه که مفسران نیز در تفسیر برخی از آیات قرآن، جهاد را ناظر به هر دو قسم آن دانسته‌اند. اما واژه قتال به معنای جنگیدن، تنها در مورد جنگ با دشمن خارجی به کار می‌رود.

در تعریف اصطلاحی جهاد گفته‌اند: جهاد بذل جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر دین است.

برخی از اهداف جهاد و دفاع عبادت است از: دفاع از کیان اسلام و مسلمانان، مقابله با ظلم و فساد، حفظ پایگاه‌های خدا پرستی و توحید و دفاع از مظلومان و مستضعفان.

## پرسش

- ۱- معنای لغوی جهاد و قتال را ذکر کنید.
- ۲- معنای اصطلاحی جهاد را تعریف کنید.
- ۳- اهداف جهاد و دفاع را نام ببرید.
- ۴- دفاع چگونه پایگاه‌های خدا پرستی را حفظ می‌کند.
- ۵- آیا دینی که جهاد ندارد ناقص است؟ چرا؟

## درس دوم

### اهمیت جهاد و فضیلت آن

در قرآن کریم نسبت به جهاد آیات زیادی وارد شده است به طوری که در کمتر موردی از فروع اسلامی به اندازه جهاد آیه نازل شده است. برخی از آیات به طور مستقیم و با به کار بردن واژه‌های جهاد و قتال و برخی دیگر به طور غیر مستقیم و به منظور تشریح مسائل جانبی آن نازل شده است. قرآن مجید برای نشان دادن اهمیت جهاد، آن را با خدمتگزاری به حجاج و تعمیر مسجدالحرام مقایسه کرده و به این ترتیب به فضیلت جهاد تصریح نموده است.<sup>۱</sup>

تمام آیاتی که به برتری جهادگران راه خدا اشاره دارد، نیز حاکی از اهمیت و فضیلت جهاد است. خداوند خود را خریدار جان و مال مؤمنان می‌داند که جهاد می‌کنند<sup>۲</sup> و آنان را محبوبان خویش خوانده<sup>۳</sup> و ثواب و اجر بزرگی به آنان وعده داده است.<sup>۴</sup>

همچنین مجاهدان را رستگاران عالم معرفی نموده و رحمت و رضوان و بهشت خود را مخصوص آنها دانسته است.<sup>۵</sup>

درباره اهمیت جهاد همین بس که قرآن از راه‌های گوناگون به آن دعوت فرموده است، نظیر توجه دادن به پاداش جهاد، با بیانی ملایم و آرام، با تحریک عواطف انسانی، بازبان امر و دستور، با توییح و سرزنش و تهدید و بیان مجازات ترک آن.<sup>۶</sup>

سوگند قرآن به نفس زدن اسب‌های مجاهدان، جرقه‌های سم ستوران و گرد و غبار برخاسته از حرکت سریع آنان، همگی نشان‌دهنده عظمت جهاد است.<sup>۷</sup>

۱. توبه (۹)، آیات ۱۹-۲۰.

۲. همان، آیه ۱۱۱.

۳. صف (۶۱)، آیه ۲.

۴. نساء (۴)، آیه ۷۴.

۵. توبه (۹)، آیات ۲۰-۲۱.

۶. ر. ک. (به ترتیب)، نساء (۴)، آیه ۷۴؛ بقره (۲)، آیه ۲۱۶؛ توبه (۹)، آیه ۱۳؛ بقره (۲)، آیه ۲۴۴؛ توبه (۹)، آیه ۸.

۷. عادیات (۱۰۰)، آیه ۱-۴.

درباره اهمیت و فضیلت جهاد روایات فراوانی نیز نقل شده است:

ابوذر غفاری از پیامبر اکرم ﷺ پرسید: کدام یک از اعمال نزد خداوند محبوب تر است؟ آن حضرت فرمود: ایمان به خدا و جهاد در راه او، سپس ابوذر سؤال کرد، کدامین جهاد از همه جهادها بهتر است؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: جهاد کسی که اسبش پی شده و خونس در راه خدا ریخته شود.<sup>۱</sup>

حضرت رسول ﷺ در حدیثی دیگر چنین می فرماید:

الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ ...<sup>۲</sup>

همه خوبی ها در شمشیر و زیر سایه شمشیر است.

نبی اکرم ﷺ لشکری را برای نبرد گسیل داشت که ابن رواحه نیز در آن حضور داشت. سپاه بامدادان به سوی منطقه مورد نظر عزیمت کرد ولی ابن رواحه ماند که نماز را با پیامبر اکرم ﷺ به جا آورد. پس از نماز، پیامبر او را دید و فرمود: مگر در سپاه نبودی؟ عرض کرد: بلی؛ دوست داشتم در نماز جماعت با شما حاضر شوم و سپس به مجاهدان پیوندم. رسول خدا ﷺ فرمود:

وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ أَنْفَقْتُ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَدْرَكْتُ فَضْلَ غَدَوْتِهِمْ.<sup>۳</sup>

سوگند به خدایی که جان محمد در دست اوست، اگر آنچه را در زمین است انفاق کنی،

فضیلت حرکت بامدادی آنان را نخواهی یافت!

امیر مؤمنان علی ﷺ در خطبه ای که او آخر عمر خود ایراد نمود، فرمود:

إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِمَا لِيَاكِهِ وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةِ وَ جُنَّةُ الْوَثِيقَةِ.<sup>۴</sup>

جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی خواص دوستان خود گشوده،

چنان که جهاد، لباس تقوا و زره محکم الهی و سپر قوی اوست.

از امام باقر ﷺ نیز درباره اهمیت جهاد این گونه نقل شده است:

اصل اسلام، نماز و فرع آن زکات و قله و اوج عظمت آن، جهاد است.<sup>۵</sup>

علاوه بر آیات و روایاتی که بر اهمیت جهاد دلالت دارند، دقت در جایگاه جهاد اسلامی نسبت به سایر واجبات دینی، ما را به اهمیت و عظمت آن آگاه می سازد. جهاد دفاعی سبب تأمین امنیت است که در سایه آن اقامه سایر واجبات و حدود الهی امکان پذیر می گردد.

۲. همان، ص ۹.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۱.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۷، صبحی صالح.

۳. سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۰.

۵. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۹۲.

رفع مانع از تبلیغ دین الهی، در جهاد ابتدایی، سبب گرایش عده‌ای از جامعه بشری به دین حق می‌شود. در سایه این گرایش و افزونی مسلمانان، امکان برقراری حکومت عدل الهی و اقامه احکام اسلامی در سطح گسترده ممکن می‌گردد. خلاصه اینکه در بسیاری از موارد، تبلیغ اصول دین و عمل به فروع دین، مدیون انجام این فریضه بزرگ الهی است که خود نشان دهنده عظمت آن نیز می‌باشد.

### آثار ترک جهاد

سستی و مسامحه در جهاد، عواقب نامطلوبی را در پی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱- **انهدام پایگاههای خداپرستی:** قرآن مجید هشدار می‌دهد که اگر مردم به دفاع، قیام نکنند جایگاهی برای عبادت حق باقی نمی‌ماند و نه تنها مراکز دینی مسلمانان، بلکه تمام مراکز دینی موحدان از بین خواهد رفت.<sup>۱</sup> البته ممکن است ذکر مساجد و معابد به عنوان نمونه‌ای والا از مراکز فرهنگی و تعالی و رشد افراد جامعه باشد و این می‌رساند که در صورت قیام نکردن به وظیفه دفاع، محلی برای تعالی و رشد معنوی و فکری انسان‌ها باقی نمی‌ماند و این‌گونه مراکز دستخوش فنا و نابودی می‌گردد.

۲- **خواری و گرفتاری:** قرآن کریم علاوه بر هشدارهای مکرر در مورد سستی در امر جهاد، در موردی نیز بطور صریح به عواقب ذلتبار ترک جهاد در همین دنیا اشاره نموده، خاطر نشان می‌سازد که قوم بنی اسرائیل که از دستور جهاد سرپیچی کردند، به مجازات چهل ساله سرگردانی مبتلا شدند: **قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيمُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ.** (مائده: ۲۶) خداوند (به موسی) فرمود: این سرزمین (مقدس) تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛ پیوسته سرگردان خواهند بود و درباره (سرنوشت) این جمعیت گناهکار، غمگین مباش.

پیامبر اکرم ﷺ نیز در مورد ترک جهاد و اشتغال به امور دنیوی هشدار داده، می‌فرماید: **لَئِنْ أَنْتُمْ اتَّبَعْتُمْ أَذْنَابَ الْبَقَرِ وَ تَبَايَعْتُمْ بِالْعِيَةِ وَ تَرَكْتُمُ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَيُلْزِمَنَّكُمُ اللَّهُ مَذَلَّةً فِي أَعْنَاقِكُمْ ثُمَّ لَا تَنْزِعُ مِنْكُمْ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَتَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ**<sup>۲</sup>

اگر شما، در پی گاو بروید، و به خرید و فروش اجناس بپردازید و (بدین وسیله) جهاد در راه خدا را ترک کنید، خداوند، مذلت و خواری را گریبان‌گیرتان می‌کند که از شما جدا نخواهد شد. تا اینکه به سوی خداوند، توبه کنید و بر آنچه قبلاً به آن عمل می‌کردید (یعنی جهاد) برگردید.

۱. با استفاده از آیه ۴۰، سوره حج (۲۲). ۲. مسند، احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۸۴، دار صادر، بیروت.



امام خمینی (ره) ضمن یادآوری آیه ۲۴ از سوره توبه - که به کسانی که از رفتن به جهاد کوتاهی و اقوام و اموالشان را بیشتر از خدا و جهاد در راه او دوست می دارند، هشدار می دهد - می فرماید:

(این آیه) تنبه داده است که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید، از ذلت و اسارت و بر باد رفتن ارزشهای اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره و بدیهی است که همه اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم...<sup>۱</sup>

**۳- عذاب آخرت:** عذاب اخروی ترک کنندگان جهاد، همان دوری از رحمت خدا و مبتلا شدن به آتش دوزخ است. قرآن مجید در سوره توبه منافقانی را که به بهانه گرمی هوا از رفتن به جبهه امتناع کرده و خود را معذور می دانند، به عذاب جهنم تهدید نموده، می فرماید:

... وَ قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ۝ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيُيْسِرُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. (توبه: ۸۲-۸۱)

و گفتند: در این گرما (به سوی میدان جنگ) حرکت نکنید! (به آنان) بگو: آتش دوزخ از این هم گرمتر است، اگر می دانستند! از این رو، آنها باید کمتر بخندند و بسیار بگریند! این، جزای کارهایی است که انجام می دادند!

و در آیه دیگری می فرماید:

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ... (توبه: ۳۹)

اگر (به سوی میدان جنگ) حرکت نکنید، شما را مجازات دردناکی می کند، و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرار می دهد.

البته لفظ این آیه مطلق است و می تواند شامل عذابهای دنیوی نیز بشود، بخصوص که در ادامه آیه آنان را به هلاکت دنیوی تهدید کرده است.

## خلاصه

فراوانی آیات قرآنی در باره جهاد و ترغیب به آن، تبیین پاداش رزمندگان و احکام جهاد و سوگند قرآن به نفس زدن اسب‌های مجاهدان راه خدا از اهمیت و عظمت جهاد حکایت می‌کند. در روایات نیز نسبت به آن بسیار تأکید شده و در حدیثی همه خوبی‌ها در سایه جهاد و زیر سایه شمشیر مجاهدان دانسته شده است. جهاد مایه عزت و شوکت اسلام است و احکام دینی در سایه آن اقامه می‌شود.

سستی و مسامحه در امر جهاد دارای عواقب ناگواری است که برخی از آنها در دنیا و برخی در سرای آخرت گریبانگیر تارکان جهاد خواهد شد.

یکی از عواقب دنیوی ترک جهاد، انهدام پایگاه‌های توحید و خداپرستی است؛ زیرا دشمن درصدد انهدام کلیه مراکز رشد فرهنگی ملت‌ها می‌باشد که عمده آن نیز کانون‌های خداپرستی است. خواری و ذلت دنیوی از بدترین عواقب ملموس اعراض از جهاد است. اثر دیگر عذاب جهنم است که گریبان تارکان جهاد را خواهد گرفت.

## پرسش

- ۱- آیه‌ای در باره فضیلت جهاد بنویسید.
- ۲- چرا جهاد نسبت به دیگر اعمال عبادی از اهمیت بیشتری برخوردار است؟
- ۳- عواقب زیانبار ترک جهاد را نام ببرید.
- ۴- چگونه خواری و گرفتاری در مورد قومی که جهاد را ترک کنند، محقق می‌شود؟
- ۵- تهدید خداوند به آتش دوزخ برای اعراض کنندگان از جهاد را با ذکر آیه‌ای شرح دهید.

درس سوّم

## اقسام جهاد و دفاع

تقسیم بندی جهاد به چند اعتبار صورت می گیرد، گاهی تقسیم بندی به اعتبار «دشمن» است و گاهی به اعتبار «نوع هجوم» و گاهی به اعتبار «ارزش و اهمیت» که این تقسیم بندی ها خود به شرح زیر است:

### جهاد اکبر و جهاد اصغر

دشمن انسان یا درونی است و یا بیرونی، دشمن درونی عبارت است از شیطان که وجودش نامرئی بوده و در نفس انسان و سوسه می کند و با یاری گرفتن از قوای نفسانی بر قوای رحمانی و عقلانی می تازد و با شکست دادن آنها، انسان را به بردگی و بندگی می گیرد. جهاد با شیطان و قوای نفسانی را «جهاد نفس» یا «جهاد اکبر» نامیده اند.

در مقابل، دشمن بیرونی است؛ یعنی شیطان های انسان نمایی که سد کننده راه خدایند و تجاوزگر به حقوق انسانها؛ جهاد در مقابل اینان را «جهاد اصغر» گویند.

### چرا جهاد اکبر؟

اصطلاح «جهاد اکبر» را برای «جهاد با نفس» شخص رسول خدا ﷺ به کار بردند. ایشان خطاب به گروهی از رزمندگان که فاتحانه از میدان مبارزه با دشمن خارجی باز می گشتند، فرمود:

مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ.

آفرین به قومی که جهاد کوچک تر را انجام دادند و جهاد بزرگ تر هنوز بر عهده آنان باقی است.

رزمندگان پرسیدند: ای رسول خدا؛ جهاد اکبر چیست؟

پیامبر فرمود: جِهَادُ النَّفْسِ<sup>۱</sup> (مبارزه با نفس شیطانی).

---

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲۲.

یک مجاهد قبل از اینکه وارد میدان جهاد اصغر شود، باید به جهاد اکبر بپردازد. جهاد اصغر یک جهاد موقتی است و تا زمانی که دشمن خارجی سرکوب نشده، ادامه دارد و با منکوب شدن دشمن خارجی تمام می‌شود، ولی جهاد اکبر یک جهاد دائمی و لحظه به لحظه است و در این میدان، دشمن لحظه‌ای غافل نشده انسان را به حال خود نمی‌گذارد. انسان با ایمان آوردن و انجام اعمال صالح وارد میدان مبارزه با بزرگترین دشمن خود، یعنی شیطان و نفس اماره شده است و تا زمانی که در این میدان باشد و بر ایمان خویش پای فشرده و بدان پایبند بماند مجاهد بوده و مرگش شهادت است.

### هشدار!

مجاهدانی که سرافراز از میدان جهاد اصغر بیرون آمدند باید بدانند که بر کارنامه خویش سطرهایی از افتخار و عظمت نگاشته‌اند اما باید این افتخار را پاس بدارند و از گزند دستبرد دشمن غدار و حيله گر در کمین نشسته، حفظ کنند و بدانند اگر لحظه‌ای غافل شوند، سرمایه گرانبهایشان به تاراج رفته و چه بسا خدای ناخواسته با مهر مردودی و شقاوت پرونده اعمالشان ختم گردد. علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌فرماید:

مجاهد پیروز گرچه ثواب جهاد و فتح در نامه عملش ثبت شده و استحقاق پاداش یافته است ولی این استحقاق همیشه در خطر حبط و نابودی است. ممکن است با مرتکب شدن بعضی گناهان بزرگ این استحقاق را از دست بدهد. پس او تا آخر عمر باید این استحقاق را مراعات کرده و حفظ کند تا بعد از مرگش به پاداش برسد.<sup>۱</sup>

### اقسام جهاد اصغر

از آنجاکه هجوم دشمن به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد، به طور طبیعی شیوه‌های جهاد اصغر نیز مختلف است از جمله:

- جهاد فرهنگی برای رفع و محو سلطه فرهنگی دشمن یا مقابله با هجوم فرهنگی دشمن.
- جهاد نظامی و درگیری و رویارویی در صحنه جنگ با دشمن.
- جهاد مالی و تأمین هزینه مبارزه با دشمن و ...

### فضیلت جهاد فرهنگی

جهاد فرهنگی یعنی سعی و تلاش برای تبیین، تفهیم و ترویج عقاید صحیح و ابطال عقاید باطل در جامعه. در جامعه جاهلی که اساس آن جهل و خرافه است، عقاید ناصحیح و جاهلانه، اخلاق زشت و اعمال قبیح بار آورده و افراد را فساد احاطه کرده است. چنین جامعه‌ای تا زمینه‌های فلاح و رستگاری را در خود ایجاد نکند، به رشد و سعادت نمی‌رسد؛ و ایجاد زمینه‌های صلاح به این امر وابسته است که مصلحان با روشنگری و مجاهدت علمی و فرهنگی زیربنای جاهلانه و خرافی اعتقادی را از بین برده و آب حیات توحید و فرهنگ صحیح را به جامعه برسانند. در این صورت عنایت خداوند نیز شامل شده نگون‌بختی و سیه روزی رخت بر می‌بندد و سعادت و خوشبختی چهره می‌نماید.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. (رعد: ۱۱)

خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند. بنابراین جهاد فرهنگی مقدم بر جهاد نظامی است. لذا باید ابتدا با فرهنگ جاهلی مبارزه کرد و با ارائه فرهنگ ناب الهی و اسلامی، آن را به قهقرا فرستاد و نیز علیه کسانی که آگاهانه بر فرهنگ جاهلی پای می‌فشرند و نمی‌گذارند آب حیاتبخش فرهنگ ناب الهی جانهای تشنه را سیراب کند، جنگید و آنان را از میان برداشت البته جهاد فرهنگی یک جهاد مستمر است و حفظ و ماندگاری احکام الهی به آن بستگی دارد.

پیامبر اکرم ﷺ در آغاز رسالتش قبل از اینکه به او و پیروانش اجازه دفاع و جهاد نظامی داده شود، مأمور به جهاد فرهنگی شد؛ قرآن به عنوان کتاب جهاد فرهنگی بر قلب مبارک ایشان نازل شد تا با تبیین و تبلیغ آن فرهنگ حاکم را منهدم سازد:

وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا. (فرقان: ۵۲)

و به وسیله قرآن با آنان مبارزه کن، مبارزه بزرگی!

یعنی با تلاوت آیات قرآن و بیان حقایق قرآن حجت را بر آنان تمام کن و پایه‌های متزلزل اعتقاد پوشالی آنان را ویران نما و بر آن ویرانه، بنیان اعتقاد توحیدی را استوار و محکم بنا کن. این آیه از آیات مکی است و منظور از جهاد در آن قتال نیست؛ مخصوصاً که وسیله آن را قرآن شمرده است. فضیلت این جهاد از جهاد نظامی نیز بیشتر و والاتر است؛ چون مجاهدان فرهنگی هستند که مجاهدان نظامی را می‌پروراند. این مجاهدان، فقیهان و دانشمندان الهی‌اند که با تبیین و تبلیغ عقاید، اخلاق و احکام توحیدی سایر مجاهدان را تربیت می‌کنند؛ از این روست که ارزش مجاهدان این صحنه بسی والاتر و بالاتر از مجاهدان دیگر صحنه‌ها و از جمله مجاهدان نظامی است که خود برتر از دیگر مجاهدان هستند.

از رسول خدا ﷺ و امام صادق علیه السلام نقل شده که:

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوُضِعَتِ الْمَوَازِينُ فَتَوَزَّنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيُرَجَّحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ.<sup>۱</sup>

در روز قیامت، خداوند عزوجل همه مردم را در یک جا جمع می‌کند، میزان‌ها نصب می‌گردد و خون شهیدان با مداد علما سنجیده می‌شود، پس مداد عالمان بر خون شهیدان برتری می‌یابد.

## اقسام جهاد نظامی

جهاد نظامی خود به دو قسم است:

**الف - جهاد دفاعی:** جهاد دفاعی عبارت است از دفاع مسلمانان از جان، مال، ناموس، سرزمین و کیان اسلامی در برابر هجوم دشمنان. دفاع یکی از مسائل بدیهی است که مورد قبول فطرت، عقل، غریزه و شرع می‌باشد و هیچ موجود زنده‌ای در دفاع از هستی و آنچه به او تعلق دارد، تردیدی به خود راه نمی‌دهد.

مسلمانان - چه به صورت فردی و چه گروهی - همانند دیگران حق دارند که از کیان اسلام، حکومت اسلامی و موجودیت خویش در هر شرایطی دفاع کنند و اعتراض به چنین حقی از سوی هرکس که مطرح شود، بسیار ابلهانه و نابخردانه است، اما اینکه چگونه باید دفاع کنیم، مسأله‌ای است که قرآن و فقه اسلامی به آن پرداخته و جزئیات آن را به روشنی بیان داشته است.

**ب - جهاد ابتدایی:** اگر مسلمانان نه برای دفع هجوم ظاهری دشمن، بلکه برای از بین بردن حاکمیت جهل، شرک و خرافه و گستردن دامنه توحید و رساندن آب حیات دین به جوامع مرده انسانی، متوسل به شمشیر شوند، این جهاد ابتدایی است. همان طور که توضیح خواهیم داد، روح جهاد ابتدایی همان جهاد دفاعی است و در این مبارزه جهادگران از حیات انسانی و حاکمیت توحید دفاع می‌کنند. در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که بر جهاد ابتدایی صراحت دارد؛ از آن جمله می‌توان به آیه زیر اشاره کرد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً... (توبه: ۱۲۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند.

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴ و ۱۶.

پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید:

أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَدْ عَصِمَ مِنْ مَالِهِ وَ نَفْسِهِ.<sup>۱</sup>

من مأمورم که با مردم (مشرکان) بجنگم تا «لا اله الا الله» بگویند، پس کسی که آن را بر زبان جاری سازد، مال و جان‌ش در امان است.

فقه‌های اهل تشیع و تسنن نیز اصل تشریع جهاد ابتدایی را پذیرفته‌اند و در ذیل آن مباحثی نظیر استثنای برخی از زمان‌ها و مکان‌ها در جهاد، تعیین حداقل مقدار واجب آن، لزوم دعوت به اسلام پیش از جهاد، مشروط بودن آن به اذن امام معصوم یا امام عادل و لزوم انتخاب کفار نزدیک‌تر برای جهاد را ذکر کرده‌اند.<sup>۲</sup>

طرح این مباحث تأکیدی بر وجود حکم جهاد ابتدایی در اسلام است؛ زیرا در جهاد دفاعی، استثنا مفهومی ندارد و تعیین زمان و مکان آن، در حقیقت به عملکرد دشمن بستگی دارد. از سوی دیگر، اذن امام معصوم ﷺ نیز در جهاد دفاعی شرط نیست. مفسران نیز در کتب تفسیری خویش، ذیل آیات جهاد، به چگونگی تشریع جهاد ابتدایی و اهداف آن پرداخته‌اند.

### تبیین جهاد ابتدایی

بیشتر مستشرقین، اسلام را دین زور و شمشیر معرفی نموده و حکم جهاد ابتدایی و جنگ‌های متعدد پیامبر ﷺ را دلیل بر ادعای خویش قلمداد کرده‌اند. برای روشن شدن بطلان این مدعا باید هم مفهوم جهاد ابتدایی معلوم شود و هم در مورد جنگ‌های پیامبر ﷺ تحقیق و بررسی به عمل آید. در مورد دوم به گواهی تاریخ، همه جنگ‌های پیامبر ﷺ دفاعی بوده است و اصولاً پیامبر ﷺ در تمام دوران حکومت خود در مدینه فرصت و امکانات لازم برای جهاد ابتدایی را به دست نیاورد. البته مفهوم جهاد ابتدایی این نیست که مسلمانان ابتدا به ساکن شمشیر در دست گرفته و با سپاه به اطراف حمله کرده و مردم را به اسلام آوردن و یا جنگ مخیر کرده و در صورت استنکاف آنان از قبول اسلام با شمشیر گردن‌هایشان را بزنند. این روش کسانی است که حرف

۱. جهاد، آیه الله حسین نوری، ص ۳۱۷، به نقل از صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۸.

۲. ر. ک. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۰-۱۱ و ۴۹ و ۵۱ و ۸۱ شرح لمعه، ج ۱، ص ۲۵۷-۲۵۸، قطع رحلی؛ المغنی، ج ۱۰، ص ۳۶۷-۳۸۵؛ المبسوط، سرخسی، ج ۱۰، ص ۳۰.

حساب و معقول نداشته برای قبولاندن حرف باطل خود چاره‌ای جز توسل به زور ندارند؛ اما اسلام تعالیمی را ارائه کرده که مطابق با فطرت، میل قلبی، باطنی و طبیعی بشر است. پیامبر ﷺ و مسلمانان آگاه وظیفه دارند این تعالیم را با بیانی کافی و روشن برای بشر تبیین کنند و طبیعی است که انسان‌های سالم و سعادت طلب و حق‌جو با شنیدن و دریافت این پیام زنده کننده، با آغوش باز آن را خواهند پذیرفت و بدان‌گردن خواهند نهاد؛ اما همیشه و در همه جوامع افرادی هستند که بندگی هوای نفس را پذیرفته و هم و غم آنان بهره‌گیری ظالمانه از انسان‌ها است و پیام‌رستین پیامبران خواب خوش آنان را آشفته می‌سازد. برخورد این ظالمان با دعوت پیامبران به دو گونه است: اول آن که با جمع‌آوری همه توان خویش برای خاموش کردن دعوت انبیا و سرکوب دعوت کنندگان هجوم می‌آورند که در این صورت مقابله با آنان واجب و ضروری است. دوم آن که در مقابل دعوت انبیاء، موانع ایجاد می‌کنند و با تهدید، ارعاب، شبهه پراکنی و تبلیغات انحرافی مانع ایمان آوردن و آزاد گذاشتن محرومان و مظلومان می‌گردند و در صورتی که گروهی از آن مستضعفان ایمان آورند آنان را با شکنجه و آزار به ترک دین حق و بازگشت به اعتقادات جاهلانجامه جامعه وادار کرده و یا نابودشان می‌سازند. در این صورت آیا بر مسلمانان لازم نیست در صورت داشتن قدرت لازم برای نجات این مستضعفان اقدام کنند و این ظالمان گمراه پیشه را نابود سازند؟ و مگر جهاد ابتدایی غیر از این است؟ انکار چنین وظیفه‌ای جز انکار انسانیت و انکار وظیفه انسانی نیست و این حکم الهی، حکمی فطری و از افتخارات اسلام است.

علامه طباطبایی (ره) در تبیین جهاد ابتدایی می‌نویسد:

فطرت حکم می‌کند به اینکه مبنای قوانین فردی و اجتماعی باید توحید باشد و دفاع از توحید و نشر و حفظ آن حق مشروع انسانی است و باید این حق را به هر وسیله ممکن به دست آورد. البته اسلام برای به دست آوردن این حق فطری طریق اعتدال را پیموده است. در ابتدا فقط وظیفه دعوت بود و صبر و تحمل آزارها و اذیت‌های دشمنان برای خدا؛ در مرحله بعد علاوه بر دعوت، دفاع از موجودیت اسلام و مسلمانان و اموال و حرمت آنان هم لازم شد و در مرحله آخر جنگ ابتدایی برای دفاع از حق انسانی و کلمه توحید واجب گردید. البته هیچ‌گاه و در هیچ مرحله‌ای اجازه جنگ داده نشده مگر بعد از آنکه با دعوت رسا و حکیمانه، حجت بر کفار تمام شده باشد.<sup>۱</sup>



## خلاصه

جهاد به دو قسم «جهاد اصغر» و «جهاد اکبر» تقسیم می‌شود؛ جهاد اصغر نبرد با دشمن بیرون و جهاد اکبر، نبرد با دشمن درون و نفس اماره است.

جهاد اصغر انواعی دارد؛ از قبیل جهاد فرهنگی، نظامی و مالی.

در میان انواع و اقسام جهاد، جهاد با نفس از اهمیت به سزایی برخوردار است؛ هر کس در جبهه نبرد با دشمن درونی موفق باشد در عرصه نبرد با دشمنان بیرونی پیروز و سربلند خواهد گشت. جهاد فرهنگی برای تبیین و ترویج عقاید دینی و ابطال عقاید باطل بسیار ارزشمند است و بر جهاد نظامی تقدم دارد، فضیلت آن نیز بیشتر است.

جهاد نظامی خود به دو قسم «جهاد دفاعی» و «جهاد ابتدایی» تقسیم می‌گردد؛ جهاد دفاعی عبارت است از: دفاع مسلمانان از جان، مال و ناموس، سرزمین و کیان اسلام در برابر هجوم دشمنان. جهاد ابتدایی نیز جهاد برای از بین بردن حاکمیت شرک و کفر و گسترش دامنه توحید و حیات بخشیدن به جوامع انسانی است. روح این جهاد نیز همان جهاد دفاعی است؛ چرا که مجاهدان در این عرصه از حیات انسانی و حاکمیت توحید دفاع می‌کنند.

## پرسش

- ۱- اقسام جهاد را نام ببرید.
- ۲- به نظر شما چرا جهاد به نفس نسبت به جهاد با دشمنان ارزشمندتر است؟
- ۳- جهاد فرهنگی چیست و بر جهاد نظامی چه فضیلتی دارد؟
- ۴- جهاد دفاعی و ابتدایی چه تفاوت و تشابهی با هم دارند؟
- ۵- اگر کسی شبهه‌ای وارد کند که «اسلام دین زور و شمشیر است!» در پاسخ چه خواهید گفت؟

#### درس چهارم

### آثار فردی و اجتماعی جهاد

جهاد در زندگی فردی و اجتماعی انسان آثار و برکات فراوانی دارد که به بیان برخی از آنها می‌پردازیم.

#### آثار فردی

۱- اثر تربیتی: چون جهاد علاوه بر حفظ ثغور اسلام و فراهم کردن زمینه پیاده شدن اصول ارزشی در جامعه اسلامی، یکی از شیوه‌های مؤثر تربیتی اسلام است، شارع مقدس برای آن ارزش و اعتبار زیادی قایل شده است. در تشریح این نقش سازنده و ترغیب مسلمانان به پیوستن به این کاروان سعادت و رستگاری، تعابیری بلند به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه در قرآن کریم می‌خوانیم که جهاد، معامله با خداوند است:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ هُمْ الْجَنَّةَ. (توبه: ۱۱۱)

همانا خداوند - در برابر بهشت - خریدار جان و مال مؤمنان است!

یا در روایات می‌خوانیم: «ارزش یک ساعت ایستادن رزمنده مجاهد در صف نظامی و در راه خدای بزرگ، از شصت سال عبادت کردن بالاتر است.»<sup>۱</sup> و یا «جهاد کنید تا برای فرزندانمان مجد و عظمت را به ارث گذارید.»<sup>۲</sup>

۲- شکوفایی جوهره اصلی انسان: جهاد صحنه آزمون الهی است؛ در هنگامه نبرد، آنگاه که غرش سلاح‌های مرگ آور، عرصه را از هر سو بر آدمی تنگ می‌کند، معلوم می‌شود چه کسانی

۱. ر.ک: نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص ۴۷۷، چاپ جاویدان.

۲. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹.

حاضرند به صورت عملی و تا سرحد جان، پایبندی خود را به عقاید و ایمان قلبی خویش، نشان دهند! و بدین ترتیب در میدان عمل جوهره اصلی انسان بروز می‌کند و صف مجاهدان از دیگر افراد جدا می‌گردد. خداوند سبحان می‌فرماید:

وَلَتَبْلُؤَنَّهُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ. (محمد: ۳۱)

ما شما را مورد آزمایش قرار می‌دهیم تا مجاهدان و بردباران شما را بشناسیم.

**۳- قرب پروردگار:** جهاد در بین واجبات اسلامی از این ویژگی برخوردار است که می‌تواند انسان را از تعلقاتش جدا ساخته، به مقام قرب الهی، نزدیک سازد. قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (مائده: ۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

ذکر جهاد پس از دستور به جست و جوی وسیله‌ای برای تقرّب بیانگر نقش جهاد در دستیابی به مقام قرب به پروردگار است.

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

ای مردم! برای رویارویی با دشمنی که جهاد با آنها مایه قرب به پروردگار و یافتن وسیله (برای تقرّب به او) است، آماده باشید.<sup>۱</sup>

**۴- پاداش بزرگ و فراوان:** قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُجِيبُكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ۖ تَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۖ يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينٌ طَيِّبَةٌ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. (صف: ۱۲-۱۰)

ای مؤمنان! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که از عذاب دردناک رهایی بخشد؟! به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما (از هر چیز) بهتر است اگر بدانید! (اگر چنین کنید) گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغ‌هایی از بهشت داخل می‌کند که نهرها از زیر درختانش جاری است و در مسکن‌های پاکیزه در بهشت جاویدان جای می‌دهد؛ و این پیروزی عظیم است.

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۹۴، دار الاحیاء التراث العربی.

رسول خدا ﷺ فرمود:

کسی که به قصد جهاد در راه خدا از خانه خارج شود، به ازای هر گام، هفتصد هزار حسنه خواهد داشت و هفتصد هزار درجه بالا می‌رود و در ضمانت الهی است که هر گونه بمیرد، شهید است و اگر از جبهه بازگردد، آمرزیده خواهد بود و دعایش مستجاب می‌شود.<sup>۱</sup>

## آثار اجتماعی

۱- اصلاح محیط اجتماعی: پیدایش زمینه مساعد برای رشد و تعالی انسان‌ها در پرتو جهاد اسلامی، از آثار اجتماعی این فریضه مقدس الهی به شمار می‌رود. قرآن کریم جهاد را مایه مصونیت جوامع ایمانی از گزند کفر و شرک معرفی کرده، پس از امر رسول خدا ﷺ به جهاد، می‌فرماید:

وَحَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا. (نساء: ۸۴)

و مؤمنان را (بر جهاد) تشویق کن! امید است خداوند از قدرت کافران جلوگیری کند.

۲- حیات اجتماعی: پیروی از دستورات دینی، از جمله جهاد در راه خدا مایه حیات معنوی افراد جامعه است. از نظر قرآن کریم جامعه‌ای که برای دین و آیین، آرمان‌های دینی، استقلال و مانند آن تلاش می‌کند و برای حفظ آنها از جان و مال دریغ نمی‌ورزد، زنده و از حیات واقعی برخوردار است. قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ. (انفال: ۲۴)

ای مؤمنان! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد.

این آیه هر چند مطلق است و می‌توان فهمید که اجابت خدا و رسول نسبت به پذیرش همه معارف و عمل به تمام دستورات دینی، سبب زنده شدن و برخورداری از حیات معنوی افراد و جامعه می‌شود؛ اما به دلیل وجودش در بین آیات جهاد، ناظر به این حقیقت است که مؤمنان در صورت پذیرش دعوت پیامبر اسلام ﷺ در مورد جهاد و دستورات پیرامون آن، خود را به سرچشمه حیات می‌رسانند و از زلال حیات بهره‌مند خواهند شد؛ چرا که آنان در سایه جهاد ملتی سرافراز، عزیز و شکست‌ناپذیر خواهند شد، به امنیت و آسایش می‌رسند و در پرتو این امنیت، احکام دین خدا را در جامعه حاکمیت می‌بخشند و با اقتداری که به دست خواهند آورد از طمع هجوم دشمن مصون خواهند گشت، به حیات خود نیز ادامه خواهند داد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹.

**۳- پیروزی:** اثر دیگر جهاد در راه خدا پیروزی و سربلندی ملت است. مجاهدان راه خدا به طور قطع پیروز و سرافرازند؛ چه با پیروزی ظاهری بر دشمن و چه با شهادت و رسیدن به جوار رحمت حق و به تعبیر قرآن کریم در هر صورت به «إِخْدَى الْحُسَيْنِ» دست خواهد یافت. در آیه‌ای می‌خوانیم:

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِخْدَى الْحُسَيْنِ. (توبه: ۵۲-۵۱)

بگو: «هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد. مگر آنچه خداوند برای ما نوشته و مقرر داشته است؛ او مولا (و سرپرست) ما است، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند!» بگو: «آیا در باره ما جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟!»: (یا پیروزی یا شهادت)...

بنابراین، جامعه‌ای که در آن مجاهدان راه خدا حضور دارند و در راه حفظ دین و آرمان‌های مقدس و حفظ استقلال و آزادی می‌کوشند و با دشمنان متجاوز می‌جنگند، همواره پیروزند.

## خلاصه

جهاد در راه خدا آثار و برکات فراوانی در زندگی انسان دارد. برخی از آثار فردی جهاد عبارت است: ۱- اثر تربیتی؛ به طوری که مجاهد راه خدا راه صد ساله را یک شبه می‌پیماید. ۲- شکوفایی جوهره اصلی انسان که انسان را در صحنه عمل قرار داده و صف رزمنده راه خدا را از دیگران جدا می‌سازد. ۳- قرب پروردگار. ۴- پاداش بزرگ و فراوان. برخی از آثار اجتماعی جهاد عبارت است از: ۱- اصلاح محیط اجتماعی؛ در پرتو جهاد زمینه مساعد برای رشد و تعالی در اجتماع فراهم می‌شود و محیط اجتماعی از خطر تهدیدهای دشمن و دستبرد اشرار ایمن می‌گردد. ۲- حیات اجتماعی؛ در سایه جهاد جامعه پویا و بالنده می‌شود و به حیات خود ادامه می‌دهد. ۳- پیروزی؛ جهاد راه خدا همواره برای مجاهدان، پیروزی را به ارمغان می‌آورد؛ خواه بر دشمن غلبه کنند و خواه به شهادت برسند.

## پرسش

- ۱- آثار فردی جهاد را نام ببرید.
- ۲- به نظر شما جهاد چگونه در تربیت انسان نقش ایفا می‌کند؟
- ۳- چه پاداشی در انتظار مجاهدان راه خدا است؟
- ۴- آثار اجتماعی جهاد را نام ببرید.
- ۵- چرا رزمندگان اسلام در پرتو جهاد پیروزند؟

## درس پنجم ارزش و پاداش مجاهدان

در فرهنگ اسلامی «مجاهدان راه خدا» مقام و منزلت ویژه‌ای دارند که آنان را از سایر مؤمنان ممتاز می‌گرداند. در این درس ضمن برشمردن گوشه‌ای از این فضایل به پاداش آنان نیز اشاره خواهیم کرد.

### مقام مجاهدان

۱- قرآن مجید، مجاهدان را به لقب «مؤمنان حقیقی» مفتخر نموده و این لقب، بیانگر عظمت مقام آنان در درگاه الهی است:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا... (انفال: ۷۴)

و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند.

۲- برخی از آیات نیز با صراحت به برتری مجاهدان بر قاعدین (کسانی که از انجام جهاد خودداری کرده‌اند) پرداخته و فضیلت آنان را یادآوری کرده است:

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. (نساء: ۹۵-۹۶)

(هرگز) افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد بازنشتند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند بر نشستگان از جهاد برتری مهمی بخشیده؛ و به همه وعده پاداش

نیک داده؛ و مجاهدان را با پاداش عظیمی بر نشستگان برتری بخشیده است. درجاتی از ناحیه خود و آمرزش و رحمت (نصیب آنان می‌گردد)؛ و (اگر لغزشهایی داشته‌اند) خداوند آمرزنده و مهربان است.

در آیه‌ای دیگر ضمن مقایسه جهادگران راه خدا با ساقیان حرم الهی و تعمیرکنندگان آن، مقام آنان را بسیار بالاتر دانسته و فرموده است: این دو گروه هرگز با هم مساوی نیستند.<sup>۱</sup>

۳- قرآن مجید، مجاهدانی را که همچون بنیانی محکم و استوار در راه خدا می‌جنگند، محبوبان پروردگار عالم معرفی کرده است.<sup>۲</sup>

۴- یکی دیگر از افتخارات این گروه آن است که مجریان اراده الهی‌اند و خداوند به دست آنان دشمنان خویش را به هلاکت و نابودی می‌رساند:

فَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيُنْصِرُكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ. (توبه: ۱۴)  
با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می‌کند؛ و آنان را رسوا می‌سازد؛ و سینه‌گروهی از مؤمنان را شفا می‌بخشد.

۵- مجاهدان به مقامی رسیده‌اند که خواسته‌هایشان در درگاه الهی پذیرفته می‌شود امام صادق (ع) می‌فرماید:

ثَلَاثَةٌ دَعَوْتُهُمْ مُّسْتَجَابَةٌ أَحَدُهُمُ الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ.<sup>۳</sup>

سه دسته‌اند که دعایشان مستجاب می‌گردد، یکی از آنها، مجاهد در راه خداست.

۶- مجاهدان، در بهشت نیز از مقام و موقعیتی خاص برخوردارند؛ چنان‌که پیامبر اکرم (ص) دری از درهای بهشت را مخصوص آنان دانسته، می‌فرماید:

یکی از درهای بهشت به نام مجاهدان موسوم است که به روی آنان باز است و از آن وارد می‌شوند، درحالی که شمشیرهایشان را حمایل کرده‌اند و همه مردمی که در صحنه محشر گرد آمده‌اند و فرشتگان بر آنها آفرین می‌گویند.<sup>۴</sup>

مجاهدان همان‌گونه که در این دنیا پیشتازند، در سرای دیگر و در مهمانخانه الهی نیز پیشگامند؛ همان حضرت فرمود:

الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قُودًا أَهْلَ الْجَنَّةِ.<sup>۵</sup>

مجاهدان راه خدا، پیشگامان اهل بهشتند.

۲. ر. ک. صف (۶۱)، آیه ۴.

۱. ر. ک: توبه (۹)، آیه ۱۹.

۴. همان، ج ۱۱، ص ۵.

۳. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۳.

۵. همان، ص ۱۸.



امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> نیز با اشاره به خطبه ۲۷ نهج البلاغه که جهاد را دری از درهای بهشت می نامد که برای اولیای خاص الهی باز شده است، در مورد فضیلت مجاهدان می نویسد:

این فضیلت بزرگ در بین فضایل بی شماری که برای مجاهدین فی سبیل الله نقل شده بیشتر جلب توجه می کند. این واژه ها با همان معنای عرفی خود - نه اسرار الهی و عرفانی که دست ما از آنها کوتاه است - بی شک گفتار و نوشتار بشر عادی از بیان آنها عاجز است. این مدال الهی بر بازوان مجاهدان، چون خورشید در نزد صاحبان اسرار غیبی و ملکوتی می درخشد؛ مگر این جلوه همان خلعت نیست که ابراهیم خلیل الرحمن را مفتخر کرد؟ و بارقه ای از مقام حبیب اللهی نیست که در تارک افضل موجودات می درخشد؟ و مگر نازله مقام ولی اللهی نیست از امیر المؤمنین تا خاتم الاولیاء که به آن اولیاء الله مشرف شده؟ اگر هست - که هست - با چه بیان می توان حول آن گردید و با کدام چشم بشری می شود این جلوه را دید؟ پس بهتر اینکه من قاصر با تقدیم **اَلْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا خَاصَّةَ اَوْلِیَاءِ اللّٰهِ** دم فرو بندم؛ و این کرامت بزرگ، برای مجاهدان فی سبیل الله است، چه شهید یا پیروز شوند یا نشوند...<sup>۱</sup>

### پاداش مجاهدان

- ۱ - هدایت ویژه: مجاهدان مؤمن از هدایتی ویژه بهره مند می گردند که شامل دیگران نمی شود و گویا این اولین پاداش آنان به خاطر مجاهدتشان در راه خدا می باشد.

**وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ.** (عنکبوت: ۶۹)

و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، بدون شک، به راه های خود هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.

- ۲ - **آمزش گناهان**: بخشیده شدن گناهان پاداش دیگری است که خداوند به مجاهدان عنایت کرده و در این باره با تأکید بیان می دارد که:

**لَا تُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ.** (آل عمران: ۱۹۵)

به یقین گناهانشان را می بخشم!

- ۳ - **نعمت های بی پایان اخروی**: خداوند متعال بهشت را به مجاهدان راه خودش ارزانی داشته، می فرماید:

۱. روزنامه اطلاعات، (۵ / ۱۰ / ۶۱).

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا. (توبه: ۸۹)

خداوند برای آنها باغهایی [بهشت] فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود.

در برخی از آیات نیز پاداش اخروی مجاهدان، به «رِزْقٌ حَسَنٌ»<sup>۱</sup> و «أَجْرٌ عَظِيمٌ»<sup>۲</sup> تعبیر شده است.

۴- رحمت و رضوان الهی: اعلام رضایت الهی از بندگان مجاهدش از بزرگ‌ترین پاداش‌هایی است که نصیب مجاهدان می‌گردد.

يُسِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ. (توبه: ۲۱)

پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش) و باغهایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند.

دقت در این نکته شایان توجه است که خداوند در مقام پاداش دادن به مجاهدان با فضل خویش رفتار نموده و به آنان چنین وعده داده است:

وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (توبه: ۱۲۱)

و هیچ مال کوچک یا بزرگی را (در این راه) انفاق نمی‌کنند، و هیچ سرزمینی را (در رفت و بازگشت از جهاد) نمی‌پیمایند، مگر اینکه برای آنها نوشته می‌شود: تا خداوند آن را به‌عنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد.

در تفسیر فراز آخر این آیه دو گونه ابراز نظر شده است:

اول آنکه، این‌گونه اعمال مجاهدان (یعنی جهادشان) بهترین اعمال دوران حیات ایشان شناخته شده و خداوند، پاداش آنان را متناسب با آن می‌دهد.

دوم اینکه، پاداش بهتر و بالاتر از اعمالشان داده می‌شود و خداوند آنها را به بهتر از آن چیزی که انجام داده‌اند، پاداش می‌دهد.

۱. حج (۲۲)، آیه ۵۸.

۲. نساء (۴)، آیه ۷۴.

## خلاصه

خداوند متعال در قرآن کریم مجاهدان را با عنوان مؤمنان حقیقی ستوده و این نشانه عظمت آنان در درگاه الهی است.

برخی از آیات نیز به برتری مجاهدین بر قاعدین تصریح نموده و جهاد در راه خدا را از سقایی حجاج و تعمیر مسجد الحرام بالاتر دانسته است. پیامبر اکرم ﷺ دری از درهای بهشت را مخصوص مجاهدان دانسته و امام صادق ﷺ هم دعای آنان را مستجاب دانسته است.

هدایت ویژه از جمله پاداش‌هایی است که خداوند وعده قطعی داده که شامل مجاهدان راه او می‌گردد. همچنین بشارت به آمرزش گناهان، بهره‌وری از نعمت‌های بهشت و نیل به رحمت و رضوان الهی از دیگر پاداش‌های مجاهدان راه خداست.

در آیه‌ای نیز خداوند تضمین نموده که همه تلاش‌های مالی و جانی مجاهدان را برای آنان ثبت و بهترین پاداش را به آنان خواهد داد.

## پرسش

- ۱- قرآن مجید مؤمنان حقیقی را چه کسانی می‌داند؟
- ۲- آیه‌ای که بر مقام مجاهدان تصریح کرده کدام است؟
- ۳- امام خمینی ﷺ با توجه به خطبه ۲۷ نهج البلاغه به کدام یک از فضائل مجاهدان اشاره نموده است؟
- ۴- سه مورد از پاداش‌های الهی برای مجاهدان را بیان کنید.
- ۵- در تفسیر «لِيَجْزِيَ اللَّهُ أَحْسَنُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» چند نظر ابراز شده است؟ شرح دهید.

## درس ششم

### ویژگی های مجاهدان

قرآن مجید به رزمندگانی که با جان و مال با دشمنان حق نبرد می کنند و آنان را می کشند و یا در این راه به شهادت می رسند، بشارت داده که خداوند خریدار جان و مال آنان است و به بهای آن، بهشت جاودان را می دهد.<sup>۱</sup> از امام صادق (ع) سؤال شد که آیا این وعده قرآن یک وعده عمومی است و هر رزمنده ای را شامل می شود یا وعده ای است برای رزمندگانی با ویژگی های مشخص؟ امام (ع) در پاسخ فرمود:

وقتی این آیه نازل شد، عده ای از اصحاب پیامبر (ص) همین سؤال را از آن حضرت کردند و ایشان جوابی به آنان نداد تا اینکه خداوند به دنبال آن، این آیه شریفه را نازل فرمود:

اَلتَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.<sup>۲</sup> (توبه: ۱۱۲)

خداوند (با این آیه) صفات مؤمنانی را که جان و مالشان را (در قبال بهشت) خریدار است، آشکار ساخت. پس هر کس طالب بهشت است، باید (با اتصاف) به این شرایط در راه خدا جهاد کند و گرنه از جمله کسانی خواهد بود که پیامبر (ص) در حق آنان فرمود: «خداوند این دین را به وسیله کسانی یاری می کند که خود، هیچ بهره ای از کوشش خویش ندارند»<sup>۳</sup>

اینک با توجه به آیه مزبور و آیاتی از این قبیل به توضیح مختصر ویژگی های عمومی مجاهدان مسلمان می پردازیم:

۱- توبه: بازگشت به پیشگاه حق تعالی از هر چه غیر خدایی است؛ و طلب آمرزش پی در پی برای لغزشها، خطاها و ندانم کاری ها و سعی و کوشش در جبران وظایفی که از او فوت شده است.

۱. ر.ک: توبه (۹)، آیه ۱۱۱.

۲. توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (که مؤمنان حقیقی اند) بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵.

۲- عبادت: تنها خداوند را معبود گرفتن و با همه وجود به عبادت و بندگی او رو آوردن و اطاعت محض از خدا و سر بر تافتن از غیر خدا.

۳- ستایش خدا: خداوند را با اسمای حسنی و اوصاف جمیلش خواندن و ستودن.

۴- آمد و شد به مساجد: رفتن به عبادتگاه‌ها و پرستش نمودن خداوند در آنها.

۵- خضوع و رکوع: در برابر اوامر الهی خاضع بودن و سر تسلیم فرود آوردن.

۶- سجده و اظهار ذلت: در پیشگاه حق پیشانی بندگی را بر خاک ساییدن و اظهار خاکساری کردن.

۷- امر به معروف: ایجاد زمینه و ترویج خوبی‌ها و آگاه نمودن بندگان ناآگاه خدا.

۸- نهی از منکر: از بین بردن زمینه و ریشه کن کردن بدی‌ها و باز داشتن از آنها.

۹- حفظ حدود الهی: جلوگیری از تعدی و تجاوز به حریم حق.

علامه طباطبایی (ره) شش ویژگی اول را خصوصیات فردی مجاهدان و دو ویژگی امر به معروف و نهی از منکر را خصوصیت جمعی آنان و حفاظت از حدود الهی را مشترکاً مربوط به خصوصیات فردی و جمعی مجاهدان می‌داند؛ یعنی هم در مورد خویش و هم در مورد اجتماع توجه دارند که حدود الهی رعایت گردد.<sup>۱</sup>

۱۰- توکل و تضرع: مجاهدان مسلمان برای رضای خدا و ریشه کن کردن ظلم و شرک می‌جنگند و در این نبرد تنها تکیه گاهشان خداست و به نصرت و یاری خدا باور دارند و معتقدند که خداوند از آنجا که مولای مؤمنان است، از یاوران دین خود دفاع می‌کند.<sup>۲</sup> به همین جهت مجاهدان، بر خداوند توکل می‌کنند<sup>۳</sup> و با توجه به همین اعتقاد، در تمامی صحنه‌های زندگی و از جمله در میدان‌های نبرد، خاضعانه و متواضعانه به خدا متوسل شده، قوت، قدرت، نصرت و غلبه را از او می‌خواهند:

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبَيَّنْ أَقْدَامُنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. (بقره: ۲۵۰)

پروردگارا! پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز و قدمهای ما را ثابت بدار و ما را بر

جمعیت کافران، پیروز گردان!

۱۱- ترجیح آخرت بر دنیا: از دیگر ویژگی‌های رزمندگان اسلام، برگزیدن آخرت بر دنیا است.

قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

۲. حج (۲۲)، آیه ۳۸.

۱. با استفاده از المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶.

۳. ر. ک. آل عمران (۳)، آیه ۱۶۰.

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ... (نساء: ۷۴)

کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند! این آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه تا زمانی که انسان در انتخاب دنیا و آخرت، سرای دنیا را برگزیند و به دنیا و آنچه در او هست تعلق داشته باشد، نمی‌تواند در جرگه مجاهدان راه خدا قرار گیرد. البته روشن است که مراد از این سخن، دل‌کندن از دنیاست، نه ترک ظاهری آن و ترک استفاده از وسایل مورد نیاز زندگی.

**۱۲- تحمل سختی‌های مبارزه:** از ویژگی‌های بارز مجاهدان، تحمل و بردباری سرشار آنان در قبال سختی‌های جهاد است. در قرآن به تفصیل آمده است که طالوت برای امتحان نیروهایش به منظور تحمل سختی‌ها چنین اعلام داشت:

... إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بَنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً يَبْدُوهُ. (بقره: ۲۴۹)

خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می‌کند؛ آنها (که به‌هنگام تشنگی) از آن بنوشند، از من نیستند؛ و آنها که از آن نخورند، از من هستند؛ مگر کسی که تنها کف دستی بردارد. طالوت مطرح می‌کند که شما در مسیر جهاد به یک رود برخورد می‌کنید؛ گر چه سختی راه و سنگینی سلاح و گرمی هوا شما را سخت تشنه می‌کند، ولی باید مقاومت کنید. هر کس مقاومت نورد و از آن بنوشد، تا سیراب شود، نمی‌تواند به عنوان یک مجاهد مطرح باشد و هر کس طعم آن آب را نچشد، این مجاهد واقعی و از یاوران من است؛ و اما طایفه سومی که نمی‌نوشند، بلکه با برداشتن کفی از آن آب، شدت تشنگی خود را از بین می‌برند، این‌ها گر چه مجاهد واقعی محسوب نمی‌شوند، اما مردود هم نیستند.<sup>۱</sup>

مجاهدان صدر اسلام نیز به شهادت تاریخ، صبر و تحمل ورزیده در بسیاری از موارد دشواری‌های نبرد را بر خود هموار می‌ساختند. یکی از بارزترین این گونه تحمل‌ها، در جنگ تبوک بود. زمان حرکت به سوی جبهه در این جنگ، فصل تابستان و شدت گرما بود و مسلمانان امکانات و تجهیزات کافی در اختیار نداشتند و بنا بر روایات، تعداد دشمن بسیار زیاد و قدرت و شوکت آنان فراوان بود. راه نیز بسیار طولانی و بیابان‌های وسیع و بدون آب و آبادی نیز زیاد بود... با این وجود، مؤمنان مجاهد از انصار و مهاجر به فرمان پیامبر ﷺ بسیج شدند و با تحمل

۱. با استفاده از المیزان، ج ۲، ص ۲۹۲.

سخت‌ترین شرایط به سوی دشمن حرکت کردند. به همین سبب خداوند متعال رحمت خود را مشمول آنان گردانید و درباره‌ی ایشان فرمود:

لَقَدْ ثَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ...<sup>۱</sup>

بدون شک، خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار نمود، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند.

**۱۳- شجاعت:** از ویژگی‌های بارز رزمندگان اسلام، شجاعت کم‌نظیر یا بی‌نظیر آنان است. آنان صفات زشت بیم و هراس، تردید و دودلی، دلهره و اضطراب و سردرگمی و بی‌هدفی را از وجود خود دور کرده و به اطمینان، آرامش، پایداری و وقار و در یک کلمه به صلابت و شجاعت رسیده‌اند. آنها خدا را تنها منبع قدرت می‌دانند و به قدرت لایزال او تکیه دارند؛ از این رو به نیرو و قدرتی زایدالوصف رسیده‌اند.

**۱۴- تواضع در برابر مؤمنان و سرسختی در برابر کافران:** مجاهدان در برابر یکدیگر متواضع و نرم‌خو هستند و در برابر کافران سخت و استوارند. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

... أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... (مائده: ۵۴)

در برابر مؤمنان، متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند.

این ویژگی همان ویژگی پیامبر اکرم ﷺ و یاران اوست که قرآن در توصیف آنان فرموده است:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ... (فتح: ۲۹)

محمد ﷺ فرستاده‌ی خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.

مؤمنان باید در برابر یکدیگر باگذشت رفتار کنند؛ اما در برابر دشمنان باید به گونه‌ای رفتار کنند که نه تنها دشمنان نتوانند در آنها طمع کنند و از اخلاق نیکویشان سوء استفاده نمایند، بلکه حتی خشونت در آنان ببینند که دشمنان را به ترس و هراس وادارد و به تعبیر آیه شریفه:

وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غُلَظَةً. (توبه: ۱۲۳)

آنها باید در شما شدت و خشونت احساس کنند.

برخورد و راه رفتن متکبرانانه که در برخورد با مؤمنان جایز نیست، در مواقع رویارویی با دشمنان جایز شمرده شده است؛ چنانکه وقتی یکی از سرداران اسلام به نام ابودجانه در برابر

۱. توبه (۹)، آیه ۱۱۷.

دشمن، متکبرانه قدم می‌زد، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «خداوند چنین راه رفتنی را دشمن می‌دارد، مگر در این موقعیت.»<sup>۱</sup>

### شرایط پذیرش جهاد

مجاهده در راه خدا همچون دیگر اعمال برای قبولی و پذیرش نزد خداوند سبحان شرایطی دارد که برخی از آنها عبارت است از:

۱- **خلوص نیت:** جهاد وقتی ارزش می‌یابد که با انگیزه الهی انجام شود تا مورد پذیرش خداوند قرار گیرد. اخلاص در واقع رنگ خدایی است که به هر عملی بخورد آن را کیمیا می‌کند:

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ. (بقره: ۱۳۸)

رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام؛ و چه رنگی از رنگ‌های خدایی بهتر است؟!)

مجاهد راه خدا باید انگیزه‌های غیر الهی را از خود دور کند تا عمل او پذیرفته شود. نشانه اخلاص آن است که تشویق و تنبیه در او اثر نکند، به تعریف و تمجید خود نپردازد، شکست و پیروزی برایش یکسان باشد و همت خود را در ادای وظیفه و تکلیف الهی مصروف دارد، عزل و نصب و ترفیع و تنزیل درجه برایش مساوی باشد و تغییری در حال و روحیه او ایجاد نکند و از پست و مقام، موقعیت و لباس خویش سوء استفاده نکند.

۲- **تقوا:** مجاهد راه خدا همواره باید در جهاد فی سبیل الله تقوا را نصب العین خود قرار دهد، از خدای سبحان پروا کند، از محرمات الهی دوری نماید و به واجبات و مستحبات اهمیت دهد تا عملش پذیرفته شود. قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ. (مائده: ۲۷)

خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد.

۳- **شرایط دیگر:** پذیرش مجاهده در راه خدا و خریداری جان و مال رزمندگان از جانب خداوند، گذشته از دو شرط یادشده، شرایط دیگری دارد که تحت عنوان «ویژگی‌های مجاهدان» و در توضیح آیه ۱۱۲ سوره توبه بیان شد، برخورداری از آن ویژگی‌ها نیز از جمله شرایط پذیرش جهاد در راه خدا است. آن اوصاف عبارتند از: توبه، اشتغال به عبادت، شکر نعمت‌های خدا، فزون‌ریزی رکوع و سجود، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی.

۱. وسائل الشیعه، ج ۶ ص ۹.



## خلاصه

خداوند در آیه ۱۱۱ سوره توبه به مؤمنان مجاهد وعده داده که جان و مال آنان را به بهای بهشت خریداری کند. امام صادق علیه السلام توجه می دهد که این مؤمنان کسانی اند که در آیه بعد از آن به اوصاف آنان اشاره شده است. اوصاف کلی این مجاهدان با توجه به آیه مذکور و سایر آیات عبارتند از: توبه، عبادت، ستایش خدا، آمد و شد به مساجد، خضوع و رکوع و سجده و اظهار تذلل و همچنین مقید بودن به امر به معروف، نهی از منکر و حفظ حدود الهی و داشتن توکل و تضرع به درگاه الهی. جهادگران راه خدا علاوه بر اوصاف فوق از جمله کسانی اند که آخرت را بر دنیا ترجیح داده و سختی های مبارزه را تحمل خواهند کرد. شجاعت و تواضع در برابر مؤمنان و سرسختی در برابر کافران از دیگر ویژگی های این مؤمنان است. پذیرش جهاد در راه خدا شرایطی دارد که برخی از آنها عبارت است از: خلوص نیت، تقوا، توبه، عبادت، شکرگزاری از نعمت های الهی، رکوع و سجود فراوان، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی.

## پرسش

- ۱- پنج ویژگی مجاهدان را با توجه به آیه ۱۱۲ سوره توبه نام ببرید.
- ۲- منظور از توصیف مجاهدان به «السائقون» چیست؟
- ۳- منظور از ویژگی «ترجیح آخرت بر دنیا» چیست؟
- ۴- نمونه ای قرآنی از تحمل سختی های مبارزه را ذکر کنید.
- ۵- شرایط پذیرش جهاد را نام ببرید.

درس هفتم

## شرایط وجوب جهاد

در مورد شرایط وجوب جهاد ابتدایی آن را در دو قسم شرایط وجوب برپایی اصل جهاد و شرایطی که موجب استقرار وجوب جهاد بر تک تک رزمندگان می گردد مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### شرایط وجوب جهاد ابتدایی

منظور از شرایط وجوب، شرایطی هستند که اگر همه آنها با هم جمع شوند جهاد بر امت اسلامی واجب می شود و در صورت فقدان بعضی شرایط، جهاد بر آنان واجب نخواهد شد.

۱- اجازه امام عادل: تقریباً همه فقهای شیعه متفقند، از شرایط وجوب و مشروعیت جهاد ابتدایی اجازه امام عادل است. البته در این که مصداق امام عادل که در بیشتر روایات آمده است کیست، میان فقهای شیعه اختلاف نظر وجود دارد. برخی، امام عادل را تنها به امام معصوم تفسیر می کنند، از این رو جهاد ابتدایی را در زمان غیبت، مشروع نمی دانند و برخی دیگر معتقدند، امام عادل اختصاصی به امام معصوم نداشته، بلکه امام معصوم مصداق اکمل امام عادل است، لذا در زمان غیبت، می توان با اذن امام عادل یعنی حاکم و ولی امر مسلمین دست به جهاد ابتدایی زد، گرچه معصوم نباشد.

۲- تمکن و قدرت: تمکن و قدرت مسلمانان به معنای داشتن نیرو، سلاح و تجهیزات و امکانات کافی جهت تحقق اهداف جهاد ابتدایی، از شرایط وجوب آن است. بسیاری از فقها به این شرط اشاره نکرده اند، گرچه این احتمال نیز وجود دارد که تمکن و قدرت نزد کسانی که امام عادل مبسوط الید را شرط دانسته اند، در بسط ید به مفهوم عام خود، داخل باشد، اما از آن جایی که ممکن است، امام عادل در مسند قدرت و حکومت باشد، لیکن نیرو و تجهیزات و امکانات کافی برای انجام جهاد ابتدایی در اختیار نداشته باشد، می توان میان بسط ید و تمکن و قدرت تمایز قائل شد.

**۳- دعوت به اسلام:** فقهای اسلام، جملگی اتفاق دارند که از شرایط وجوب جهاد ابتدایی، تبیین محاسن و امتیازات کلی اسلام برای کفار اعم از مشرکان و اهل کتاب و دعوت آنها به دین خداست؛ بنابراین برپایی جنگ و جهاد ابتدایی، بدون دعوت به اسلام، غیر مشروع و حرام است. گفتنی است دعوت به اسلام در مورد کفاری واجب است که پیام دین و دعوت به آن، به آنها نرسیده باشد، اما در مورد کفاری که پیام دین را شنیده اند، وجوب دعوت ساقط می گردد و جهاد بدون دعوت با آنها مشروع است؛ اما از آنجایی که اسلام سعادت مند کردن انسانها را سرلوحه برنامه خویش قرار داده است، در مورد همین کفار نیز دعوت به پذیرش دین حق را نیکو می شمارد و مستحب قلمداد می کند.<sup>۱</sup>

**۴- طلب جزیه از اهل کتاب و امتناع آنان:** همه فقهای اسلام متفقند که از شرایط وجوب جنگ ابتدایی با اهل کتاب، یعنی پیروان ادیان مسیحیت، یهود و زرتشت، علاوه بر دعوت به اسلام و امتناع پذیرش آنها، دعوت به پرداخت جزیه و امتناع آنها از پرداخت آن می باشد.<sup>۲</sup> این مطلب از آیه ۲۹ سوره توبه استفاده می شود.

گفتنی است در مورد وجوب جهاد ابتدایی علاوه بر اجتماع شرایط فوق باید توجه داشت که جهاد ابتدایی از لحاظ زمان و مکان محدودیت دارد، از لحاظ زمانی میان فقهای شیعه اتفاق است که برپایی جنگ ابتدایی در ماههای حرام یعنی ذی قعدة، ذی حجه، محرم و رجب با کفاری که برای این چهار ماه حرمت قائلند، غیر مشروع و حرام است.<sup>۳</sup> از نظر مکانی نیز جنگ نباید در منطقه حرم مکه واقع شود.

### شرایط وجوب جهاد بر افراد

منظور از این شرایط، آنهایی است که وقتی در فردی جمع شد، جهاد کردن بر او واجب می شود و روشن است که این شرایط بر شرایط وجوب اصل جهاد است.

**۱ و ۲- بلوغ و عقل:** بنابراین دو شرط، جهاد بر افراد دیوانه و نابالغ واجب نیست.

**۳- آزادی:** بنابراین شرط، جهاد ابتدایی بر بردگان واجب نیست.

**۴- مرد بودن:** بنابراین شرط، جهاد ابتدایی بر زن واجب نیست. دلیل آن علاوه بر اجماع، روایاتی است که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است. به عنوان نمونه، اصبع بن نباته از امام علی علیه السلام نقل می کند که فرمود:

۱. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۵۳-۵۴.

۲. همان، ص ۵۱-۵۲.

۳. همان، ص ۳۲.

خداوند جهاد را برای مردان و زنان مقرر داشته است؛ جهاد مرد بذل جان و مالی است تا اینکه در راه خدا به شهادت برسد، و جهاد زن به این است که بر آزار و اذیت از همسرش و همچنین غیرت او صبر نماید.<sup>۱</sup>

**۵- سلامت جسمانی:** بر کسانی که به هر دلیل، از سلامت جسمانی برخوردار نیستند - البته به گونه‌ای که شرکت آنها در جنگ دشوار و با مشقت باشد - جهاد ابتدایی واجب نیست. این افراد چند دسته‌اند:

**الف - افرادی که به بیماری سختی مبتلایند.**

**ب - افرادی که فاقد عضو حساسی از بدن هستند، مانند انسان نابینا.**

**ج - افرادی که دارای عضو ناقصی در بدن می‌باشند مانند انسان لنگ.**

**د - افرادی که دارای ضعف بنیه جسمانی‌اند، مانند انسان فرتوت.**

دلیل اشتراط این شرط، آیه ۹۱ سوره توبه و آیه ۱۷ سوره فتح است که اینگونه افراد را استثنا کرده است.

**۶- توانایی مالی:** جهاد ابتدایی در صورتی واجب است که فرد توان پرداخت نفقه خانواده‌اش را در مدت حضور در جنگ و نیز قدرت خرید سلاح و دیگر امکانات مورد نیاز جنگیدن را دارا باشد.<sup>۲</sup> در غیر این صورت، جهاد بر او واجب نیست. شرط بودن توانایی مالی برای خرید تجهیزات جنگی و هزینه سفر به جبهه در استقرار و جوب جهاد بر شخصی به صراحت از آیات ۹۱ و ۹۲ سوره توبه به دست می‌آید. البته اگر دیگران یا حکومت اسلامی، هزینه و نفقه فرد و خانواده او و تهیه سلاح و تجهیزات را به عهده گیرد، این شرط تحقق یافته و شرکت در جهاد واجب می‌شود.

### شرایط جهاد دفاعی

در جهاد دفاعی، چون مملکت اسلامی مورد هجوم دشمن قرار می‌گیرد و مسلمانان موظف به دفاع از آن می‌باشند هیچ یک از شرایطی که در مورد جوب اصل جهاد ابتدایی گفته شد در آن مطرح نیست. همچنین در مورد شرایط اشخاص شرکت‌کننده نیز گفتنی است که دفاع بر همگان واجب است و همه مکلفین باید با هر وسیله‌ای که می‌توانند به دفاع قیام نموده و هیچ شرطی برای آن نیست.<sup>۳</sup> البته از آنجاکه دفاع واجب کفایی است اگر عده‌ای به این عمل اقدام نمایند و نیاز جبهه از دیگران برطرف گردد و جوب آن از این گروه برداشته می‌شود.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵.

۲. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۱۹.

۳. تحریرالوسیله، امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۴۴۵.

## جهاد با چه کسانی؟

دشمنان اسلام در سه دسته کلی قابل تقسیمند: مشرکان، کتابیان، باغیان.

جهاد با هر یک از این گروهها حکم خاص خود را دارد که به اختصار بیان می‌کنیم:

**۱- جهاد با مشرکان:** مشرکان به کسانی می‌گویند که پیرو دین و مذهب آسمانی نیستند و اصل ثابت در تمام ادیان یعنی توحید را نپذیرفته‌اند.

در اسلام، جهاد با مشرکان برای دعوت آنان به اسلام و همچنین رفع موانع تبلیغ دین و نجات مستضعفان تحت ظلم آنان، تشریع شده است. چنین جهادی با مشرکان - مگر آنان که با جامعه اسلامی پیمان صلح و عدم تعرض امضا کرده‌اند در صورت صلاحدید رهبر جامعه اسلامی<sup>۱</sup> - جایز بوده و ادامه آن نیز تا زمانی است که آنان، دست از شرک و بت پرستی بردارند و به توحید رو آورند و یا زمانی است که رهبرانشان، از ممانعت از تبلیغ و دعوت اسلام دست برداشته، مستضعفان را به حال خود گذارند تا آزادانه بتوانند سخنان رهبران الهی را بشنوند و دین خود را انتخاب کنند.

**۲- جهاد با اهل کتاب:** اهل کتاب به یهود و نصاری اطلاق می‌شود. زرتشتیان هم در حکم اهل کتاب هستند. جنگ با این گروه منوط به آن است که آنان از پذیرش اسلام و یا از پذیرش سلطه سیاسی اسلام و قبول جزیه<sup>۲</sup> خودداری می‌نمایند؛ ولی هنگامی که آنان، دین اسلام را بپذیرند و یا جزیه دادن را قبول کنند، دیگر از سوی مسلمانان مورد هجوم واقع نشده و می‌توانند بر دین خود باقی باشند. قرآن کریم در مورد جهاد با این گروه می‌فرماید:

فَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ. (توبه: ۲۹)

با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده، حرام می‌شمرند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند!

پذیرش جزیه از اهل کتاب و باقی ماندن آنان بر دین خود حکمی است که هم‌اکنون مسلمانان ملزم به رعایت آنند و لیکن در زمان تحقق وعده پیروزی مؤمنان بر دشمنان در روی زمین که

۱. اکثر فقها جهاد ابتدایی را تنها با اذن امام معصوم علیه السلام مشروع می‌دانند، در حالی که برخی تنها وجود امام عادل در رأس حکومت را برای مشروعیت آن کافی می‌دانند.

۲. جزیه نوعی مالیات سرانه است که اهل کتابی که در حمایت حکومت اسلامی به سر می‌برند، موظف به پرداخت آن می‌باشند و این مالیات در راه مصالح حکومت اسلامی و در مقابل حفظ جان آنان گرفته می‌شود.

آیاتی از قرآن مجید به آن اشاره دارد،<sup>۱</sup> اهل کتاب نیز جز قبول توحید و دین اسلام، راه دیگری را نمی‌توانند برگزینند، زیرا در آن روز باید شرک بکلی از روی زمین برچیده شود.<sup>۲</sup>

**۳- جهاد با اهل بغی:** باغی به کسانی اطلاق می‌شود که بر ضد امام عادل که در رأس حکومت اسلامی است، دست به شورش و قیام بزنند یا به توطئه‌چینی اقدام کنند.<sup>۳</sup> این گروه تا زمانی که مخالفتشان به زبان و حرف باشد و در عمل اقدام به توطئه و شورش علیه نظام اسلامی نکنند، در آزادی به سر می‌برند و مورد تعرض قرار نمی‌گیرند، اما هنگامی که به اقدام عملی دست زنند، مسلمانان موظفند، آنان را سرکوب کنند. وجوب جهاد با باغیان مورد اتفاق علمای شیعه و سنی است؛ نویسنده عالی مقام کتاب جواهر الکلام در این باره می‌نویسد:

هیچ‌گونه اختلافی بین مسلمانان در وجوب جهاد با کسانی که علیه امام عادل خروج کرده‌اند، نیست، در زمانی که آن امام یا نایب خاص او، مردم را به شکل عمومی یا خصوصی به آن دعوت کند... و کسی که در انجام این فریضه تأخیر کند، مرتکب گناه کبیره شده است.<sup>۴</sup>

برخورد عملی حضرت علی علیه السلام با گروه باغیان حکایت از همین وجوب دارد. آن حضرت تا زمانی که باغیان دست به اسلحه نبرده بودند، آنان را به مسجد راه می‌داد و حقوقشان را نیز از بیت‌المال پرداخت می‌کرد؛<sup>۵</sup> اما همین که سر به شورش برداشتند، به جنگ با آنان برخاست و جنگهای آن حضرت با مارقین و ناکثین، همه از این قبیل بوده است.

ادامه جنگ با باغیان منوط به پایان یافتن شورش و فتنه آنهاست. یعنی اگر به صورت انفرادی و بدون تشکیلات مرکزی و پشتیبانی به جنگ اقدام کنند، پس از بازگشت به حق و تسلیم شدن و یا فرارشان از معرکه جهاد، جنگ پایان می‌پذیرد، اما اگر دارای تشکیلات و مرکزیت باشند که آنان را فرماندهی و تجهیز کند، شکست ابتدایی و فرار آنان از میدان کفایت نمی‌کند و باید تا از بین بردن هسته مرکزی و رهبری آنان، به جنگ ادامه داد. تصمیمات مختلف حضرت علی علیه السلام در تعقیب لشکر معاویه در صفین و تعقیب نکردن فراریان جنگ جمل و نهروان بر همین مبنا بوده است، چنان‌که امامان معصوم علیهم السلام نیز بدان تصریح کرده‌اند.<sup>۶</sup>

۱. صف (۶۱)، آیه ۹؛ انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵؛ نور (۲۴)، آیه ۵۵.

۲. المیزان، ج ۲، ص ۶۶-۶۷.

۳. نویسنده جواهر الکلام، بغی را چنین تعریف کرده است: «هو الخروج عن طاعة الامام العادل» بغی عبارت است از خارج شدن از طاعت امام عادل و شوریدن علیه او. (جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۲۲، دار احیاء التراث العربی).

۴. همان، ص ۳۲۴-۳۲۵. ۵. مبسوط، شیخ طوسی، ج ۷، ص ۲۶۵، مکتبه المرتضویه.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۵-۵۶، دار احیاء التراث العربی.

## خلاصه

شرایط وجوب اصل جهاد عبارتند از: اذن امام عادل، تمکن و قدرت، دعوت کفار به اسلام و امتناع آنها از پذیرش آن، دعوت اهل کتاب به اسلام و یا پرداخت جزیه و امتناع آنان.

شرایط وجوب جهاد بر افراد نیز شامل شرایط عامه تکلیف چون عقل و بلوغ و همچنین شرایطی چون حرّیت، مرد بودن، داشتن سلامت جسمانی و دارا بودن توانایی مالی است.

جهاد دفاعی بر همه مکلفین واجب است که در حد امکان از همه وسایل استفاده کرده و به دفاع قیام نمایند. این نوع جهاد، مشروط به شرایط یاد شده نیست.

حکم جهاد ابتدایی برای جنگیدن با مشرکان، اهل کتاب و اهل بغی در اسلام تشریع شده است.

جهاد با مشرکان تا زمان دست برداشتن آنان از شرک و بت پرستی و ایجاد سدّ در تبلیغ و ترویج اسلام ادامه خواهد داشت.

جهاد با اهل کتاب منوط به پذیرش اسلام و یا پذیرش حاکمیت سیاسی اسلام توسط آنان است که با پرداخت جرّیه تحقق می یابد.

جهاد با اهل بغی یا شورشگران داخلی نیز تا سرکوبی کامل آنان ادامه خواهد یافت. سیره عملی حضرت علی (ع) با این گروه بیانگر وجوب این قسم از جهاد است.

## پرسش

- ۱- جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی را توضیح دهید.
- ۲- جهاد ابتدایی بر چه کسانی واجب است؟
- ۳- آیا جهاد دفاعی بر زنان نیز واجب است؟
- ۴- به چه کسانی اهل کتاب گفته می شود و جهاد با آنان چگونه است؟
- ۵- اهل بغی چه کسانی اند و جهاد با آنان چه حکمی دارد؟

## درس هشتم

# عوامل پیروزی و شکست

## عوامل پیروزی

عوامل پیروزی در جنگ را می‌توان به دو نوع مادی و معنوی تقسیم کرد.

### الف - عوامل مادی

از عوامل مادی مؤثر در پیروزی یک نیروی نظامی را می‌توان آمادگی رزمی، امکانات و ادوات جنگی و تداوم آموزشهای رزمی و تخصصی دانست. در تهیه و تکمیل این موارد می‌توان از دستور قرآنی «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ» بهره گرفت. همچنین می‌توان بیقین دانست که قرآن با بیان این دستور، تدارک همه عوامل مادی در جنگ را در نظر داشته است.

مسلمانان باید از همین رهگذر، از یک سو فتون جنگی را بیاموزند و ورزیدگی نظامی خویش را روز به روز افزایش دهند. از سوی دیگر، باید پیشرفته‌ترین سلاحها را در حد وسع خویش تهیه کنند، نیروی انسانی کافی نیز از ارکان نخستین جنگ است که هیچ‌گونه شبهه‌ای در تهیه و تربیت آنان وجود ندارد و متصدیان امور نظامی نیز بطور دقیق چه از لحاظ کمّی و کیفی به این عوامل توجه دارند و برای پیشبرد و پیروزی از تمام عوامل مؤثر بهره می‌گیرند.

### ب - عوامل معنوی

۱ - فهم و بینش عمیق: قرآن مجید علت شکست نیروهای کافر در برابر مؤمنان صابر را عدم درک صحیح آنان از مسائل مربوط به جهان خلقت می‌داند و می‌فرماید:

... بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ. (انفال: ۶۵)

(علت پیروزی مؤمنان بر کافران) به این سبب است که آنان (کافران) گروهی هستند که نمی‌فهمند!



با مقایسه صفات مؤمنان با صفات کافران می توان دریافت که عامل پیروزی مؤمنان بینش و فهم صحیح و عمیق از جهان هستی و واقعیت های آن است.

۲- صبر و پایداری: خداوند متعال ضمن دستوراتی که به مبارزان جنگ بدر می دهد، می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فُتَّةً فَاقْبُوا... (انفال: ۴۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می شوید، ثابت قدم باشید.

همچنین می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ. (انفال: ۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی فهمند.

البته صبری که در این جا عامل پیروزی قلمداد می شود همان صبری است که ناشی از بینش عمیق رزمندگان باشد و مراتب این پیروزی بستگی به مراتب ایمان و صبر دارد.

۳- یاد خدا: قرآن مجید به مؤمنان مجاهد در میدان جنگ توصیه کرده می فرماید:

... وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (انفال: ۴۵)

و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید!

ممکن است مراد از یاد خدا در میدان جنگ، به یاد آوردن معارف الهی باشد که با روح کمک طلبی یک مجاهد در میدان نبرد سازگار است. علامه طباطبایی (ره) در این باره می نویسد:

... منظور از «ادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا» این است که مؤمن متذکر آن معارفی باشد که مربوط به این شأن و این حالت است و آن این است که خدای تعالی معبود و پروردگار اوست و آن کسی است که مرگ و حیات به دست اوست و می تواند مؤمن را در این حال یاری کند و سرپرست اوست و چه سرپرست و یاور خوبی است. چنین کسی با این که پروردگارش وعده نصرت داده و فرموده: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» و می داند که خداوند اجر کسی را که عمل نیکی انجام دهد ضایع نمی کند، یقیناً به نصرت پروردگارش اطمینان داشته و می داند که سرانجام کارش به یکی از دو وجه است که هر دو نیک است، چون یا بر دشمن غلبه پیدا می کند که در این صورت رایت دین را بلند کرده و محیط را برای سعادت مند شدن

خود و دیگران مساعد کرده است و یا کشته می‌شود که در این فرض به جوار اولیای مقرب درگاه پروردگار شتافته است. این گونه معارف حقیقی است که مربوط به حالت یک نفر مجاهد است و سرانجامش را به سعادت واقعی و کرامت دائمی منتهی می‌کند.<sup>۱</sup>

از دیگر نتایج مفید و مؤثر یاد خدا در جنگ، از یاد بردن مظاهر دنیا و جلوه‌های رنگارنگ آن است؛ مظاهری که سبب سست شدن مبارزان در جنگ می‌شود.

**۴- اطاعت از فرماندهی:** قرآن مجید یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیروزی به هنگام جنگ را اطاعت از خدا و رسول معرفی کرده و بارها به این عامل مهم تأکید ورزیده است<sup>۲</sup> و از مؤمنان مجاهد خواسته که گوش به فرامین الهی داشته باشند و از دستورات پیامبر گرامی اسلام که فرماندهی جنگ را نیز به عهده داشت، متابعت و پیروی نمایند. اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که توجه کنیم که این دستور در طی یک سوره (انفال که درباره جنگ بدر نازل گشت) سه مرتبه تکرار شده است.<sup>۳</sup>

**۵- اتحاد و وحدت کلمه:** قرآن مجید در توصیف مجاهدان مؤمن به ویژگی انضباط و اتحاد آنان اشاره نموده آنان را چون بنیانی محکم در برابر دشمن دانسته است:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ. (صف: ۴)

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند، گویی بنایی آهنین هستند.

همچنین آنان را از تفرقه و اختلاف بر حذر داشته، می‌فرماید:

وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِجَاكُمْ. (انفال: ۴۶)

و نزاع نکنید تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود.

کلمه ریح در این جا به معنای عزّت و دولت است؛ راغب اصفهانی نیز گفته که: کلمه «ریح» در آیه به معنای غلبه است<sup>۴</sup> و وجه این استعاره و تشبیه آن است که باد به هر چه بوزد آن را به حرکت در آورده و از جای می‌کند و با خود می‌برد؛ غلبه بر دشمن نیز همین خاصیت را دارد.<sup>۵</sup>

## امدادهای غیبی در جنگ

امدادهای الهی در شکل‌های گوناگون برای مجاهدان محقق می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۲۵.

۲. انفال (۸)، آیه ۴۶.

۳. همان، آیات ۱، ۲۰ و ۴۹.

۴. مفردات، راغب اصفهانی، واژه «روح».

۵. ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۲۴.

**۱- ایجاد ترس در دل دشمن:** خداوند به منظور یاری رساندن به مؤمنان، خود عامل تهوّر و بی‌باکی را از دست دشمنان گرفته، به جای آن ترس و رعب از قدرت مسلمانان را در دل آنان می‌افکند؛ آن طور که در جنگ‌های گوناگون صدر اسلام چنین بود. خداوند در آیات مربوط به اولین جنگ اسلام و کفر یعنی جنگ بدر می‌فرماید:

سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ... (انفال: ۱۲)

به زودی ترس و هراس در دل‌های کافران می‌اندازم.

پیروزی مسلمانان به واسطه القای ترس در دل دشمنان به قدری زیاد و حائز اهمیت بود که پیامبر گرامی اسلام ﷺ آن را، یکی از امتیازات الهی منحصر به خویش‌تن می‌دانست و می‌فرمود:

أُعْطِيتُ حَمْسًا لَمْ يُعْطِهَا أَحَدٌ قَبْلِي... وَ نَصِرْتُ بِالرُّعْبِ...<sup>۱</sup>

پنج چیز به من داده شده که به هیچ کس قبل از من داده نشده است... (یکی از آنها اینکه) به وسیله رعب یاری شده‌ام.

**۲- یاری فرشتگان:** خداوند ملائکه را برای امداد مسلمانان می‌فرستد تا با تقویت روحیه مؤمنان و زیاد نشان دادن آنان در چشم دشمنان، پیروزی آنان بر مشرکان را سرعت بخشند. قرآن مجید پیرامون این امداد غیبی در جنگ بدر می‌فرماید:

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدْعِيَكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُزْلَلِينَ. (آل عمران: ۱۲۴)

در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار از فرشتگان، که (از آسمان) فرود می‌آیند، یاری کند؟!»

**۳- ایجاد آرامش در دل مجاهدان:** از آنجا که عواملی چون ترس و تردید در هدف، موجب تضعیف و تخریب روحیه مجاهدان است، خداوند متعال نه تنها این عوامل را از دل رزمندگان خارج می‌سازد، بلکه سکینه و آرامش خویش را جایگزین آن می‌کند.

به عنوان نمونه، در جریان «صلح حدیبیه» مسلمانان در شرایط دشواری قرار داشتند که این شرایط موجب ایجاد تزلزل در دل‌های افراد سست ایمان می‌شد. از طرفی پیامبر ﷺ ورود به مسجد الحرام را بشارت داده بود که آنان وارد نشدند؛ و از طرف دیگر، مُحَرَّم به مناسک عمره شده بودند و دشمن مانع انجام مناسک آنان شد و مجبور شدند با ذبح قربانی از احرام خارج شوند. همچنین پذیرفتن پاره‌ای از مفاد صلحنامه برای آنان سنگین بود. این جا بود که خداوند، سکینه خویش را بر دل‌های آنان نازل کرد و فرمود:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ... (فتح: ۴)

او کسی است که آرامش را بر دلهای مؤمنان نازل کرد.

سکینه از ماده سکون و به معنای آرامش و اطمینانی است که هر گونه شک و تردید و وحشت را از انسان می‌زداید و او را در طوفان حوادث ثابت قدم می‌دارد.

۴- یاری با عوامل طبیعی: از آنجا که عملکرد همه چیز از جمله عوامل طبیعی، به دست قدرت مطلقه الهی است، خداوند در برخی مواقع این عوامل را به نفع مسلمانان و علیه کفار به کار می‌گیرد. برای مثال، در جنگ بدر با فرو فرستادن باران برای مسلمانان و خواب آرام بخش، موجب تقویت مادی و معنوی و طهارت جسمی آنان شد. قرآن در این باره می‌فرماید:

إِذْ يُغَشِّيكُمُ الْغَاسِقُ مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ. (انفال: ۱۱)

و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فرا گرفت؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دل‌هایتان را محکم، و گام‌ها را با آن استوار دارد!

در جنگ احزاب نیز یکی از عوامل پیروزی، طوفانی بود که به سوی دشمن وزیدن گرفت:

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ... (احزاب: ۹)

ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم.

### شرایط نصرت الهی

نزول امدادهای غیبی از طرف پروردگار جهانیان همچون دیگر سنن الهی، تابع شرایط و ضوابط خاصی است که قابل تخلف نیست؛ بدین معنا که این امدادها، ویژه گروه خاص و یا مسلمانان صدر اسلام نبوده است، بلکه هر گروه از مؤمنان که شرایط آن را در خود به وجود آورند، استحقاق دریافت آن را خواهند یافت.

برخی از شرایط نصرت الهی و امدادهای غیبی عبارتند از:

۱- یاری دین الهی: چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ. (محمد: ۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر (آیین) خدا را یاری کنید، (خدا) شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد!

و در آیه دیگر همین معنا را با تأکید بیشتر آورده است:

... وَ لِيُصْرِنَ اللَّهُ مَنْ يُنْصُرُهُ. (حج: ۴۰)

و خداوند حتماً کسانی را که یاری او کنند (و از آیین او دفاع نمایند) یاری می‌کند.

۲- **توکل:** گاهی نیز توکل شرط حمایت و کفایت خداوند از مؤمنان دانسته شده است:

وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ... (طلاق: ۳)

و هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می‌کند.

این توکل می‌تواند مربوط به فرد یا اجتماع باشد؛ به طوری که اگر همه مجاهدانی که در راه خدا جهاد می‌کنند، بر او توکل نمایند، از راههای عادی و غیبی مورد عنایت الهی قرار می‌گیرند و بدین وسیله آنان را از شر دشمنان در امان نگه می‌دارد.

۳- **صبر و تقوا:** در آیه ۱۲۵ سوره آل عمران، صبر و تقوا را شرط نزول امدادهای الهی ذکر کرده است.

۴- **دعا و استغاثه:** دعا و استغاثه در درگاه خداوند نیز سبب نزول امدادهای غیبی می‌گردد:

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ. (انفال: ۹)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که (از شدت ناراحتی در میدان بدر) از پروردگارتان کمک می‌خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت و (گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم.

## عوامل شکست

از قرآن مجید به دست می‌آید که عوامل شکست، ریشه در اعمال و رفتار خود انسان‌ها دارد.

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ. (نساء: ۷۹)

آنچه نیکی به تو می‌رسد، از طرف خداست؛ و آنچه بدی به تو می‌رسد، از سوی خود توست.

مراد از حسنه و سیئه در آیه فوق، پیروزی و شکست است و آیه در صدد پاسخگویی به کسانی

است که شکست را به غیر خود نسبت داده و منشأ آن را در جای دیگر جست‌وجو می‌کنند.<sup>۱</sup>

بنابراین، بر مجاهدان مسلمان لازم است که پس از هر شکست و ناکامی به ارزیابی عملکرد

خویش بپردازند و با به دست آوردن نقاط ضعف و نارساییهای خویش، به جبران آن همت

گمارند، نه اینکه با نسبت دادن شکست به خدا یا دیگران از اصلاح عیوب خویش غافل شده و باز از همان طریق دچار ضربه و شکست شوند.

عوامل شکست نیز در دو بُعد مادی و معنوی، قابل بررسی است. از عوامل مادی شکست همانند عوامل مادی پیروزی در بخش نظامی بحث می‌شود. در این جا به مهمترین عوامل معنوی شکست اشاره می‌کنیم:

### ۱ - عدم بینش صحیح

نداشتن شناخت صحیح و اصولی از مبدأ قدرت در جهان هستی و عدم توکل بر آن منبع لایزال، سبب تزلزل در روحیه و اضطراب نفس و... می‌شود. همچنین زمانی که انسان مختیر است از بین دنیا و آخرت، یکی را انتخاب کند، در تردید و دودلی باقی می‌ماند و در نتیجه باعث می‌شود تا تصمیمات سست و بی پایه‌ای اتخاذ کند؛ از سوی دیگر، پس از پیروزی‌های ظاهری نیز نداشتن بینش صحیح سبب غرور و عجب می‌گردد و پیروزی را به شکست تبدیل کرده و یا بهره‌برداری صحیح از آن را به انحراف می‌کشاند و نمی‌گذارد نتایجی که باید بر آن پیروزی مترتب گردد، نصیب مبارزان شود.

### ۲ - تفرقه

قرآن مجید، مجاهدان را از تفرقه و اختلاف نهی کرده است. به طوری که وجود تفرقه را باعث از بین رفتن قدرت و شوکت نیروهای رزمنده می‌داند.<sup>۱</sup>

امیرمؤمنان، علی علیه السلام، نیز بیان می‌دارد که شکست از آن کسانی است که از اتحاد و یاری یکدیگر دست برداشته‌اند.

غُلِبَ وَاللَّهُ الْمُتَخَذِلُونَ.<sup>۲</sup>

سوگند به خدا، مغلوبند کسانی که (برای جلوگیری از پیشروی دشمن) با یکدیگر همراهی نکردند.

### ۳ - نافرمانی

همان گونه که اطاعت و پیروی از فرماندهی در جنگ از عوامل پیروزی محسوب می‌شود، تمرد و نافرمانی از دستور رهبران و فرماندهان جنگ نیز سبب شکست نیروهای رزمنده می‌گردد. از امام علی علیه السلام چنین نقل شده است:

۲. نهج البلاغه، خطبة ۳۴.

۱. انفال (۸)، آیه ۴۶.

#### آفَةُ الْجُنْدِ مُخَالَفَةُ الْقَادَةِ.<sup>۱</sup>

آفت لشکر، مخالفت با فرمانده است.

بیشترین گلایه و شکایت حضرت علی علیه السلام از لشکریانش، عدم فرمانبرداری آنان است. به همین دلیل، آن حضرت آرزو می‌کرد که ده نفر از لشکر خود را با یک نفر از نیروهای فرمانبر لشکر معاویه معاوضه کند؛<sup>۲</sup> زیرا آنان در میسر باطل خود فرمانبردار، ولی اینان در عین حق بودند نشان متمرد بودند.

#### ۴ - عجب و غرور

شیوع مفاسد اخلاقی در بین نیروهای رزمنده نیز سبب تضعیف قوای معنوی و در نتیجه شکست آنان می‌گردد. یکی از این مفاسد که نقش بارزی دارد و قرآن مجید نیز به آن تصریح نموده، عجب و غرور است.

عجب و غرور سبب می‌شود که انسان از دیدن واقعیت‌ها محروم گردد و گمان می‌کند که همه شرایط و عوامل در اختیار او و به نفع اوست. انسان مغرور و خود پسند از دقت در جوانب گوناگون یک مسأله غافل شده همین امر سبب وارد آمدن ضربه به اعمال او می‌گردد. همچنین عجب باعث می‌شود تا شخص به جای تکیه بر خدا، بر خود تکیه کند و باز دست دادن تکیه‌گاه محکمی چون پروردگار، سقوط و انحطاط برای او حتمی و اجتناب‌ناپذیر شود.

واقعه جنگ حنین شاهدهی بر این مدعاست؛ مسلمانان با دیدن لشکریان زیاد خود، دچار غرور شدند و پیروزی نهایی را از آن خود دیدند. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ. (توبه: ۲۵)

خداوند شما را در جاهای متعدد از جمله روز (جنگ) حنین یاری کرد؛ در آن هنگام که فزونی افرادتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به کارتان نیامد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد؛ سپس پشت (به دشمن) کرده فرار نمودید!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از پیروزی‌های جنگ بدر، فتح مکه و ... سر بر سجده شکر می‌سایید و با این عمل خویش، علاوه بر شکر به درگاه الهی، در عمل نیز به رزمندگان اسلام می‌آموخت که از عجب و غرور بپرهیزند و پیروزی‌ها را از ناحیه خداوند بدانند.

۲. همان، ج ۲، ص ۸۷

۱. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۱۱.

## خلاصه

هر کدام از عوامل پیروزی و شکست را می‌توان به دو نوع عوامل مادی و معنوی تقسیم کرد؛  
**الف - عوامل مادی:** آمادگی رزمی، امکانات و ادوات جنگی، آموزش‌های مداوم رزمی و تخصصی و برخورداری از نیروی انسانی کافی و کارآمد از جمله عوامل پیروزی‌اند و برخوردار نبودن از این قبیل عوامل مایه شکست در برابر دشمنان است.

**ب - عوامل معنوی:** برخورداری از بصیرت و بینش عمیق، صبر و پایداری، یاد خدا، اطاعت از فرماندهی و وحدت کلمه میان رزمندگان از جمله عوامل معنوی در پیروزی شمرده می‌شوند. چنان‌که نبود بصیرت و بینش صحیح، اختلافات و تفرقه، نافرمانی، عجب و غرور مایه شکست رزمندگان در نبرد با دشمنان خواهد شد.

بدیهی است نصرت الهی و امدادهای غیبی نیز از جمله عوامل پیروزی است، لیکن باید دانست که نصرت الهی شرایط و ضوابط ویژه‌ای دارد که برخی از آنها عبارتند از: یاری دین الهی، توکل، صبر و تقوا، دعا و استغاثه به درگاه خداوند.

## پرسش

- ۱ - عوامل مادی پیروزی و شکست کدامند؟
- ۲ - عوامل معنوی پیروزی و شکست را نام ببرید.
- ۳ - منظور از یاد خدا در میدان جنگ - طبق نظریه علامه طباطبایی (ره) - چیست؟
- ۴ - چهار نمونه از امدادهای غیبی در صحنه نبرد با دشمن را نام ببرید.
- ۵ - شرایط نصرت الهی و امدادهای غیبی را بیان کنید.



درس نهم

## اهمیت آمادگی عمومی برای جهاد و دفاع

عقل انسان همچون فطرت و غریزه او حکم می‌کند که در زمان صلح و آرامش باید از آمادگی دفاعی کافی برخوردار بود تا اگر دشمن به طور ناگهانی و برق آسا حمله کرد، بتوان در برابر او ایستادگی نمود. تجربه نیز نشان داده که ملت‌های هشیار و آماده توانسته‌اند حمله ناگهانی دشمنان را دفع و موجودیت خویش را حفظ کنند. برعکس، آنهایی که در غفلت و بی‌خیالی به سر می‌برده‌اند. همواره غافلگیر شده و شکست خورده‌اند.

دین اسلام نیز به پیروان خود دستور می‌دهد که قبل از وقوع جنگ و نیاز به دفاع، به فکر آمادگی دفاعی خویش باشند و با تقویت نیروهای خود، به دشمن اجازه ندهند که به فکر حمله و هجوم بر جامعه اسلامی بیفتند. اگر با این حال حمله‌ای آغاز گردید، مسلمانان با تدارکی که از قبل دیده‌اند، براحتی می‌توانند با آن تجاوز مقابله کنند.

صریح‌ترین آیه‌ای که دستور آمادگی دفاعی را می‌دهد، آیه ۶۰ از سوره انفال است که می‌فرماید:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ.

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده، تابه وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد!

این آیه هشدار می‌دهد که جوامع اسلامی است که از دشمنان شناخته شده و ناشناخته غفلت نورزند و آنی از فکر رویارویی با دشمن غافل نشوند، زیرا اگر ما غافل باشیم، دشمن دست از سر ما برنداشته و همواره در کمین خواهد بود تا به کشورهای اسلامی حمله کند. حضرت علی (ع) به این موضوع اشاره نموده، می‌فرماید:

وَمَنْ نَامَ لَمْ يَمَعْ عَنْهُ<sup>۱</sup>

و هر کدام بخوابد (و غفلت ورزد، دشمن) از او غافل نخواهد شد.

اکنون با استفاده از آیه مذکور و دیگر مدارک اسلامی به جنبه‌هایی از بحث آمادگی دفاعی اشاره می‌کنیم:

### تهیه تجهیزات دفاعی

دولت اسلامی و مردم مسلمان، هر دو وظیفه دارند که به تجهیز خویش اقدام کنند. به عنوان مثال، دولت اسلامی وظیفه دارد که امکانات برای آموزش انواع مختلف رزم آماده کند و همچنین وظیفه تهیه انواع سلاح‌های سبک و سنگین و تدارکات جنگ را به عهده دارد و از سوی دیگر مردم نیز موظفند فنون جنگی مورد نیاز را فراگیرند و در قالب گردان‌های بسیجی، همیشه از تشکل و آمادگی رزمی برخوردار باشند. شاید به همین سبب باشد که خداوند متعال در آیه مربوط به آمادگی دفاعی - برخلاف آیات قبل و بعد از آن که خطاب به پیامبر اکرم (ص) است - خطاب را متوجه عموم مردم نموده است و می‌رساند که این دستور هم شامل تک افراد و هم شامل حکومت اسلامی و کارگزاران آن است؛ یعنی هر کدام باید با توجه به توان خود در اجرای این دستور الهی بکوشند و در حد توان، تجهیزات فراهم سازند.

آیه مزبور در مورد این تجهیزات، دو تعبیر «قوه» و «رباط الخیل» را به کار برده است. منظور از قوه، هر چیزی است که مایه تقویت و نیرو گرفتن لشکر اسلام است و شامل کلیه نیروها و قدرت‌های مادی و معنوی می‌شود و چون مطلق است، هیچ محدودیتی در تعیین نوع و مقدار آن وجود ندارد و به عبارت دیگر این تعبیر، قدر جامعی است که در هر زمان مصادیق متنوع و متناسب با همان زمان و در خور برخورد با دشمن را در بر می‌گیرد.

روایاتی نیز که در این باب وارد شده، همه برای تعیین مصداق و نشان‌دهنده معنای گسترده آن است. در برخی روایات از آن تعبیر به «تیراندازی» شده و نیز گفته شده که مراد از آن،

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۲، ص ۱۰۵۰.

وحدت کلمه و اطمینان به خداوند متعال و رغبت داشتن به ثواب الهی است. گاهی نیز به «دژ» تفسیر گردیده<sup>۱</sup> و در برخی از روایات به سلاح، شمشیر و سپر و حتی رنگ کردن موهای (سفید) مجاهدان تفسیر شده است.<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم ﷺ برای تحقق عملی این آمادگی و تهیه قوه، مسلمانان را به مسابقات اسب‌دوانی و تیراندازی تشویق می‌کرد و خود نیز با آنان همراهی کرده و در برخی موارد شخصاً شرکت می‌جست.<sup>۳</sup> آن حضرت به تداوم این گونه آموزش‌ها نیز توجه ویژه نشان می‌داد و از یاران خویش می‌خواست که از این امور، غفلت نکنند، چنان که فرمود:

مَنْ تَعَلَّمَ الرَّمْيَ ثُمَّ تَرَكَهُ فَقَدْ عَصَانِي.<sup>۴</sup>

کسی که تیراندازی را یاد بگیرد، سپس آن را ترک کند، از من نافرمانی کرده است. معروف است که در ایام جنگ حنین، به پیامبر ﷺ خبر دادند که سلاح تازه‌ای در یمن اختراع شده است. پیامبر ﷺ بی‌درنگ کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند.<sup>۵</sup> بنابراین، می‌توان مصادیق قوه را در این زمان تهیه تجهیزات پیشرفته نظامی، نظیر انواع تانک‌ها، هواپیماها، کشتی‌های جنگی و آموزش نیروهای نظامی و تداوم این آموزش‌ها دانست.

تعبیر دوم در آن آیه در مورد تجهیزات، رباط‌الخیل (اسب‌های بسته و آماده) است که یکی از مصادیق همان «قوه» می‌باشد و چون در عصر پیامبر ﷺ بهترین وسیله سواره‌نظام اسبان چابک و سریع بوده، آن را به عنوان بهترین نمونه ذکر کرده است. ذکر این مصداق نیز می‌تواند ما را به تهیه پیشرفته‌ترین و بهترین تجهیزات جنگی رهنمون کند.

## هدف از آمادگی

هدف از فرمان آمادگی دفاعی و تهیه سلاح و افزایش قدرت جنگی، شرارت و تجاوز به حقوق دیگران و ظلم و تعدی نیست، بلکه هدف، بازدارندگی و پیشگیری دشمنان طمعکار شناخته شده و ناشناخته، از فکر هجوم و اقدام به تجاوز و لشکرکشی به مملکت اسلامی است. فراز «تُرْهَبُونَ بِعَدُوِّ اللَّهِ وَ عَدُوِّكُمْ» به این هدف اشاره دارد.

۱. مجمع‌البیان، ج ۳-۴، ص ۵۵۵.  
 ۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۵.  
 ۳. ر. ک. وسائل‌الشیعه، ج ۶، ص ۳۴۵-۳۵۱.  
 ۴. الدر المنثور، سیوطی، ج ۳، ص ۱۹۳، دارالمعرفه.  
 ۵. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۴.

ناگفته نماند که در آیه بعد بلافاصله به تأثیر شگرف این آمادگی دفاعی در روحیه دشمنان اشاره کرده، می‌فرماید: «اگر دشمنان آمادگی خود را جهت صلح واقعی با تو اعلام داشتند، تو نیز استقبال نما» و این می‌رساند که چنین اقدامی از سوی مسلمانان نه تنها فکر تجاوز را از سر دشمن بیرون می‌کند، بلکه آنان را به فکر برقراری صلح و صفا با مسلمانان می‌اندازد. بنابراین، آمادگی نظامی و دفاعی اسلام، جنبه صلح‌طلبی دارد، نه جنگ‌افروزی.

نکته قابل توجه دیگر اینکه، ضمن بیان هدف از آمادگی، آن را در جهت هدف کلی جهاد که همانا «فی سبیل الله» بودن است مطرح می‌کند، زیرا با قرار دادن «عدو الله» در کنار «عدو کم» می‌رساند که در اجرای این فرمان، اغراض شخصی مطرح نیست بلکه هدف، حفظ مکتب الهی اسلام است.<sup>۱</sup>

### جهاد مالی در راه آمادگی

همان‌گونه که دفاع و جهاد در راه دین خدا مستلزم صرف اموال فراوانی در این راه است، داشتن آمادگی دفاعی و مهیا بودن برای پاسخگویی به حملات ناگهانی دشمن نیز مستلزم بذل مال است. برآوردن این نیاز و تأمین بودجه آن علاوه بر اینکه به عهده دولت اسلامی است، وظيفه ملت نیز هست که تا حد توان خویش، برای تأمین مخارج جنگ و دفاع، انفاق کنند.

خداوند متعال برای تشویق مردم به انفاق گوشزد کرده است که آنچه را شما در راه آمادگی رزمی هزینه کنید، به شما به طور کامل باز خواهد گشت.<sup>۲</sup> این وعده الهی، مؤمنان را دلگرم می‌کند که با خیالی آسوده به انفاق در راه جهاد بپردازند و یقین داشته باشند که این عمل معامله با خداست و خداوند در این جهان و یا در جهان آخرت به جبران عمل آنان خواهد پرداخت.

### مرزداری

علاوه بر جهاد و آمادگی رزمی، مرزداری کشور اسلامی نیز نقش اساسی و تعیین‌کننده در دفاع و حفاظت از کیان اسلام و مسلمانان، دارد که هرگز نباید از آن غفلت کرد. خوشبختانه اسلام به این امر حیاتی، توجه ویژه نموده و با تشویق و ترغیب مؤمنان به مرابطه (مرزبانی) و تعیین ثواب‌های فراوان برای آن، حدود کشور اسلامی را از خطر تجاوز بیگانگان مصون داشته است. سلمان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند:

۱. با استفاده از تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۶. ۲. با استفاده از آیه ۶۰ سوره انفال.

رَبَّاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ شَهْرٍ وَ صِيَامِهِ وَ مَنْ مَاتَ مُرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَانَ لَهُ أَجْرُ مُجَاهِدٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.<sup>۱</sup>

یک روز مرزداری در راه خدا بهتر از یک ماه نماز و روزه است و هر کس در حال مرزداری در راه خدا بمیرد، ثواب او ثواب مجاهدی است که تا روز قیامت جهاد کند. در حدیث دیگری یک روز مرزداری در راه خدا از دنیا و آنچه در آن است، بهتر دانسته شده است.<sup>۲</sup> و با توجه به اهمیت مرزداری است که امام سجاد علیه السلام در یکی از دعاها خود به مرزداران کشور اسلامی توجه ویژه‌ای معطوف داشته و به پیشگاه الهی عرضه می‌دارد:

پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و مرزهای مسلمانان را به عزت و جلال خود حفظ فرما و سپاهیان اسلام را که به حمایت و نگهبانی از مرزهای بلاد اسلامی همت گماشته‌اند، به قوت و قدرت کامل خود، آنها را یاری فرما و انعامشان را از خزینه جود و کرم فراوان گردان. خداوند بر محمد و آل او درود فرست و عده سپاهیان مرزها را زیاد و اسلحه آنها را مجهز و بران ساز و حدود و جوارب لشکرگاهشان را حفظ و مستحکم نما و دل‌های آنان را با هم جمع و هماهنگ ساز و وحدت روحی به آنان عطا فرما....<sup>۳</sup>

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۸.

۲. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۱۴.

۳. صحیفه سجادیه، دعای ۲۷.

## خلاصه

آماده بودن برای دفع حملات و خطرات دشمن از امور ممدوحی است که عقل انسان به آن حکم می‌نماید. قرآن مجید نیز به همه افراد جامعه اسلامی فرمان می‌دهد که با به کارگیری تمام توان و تهیه امکانات پیشرفته، آماده دفاع باشند و با کسب این آمادگی دشمنان خدا و خودشان را از فکر حمله بازدارند. اطلاقی که از آیه ۶۰ سوره انفال در تهیه قوه و نیرو فهمیده می‌شود می‌رساند که مسلمانان باید در هر برهه از زمان آنچه را که به هنگام دفاع نیاز دارند قبلاً تهیه نمایند و در آموزش نیروها و تداوم آن نیز کوشش وافر به خرج دهند. روایاتی نیز که به تفسیر «قوه» در این آیه پراخته‌اند همگی از باب تعیین مصداق است، نه اینکه بخواهند معنای آن را محدود نمایند. هدف از این آمادگی نیز چنان که قرآن بدان تصریح نموده ترساندن دشمنان اسلام و مسلمانان است و نه چیز دیگری مانند تجاوز به حقوق دیگران. خداوند در پایان همان آیه به تضمین اموالی که در راه آمادگی دفاعی از سوی مسلمانان خرج می‌شود، وعده داده است.

## پرسش

- ۱- صریح‌ترین آیه در زمینه کسب آمادگی دفاعی کدام است و چه پیامی دارد؟
- ۲- حضرت علی علیه السلام برای توجه مسلمانان به کسب آمادگی چه هشدار داده است؟
- ۳- اقدام به تجهیز مسلمانان در راه آمادگی دفاعی وظیفه کیست؟ دلیل آن را ذکر کنید.
- ۴- منظور از «قوه» و «رباط الخیل» چیست؟
- ۵- اهمیت مرزداري در اسلام را بیان نمایید.

## درس دهم

### اطاعت از فرماندهی

اطاعت از فرمانده و رعایت سلسله مراتب، اساسی ترین رکن سازمان نظامی است. می توان گفت که بدون این ویژگی، سازمان نظامی، ماهیت خود را از دست می دهد. این اصل خدشه ناپذیر، مورد اتفاق همه ملت‌ها در طول تاریخ است و عقل و شرع نیز بر آن صحه گذارده است. قرآن مجید ضمن به رسمیت شناختن تبادل نظر و رایزنی و مشورت در کارهای مهم - از جمله در تصمیم‌گیری نظامی - بر وحدت فرماندهی و لزوم قاطعیت او تأکید کرده، می‌فرماید:

و شاورهم فی الامرِ فاذا عزمْتَ فتوکلْ علی الله... . (آل عمران: ۱۵۹)

در کارها با آنها مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی، [قاطع باش و] بر خدا توکل کن.

لازمه قاطعیت در فرماندهی، اطاعت و همراهی نیروهای تحت امر و اجرای بی‌چون و چرای دستور نظامی است، این کار، علاوه بر نقشی که در به هم پیوستن افراد و جلوگیری از هرج و مرج و از هم گسیختگی دارد، بر کارآیی و هدفمندی سازمان نیز می‌افزاید و بدان قوام و دوام می‌بخشد؛ چراکه:

بررسی و مطالعات جوانب مختلف مسائل اجتماعی (بویژه نظامی) باید به صورت دسته جمعی انجام گیرد. اما هنگامی که طرحی تصویب شد، باید برای اجرای آن اراده واحدی به کار افتد. در غیر این صورت، هرج و مرج پدید خواهد آمد؛ زیرا اگر اجرای یک برنامه به وسیله رهبران متعدد، بدون الهام گرفتن از یک سرپرست صورت گیرد، قطعاً مواجه با

اختلاف و شکست خواهد شد و به همین جهت در دنیای امروز نیز مشورت را به صورت دسته‌جمعی انجام می‌دهند. اما اجرای آن را به دست دولت‌هایی می‌سپارند که تشکیلات آن‌ها زیر نظر یک نفر اداره می‌شود.<sup>۱</sup>

قرآن، اصل اطاعت‌پذیری را چنان ضروری می‌داند که ضمن بر شمردن آن از صفات مؤمنان واقعی، اعلام می‌کند که آنان حتی بدون اجازه فرمانده، به مرخصی هم نمی‌روند و منتظر دستور شخص مافوق خود هستند:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ... (نور: ۶۲)

مؤمنان راستین کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی همراه اویند، بی اجازه او به جایی نمی‌روند. همانا کسانی که از تو اجازه می‌گیرند، به خدا و پیامبرش ایمان دارند.

در شأن نزول این آیه نوشته‌اند که پیامبر ﷺ برای جنگ «أُحُد» فرمان بسیج عمومی صادر کرد در آن میان، یکی از رزمندگان، به نام «حنظله» آن روز، روز عروسی‌اش بود و با شنیدن دستور پیامبر ﷺ نزد آن حضرت شتافت و اجازه خواست تا آن شب را به اردوگاه سپاه نیاید. پیامبر به او اجازه داد تا شب، کنار همسرش بماند و بامداد به میدان جنگ آید. او نیز چنین کرد و صبح بدون آن که فرصت غسل بیابد، به صف رزمندگان پیوست و ساعتی بعد به فوز شهادت رسید. رسول اکرم ﷺ درباره‌اش فرمود: «فرشتگان را دیدم که میان زمین و آسمان، حنظله را با آب زلال و خنک در سینی‌های سیمین غسل می‌دهند.» بدین سان، او به «غسیل الملائکه» شهرت یافت.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر، فرماندهان مدیر و کارآموده، باید در گزینش افراد، از ویژگی اطاعت‌پذیری آنان مطمئن شوند و سپس آنان را برگزینند در غیر این صورت، نباید چندان به موفقیت نظامی خویش امیدوار باشند. آزمایش افراد، قبل از جنگ، در آیه ۲۴۹ سوره بقره آمده و در آن جا مطرح شده است که افراد آزمایش شده و مطیع فرمانده - گر چه شمارشان نسبت به نیروهای دشمن اندک بود - بر کافران پیروز شدند.

امیر مؤمنان ﷺ نیز در نامه‌ای به یکی از سرداران سپاه می‌نویسد:

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۴۸ و ۱۴۹. ۲. البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، ج ۳، ص ۱۵۳.



وَاسْتَعْنِ بِمِنْ إِتْقَادَ مَعَكَ عَمَّنْ تَقَاعَسَ عَنْكَ فَإِنَّ الْمُتَكَارَةَ مَغِيبُهُ خَيْرٌ مِنْ مَشْهَدِهِ وَقُودُهُ أَغْنَى مِنْ مُهُوضِهِ.<sup>۱</sup>

با تکیه بر سپاهیان که فرمانت را گردن می‌نهند، از کسانی که یاری خود را از تو دریغ می‌کنند، بی‌نیاز شو؛ زیرا کسی که با اجبار در جبهه جنگ حضور یابد، غیبتش به از حضور و نشستنش به از برخاستن است.

امام خمینی علیه السلام نیز خطاب به نماینده خود در سپاه می‌نویسد:  
تبعیت از فرمانده کل سپاه و از فرماندهان دیگر به حسب سلسله مراتب و مقررات سپاه در جمهوری اسلامی ایران یک وظیفه شرعی الهی است که تخلف از آن علاوه بر تعقیب قانونی، مسؤولیت شرعی دارد.<sup>۲</sup>

## دستاوردها

رعایت سلسله مراتب، آثاری ارزشمند در پی دارد که شمارش همه آنها کار مشکلی است. اهم آنها عبارت است از:

### ۱- انسجام سازمان

سلسله مراتب فرماندهی، از ابتدا تا انتها، بسان رشته‌ای محکم، سازمان نظامی را وحدت و انسجام می‌بخشد و یک پارچگی آن را حفظ می‌کند؛ چنان که نزاع و تفرقه و سرپیچی و تمرد، سبب از هم گسیختگی و تلاشی آن می‌گردد. در قرآن مجید می‌خوانیم:

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ وَ أَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. (انفال: ۴۶)

خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و نزاع [و کشمکش و نافرمانی] نکنید تا سست نشوید و شوکت شما بر باد نرود، و صبر پیشه کنید که خدا با صابران است.

از این رو، امام راحل علیه السلام همواره به نیروهای مسلح سفارش می‌کرد:  
... به همه نیروهای مسلح نظامی و غیر نظامی تأکید می‌کنم که با هماهنگی هر چه بیشتر، بر دشمن بتازید و از اختلاف - که از وسوسه‌های شیطان و به سود شیاطین است، بپرهیزید و از فرماندهان اطاعت کنید.<sup>۳</sup>

۲. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۶.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴، ص ۸۳۸.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۹.

## ۲- اجرای دقیق طرح‌ها و نقشه‌ها

فرماندهان نیروهای نظامی، گرچه از عالی‌ترین دانش و مهارت و تجربه نظامی برخوردار باشند، ولی اگر نیروهای تحت امر، از آنان فرمان نبرند، هرگز به اهداف جنگی خود نایل نخواهند شد. بعکس، اطاعت و فرمانبری نیروها؛ نقشی اساسی در اجرای طرح‌ها و نقشه‌های فرمانده ایفا می‌کند و گام به گام او را به اهداف مورد نظر نزدیک می‌سازد.

نقل است که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در عملیات «الفجر ۸» کار انتقال وسایل و امکانات جنگی نیروهای خودی به خط مقدم مختل می‌شود و صدای درخواست کمک از بی‌سیم، شهید حسین خرازی، فرمانده دلاور لشکر امام حسین علیه السلام را مضطرب می‌کند. او برخاست و برای بسیج نیروها به سنگرها سرکشی می‌کرد و در یکی از سنگرها به رزمندگان گفت: «از بی‌سیم چی‌ها، مسئولین واحد، روحانیون، تا خودم، همه بلند شوند!» همه اظهار آمادگی کردند و سپس، با فرمانده سلحشور به راه افتادند و همه امکانات و تجهیزات را از فاصله ۵۰۰ متری تا ساحل جابه‌جا کردند. با تلاقی بودن مسیر نیز مانع آنان نشد و بدین سان، با اطاعت‌پذیری افراد و همدلی آنان با فرمانده خود در طول سه تا چهار ساعت و قبل از طلوع خورشید، مشکلی بزرگ را برطرف ساخت.

## ۳- موفقیت و پیروزی

بر هیچ خردمندی پوشیده نیست که همراهی و همدلی افراد سازمان نظامی، و فرماندهی، توانایی آن را چندین برابر افزایش می‌دهد و عزم فرمانده را بر موفقیت و پیروزی راسخ‌تر می‌کند. سرلشکر پاسدار، برادر رحیم صفوی، درباره روحیه اطاعت‌پذیری و مقاومت و حماسه آفرینی سردار دلاور حاج محمد ابراهیم همت، می‌گوید:

در آن روزهای آخر، در عملیات خیبر، علی‌رغم همه فشارها و پاتک‌های دشمن و نیز در حالی که ما، در وضعیت مناسبی هم نبودیم، همین که پیام حضرت امام به حاج همت رسید که جزایر (مجنون) باید حفظ شود. او صد برابر مصمم‌تر و قاطعانه‌تر آماده مقابله شد و همین روحیه را در فرماندهان و نیروهای بسیجی نیز ایجاد کرد و آنها مشترکاً توانستند با وجود فشارهای سهمگین دشمن، فرمان امام را اطاعت کنند (و جزایر مجنون را حفظ نمایند) و در راه اطاعت از فرمان امام بود که حاج همت شهید شد.<sup>۱</sup>

۱. مجله پیام انقلاب، شماره ۲۵۹، ص ۱۵.

#### ۴ - تضعیف روحیه دشمن

پیروی و همکاری افراد سازمان نظامی، با فرمانده خود، تأثیری شکننده بر روحیه دشمن می‌گذارد و نسبت توانمندی‌ها را به سود نیروهای خودی تغییر می‌دهد. در جنگ صفین، نیروهای معاویه پیش‌دستی کردند و رودخانه فرات را تصرف کردند و میان آب و سپاهیان امیر مؤمنان علیه السلام حایل شدند. امام با سخنان کوتاه و حماسی، سپاهیان خود را بسیج کرد و آنان با حمله‌ای برق‌آسا، نیروهای دشمن را کنار زدند و خود بر رودخانه مسلط شدند.<sup>۱</sup> این اقدام شجاعانه، که بر اثر یکپارچگی و فرمانبری شیعیان به وقوع پیوست، برتری و سلحشوری سپاهیان عراق را بر آنان اثبات کرد که تا انتهای جنگ نیز ادامه داشت؛ چنان‌که نقل شده است که معاویه در جمع فرماندهان خود گفته بود:

دل‌های نیروهای سپاه علی علیه السلام همچون یک دل است.<sup>۲</sup>

#### عوامل نافرمانی

عوامل و انگیزه‌هایی چند، موجب بروز تمرد و نافرمانی می‌شود که باید آنها را شناخت و برای از میان بردنشان چاره‌ای اندیشید. مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

##### ۱ - دنیا طلبی

دل‌بستگی به ظاهر فریبای دنیا، مانع اساسی پیشرفت و تکامل روحی و معنوی انسان است. هر چه شخص بیشتر به دنیا دل ببندد، از عبادت و اطاعت الهی و از جهاد در راه خدا دورتر می‌شود. قرآن مجید خطاب به دنیا طلبانی که از فرمان جهاد شانه خالی می‌کنند، می‌فرماید:

... مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَثَّا قُلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ. (توبه: ۳۸)

چرا هنگامی که به شما فرمان می‌رسد: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» زمین‌گیر می‌شوید؟! آیا به جای سرای باقی، به دنیای فانی دل بسته‌اید. با این‌که کالای زندگی دنیا در برابر آخرت اندک است؟!

این خصلت شیطانی تا آن‌جا خطرناک است که بیم آن می‌رود سرنوشت جنگ و کشور را

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۴۴ - ۳۳۱.

۲. صلح امام حسن، ترجمه حضرت آیت الله خامنه‌ای، ص ۱۳۳.

دگرگون کند؛ چنان که در جنگ احد چنین شد و محافظان تنگه استراتژیک کوه «عینین» برای جمع آوری غنائیم جنگی، تنگه را رها کردند و دشمن از همان جا بر سپاه اسلام یورش آورد و پیروزی شیرین آنان را به شکستی تلخ مبدل ساخت.<sup>۱</sup>

## ۲ - قدرت طلبی

قدرت طلبی، آفتی مهم است و گاه چون ویروسی خطرناک در اندیشه و عمل نیروهای نظامی، به ویژه فرماندهان ارشد، نفوذ می‌کند و آنان را به عصیان و تمرد وامی‌دارد. جلوه‌های این پدیده نابهنجار، ممکن است به شکل کودتا، جدایی طلبی، شورش و ... بروز یابد که نمونه‌هایی بسیار در طول تاریخ در ارتش‌های دنیا داشته است.

## ۳ - جمود و تحجر

نیروهای نظامی بایستی همواره از بینش و بصیرتی کافی بهره‌مند باشند و نسبت به دیانت، سیاست، مسایل اجتماعی و مانند آن آگاه شوند و گرنه در مأموریت‌ها دچار انحراف می‌گردند و گاه نیل به اهداف برای آنان غیر ممکن می‌گردد. امیر مؤمنان علیه السلام درباره چنین کسانی می‌فرماید: ... فَإِنَّ الْعَامِلَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بُعْدُهُ عَنِ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ.<sup>۲</sup>

عمل کننده بدون آگاهی، چون رونده در بی راهه است که دوری او از جاده اصلی جز بر دوری از مقصدش نمی‌افزاید.

همین بی بصیرتی و جمود و جهالت، سبب نافرمانی بسیاری از سپاهیان آن حضرت در جنگ صفین شد و حکمیت را بر آن امام بر حق تحمیل کردند و موجبات دوام سلطه شیطانی معاویه را فراهم آوردند.

## ۴ - رفاه طلبی

گاه رفاه طلبی بستری مناسب را برای بروز عصیان و تمرد فراهم می‌سازد و فرماندهان دلسوز و دلاور را از رسیدن به مقاصد عالی باز می‌دارد. مصداق این حقیقت را در زمان امیر مؤمنان علیه السلام می‌توان دید. آن نابخردان با داشتن امام و رهبری چون علی علیه السلام از جهاد در راه خدا سر باز زدند و او

۱. الصحيح من سيرة النبي، جعفر مرتضى، ج ۴، ص ۲۲۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳، ص ۴۸۰.

را یاری نکردند تا غده سرطانی حکومت اموی را از پیکر مملکت اسلامی برون آورد و سرانجام، معاویه بر همه قلمرو اسلام چیره گشت. امام به گوشه‌ای از بهانه‌تراشی و رفاه‌طلبی‌های آنان اشاره کرده، می‌فرماید:

وقتی در روزهای تابستان، به شما فرمان بسیج می‌دهم، می‌گویید: اینک هوا در اوج گرماست. بگذار تا کاستی گیرد و چون در زمستان شما را به جهاد با دشمن می‌خوانم، می‌گویید، هوا سخت سرد است، بگذار تا سرما فروکش کند. شما که این قدر بهانه برای گرما و سرما می‌آورید، به خدا سوگند از ترس شمشیرها بیشتر می‌گریزید!

قرآن مجید به متمردان تن پرور و بهانه‌جو وعده دوزخ داده و فرموده است:

... قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ. (توبه: ۸۱)

گفتند: «در گرما به سوی جبهه کوچ نکنید!» بگو: «آتش دوزخ سوزنده‌تر است.» اگر بفهمند!

## خلاصه

اطاعت از فرماندهی و رعایت سلسله مراتب، اساسی‌ترین رکن سازمان نظامی است که علاوه بر انسجام و جلوگیری از هرج و مرج و از هم گسیختگی، بر کارایی و هدفمندی نیز می‌افزاید. قرآن مجید نیز بر لزوم رعایت اصل اطاعت پذیری تأکید کرده است.

شمارش همه دستاوردهای اطاعت پذیری مشکل است، ولی مهمترین آنها عبارت است از: انسجام سازمان نظامی، اجرای دقیق طرح‌ها و نقشه‌ها، موفقیت و پیروزی و تضعیف روحیه دشمن. عوامل نافرمانی نیز عبارتند از: دنیاطلبی، قدرت طلبی، جمود و تحجر و رفاه طلبی.

## پرسش

- ۱- کدام آیه قرآن بر اطاعت از فرماندهی تأکید دارد؟
- ۲- دستاوردهای اطاعت پذیری را بنویسید.
- ۳- عوامل نافرمانی کدامند؟
- ۴- قرآن مجید به بهانه جویان تن پرور چه وعده‌ای داده است؟

## درس یازدهم رابطه صبر و جهاد

ساختار زندگی دنیوی به گونه ای است که انواع شداید و گرفتاری ها از سوی عوامل طبیعی و غیر طبیعی انسان را تهدید می کند و حیات مادی و معنوی او را در معرض خطر قرار می دهد. اگر انسان در برابر عوامل تهدید کننده، پایداری نکند و تسلیم آنها شود، از پا در خواهد آمد. تجربه و دین و خرد بر این اتفاق نظر دارند که هر کس بخواهد بماند و به اهداف خود برسد، باید به سلاح صبر مجهز باشد و در برابر مشکلات و موانع، پایداری کند؛ باغبان باید با خزان و زمستان بسازد تا شکوفه های بهاران را ببیند، دانش آموز و دانشجو باید تلخی و محرومیت از رفاه زندگی را تحمل کند تا شیرینی دانش را بچشد. نظامیان و رزمندگان نیز باید صبر و پایداری را سرلوحه کار خویش قرار دهند تا آسایش و امنیت را در بهترین شکل ممکن به سامان برسانند.

در بسیاری از آیات، صبر و پایداری همراه جهاد به کار رفته است و این همراهی بیانگر جایگاه و نقش غیر قابل تردید صبر در میدان مبارزه و رویارویی با دشمن است.

در این درس برخی از آیات یاد شده را به اختصار بیان می کنیم.

### شکیبایی در جنگ مایه عزت و شوکت

شرافت، اصالت و استقلال جامعه اسلامی و صیانت از جان، مال و ناموس مسلمانان در سایه جهاد و دفاع تأمین می شود و دستیابی به این عزت فقط در سایه صبر و استقامت امکان پذیر است. در قرآن کریم می خوانیم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاغْلُظُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعَوْا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِجْلكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. (انفال ۴۵-۴۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی روبه رو می‌شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار شوید! و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت کنید! و نزاع نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است.

خداوند در آیاتی دیگر صبر و استقامت در جنگ را از نیکی‌ها و افراد ثابت قدم و با استقامت در میدان کارزار را از نیکوکاران دانسته است.

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ... وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ  
الْمُتَّقُونَ. (بقره: ۱۷۷)

نیکی، (تنها) این نیست (که به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید؛ بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و ... ایمان دارد ... و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ صبر و استقامت به خرج می‌دهند، این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند (و گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است؛) و این‌ها هستند پرهیزکاران!

### ناشکیبی مایه ذلت

همان‌گونه که استقامت در جنگ از اهم واجبات است و پیروزی و بالندگی جامعه در گرو آن می‌باشد، ترک جهاد و یا سستی و بهانه جویی برای شرکت در آن، ذلت و بدبختی و شکست دنیوی و عذاب اخروی را در پی دارد. در قرآن کریم می‌خوانیم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ ۝ وَمَنْ يُؤْلِهِمْ يَوْمَئِذٍ  
دُبرُهُ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ  
الْمَصِيرُ. (انفال ۱۵ - ۱۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبه رو می‌شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار نکنید)! و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند - مگر آن‌که هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد - (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد و جایگاه او جهنم و چه بد جایگاهی است!



## صبر و پالایش صفوف

مهم‌ترین معیار و میزان تشخیص مؤمنان حقیقی از منافقان سست عنصر در صحنه جنگ، مسأله صبر و پایداری است. سستی، بهانه جویی و فرار از جنگ از صفات منافقانی است که به ظاهر دم از ایمان به خدا می‌زنند ولی در باطن ذره‌ای از ایمان به خدا در وجودشان یافت نمی‌شود. خداوند در آیات ۱۸ و ۱۹ سوره احزاب حالت منافقان در میدان رزم را بیان و از باطن پلید آنها این‌گونه پرده برمی‌دارد:

خدا از حال آن کسانی که (منافقان) مسلمانان را از جنگ می‌ترسانیدند و فرزندانش و برادران و طایفه خود را از رفتن به جبهه باز می‌دارند و به آنها می‌گویند با ما متفق باشید نه با مؤمنان و مجاهدان، به خوبی آگاه است... آنها را چنان بینی که (هنگام جنگ و بحران) از شدت ترس آن چنان به تو نگاه می‌کنند و چشم‌هایشان در حلقه می‌چرخد که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند.

و در آیاتی دیگر می‌خوانیم:

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ۝ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ. (آل عمران: ۱۴۲ - ۱۴۳)

آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید، بی آنکه خداوند جهادگران و صابران شما را معلوم بدارد؟ و شما مرگ (و شهادت در راه خدا) را پیش از آن که به آن روبه رو شوید، آرزو می‌کردید؛ پس آن را با چشم خود دیدید، در حالی که به آن نگاه می‌کردید (و حاضر نبودید به آن تن در دهید! چقدر میان گفتار و کردار شما فاصله است!؟)

## آثار و برکات صبر در میدان جهاد

صبر و پایداری و تحمل مشکلات و مرارت‌ها در صحنه جهاد و کارزار دارای آثار و برکات گران‌بهایی است که به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم:

### ۱ - امدادهای غیبی

پس از پایان جنگ احد، مشرکان سرمست از پیروزی در حال بازگشت به مکه بودند ولی در اثنای راه به این فکر افتادند که بهتر این است که به مدینه بازگردند، شهر را غارت و مسلمانان را در هم کوبیده و پیامبر اکرم ﷺ را اگر زنده است، به قتل برسانند. به همین جهت فرمان بازگشت

صادر شد. این خطرناک‌ترین مرحله جنگ احد بود چرا که مسلمانان شکست سختی را متحمل شده بودند و روحیه و توان دفاع را نداشتند. خبر بازگشت لشکریان کفر به مدینه، به پیامبر ﷺ رسید و آن حضرت به بسیج مجدد نیروها و حتی زخمی‌ها پرداخت و در این مرحله حساس وحی نازل شد و روحیه مسلمانان را ترمیم نمود و آنان را به صبر و پایداری دعوت کرد:

بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُم بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ. (آل عمران: ۱۲۵)

آری اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید... پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشان دار یاری خواهد کرد.

ملت فهیم ایران نیز که برای احیای اسلام ناب محمدی ﷺ انقلاب شکوهمند اسلامی را سامان دادند بارها امدادهای غیبی را به چشم خود دیده‌اند که از شکست حمله آمریکا به طیس و طوفان شن و نیز پیروزی‌های معجزه آسای رزمندگان در دوران دفاع مقدس با امکاناتی اندک و محاصره اقتصادی و نظامی در مقابل استکبار جهانی، می‌توان یاد کرد.

## ۲ - دوستی خداوند

دوستی خداوند با ارزش‌ترین مدالی است که یک مسلمان می‌تواند برای خود کسب نماید:

وَكَايُنَّ مِنْ نَّبِيِّ قَاتَلٍ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا أَسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ. (آل عمران: ۱۴۶)

و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند و خداوند صابران را دوست دارد.

## ۳ - آمرزش و رحمت حق

رزمندگانی که در صحنه نبرد انواع مصایب و مشکلات اعم از اسارت، جانبازی، شهادت و... را تحمل می‌کنند و برای دفاع از حق پایداری و استقامت می‌کنند، قطعاً مورد رحمت و آمرزش خاص الهی قرار می‌گیرند و این پاداشی بس عظیم است.

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِن بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ. (نحل: ۱۱۰)

با این حال، پروردگار تو نسبت به کسانی که پس از زجر کشیدن هجرت کرده و سپس جهاد

نمودند و صبر پیشه ساختند. پروردگارت [نسبت به آنان] بعد از آن [آن همه] قطعاً  
آمرزنده و مهربان است.

#### ۴- پیروزی و کامیابی

صبر و شکیبایی در میدان رزم، نمودی بیشتر دارد تا جایی که خداوند نوید می‌دهد که رزمندگان  
صابر گرچه اندک باشند، بر دشمنان فراوانشان پیروز خواهند شد.

... كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. (بقره: ۲۴۹)

چه بسیار که به یاری خدا، گروهی اندک بر سپاهی عظیم پیروز شده است و خدا با  
صابران است.

در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ  
يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا... (انفال: ۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از میان شما بیست تن شکیبا باشند بر دویست  
تن چیره می‌شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند.

بنابراین، در صورتی می‌توان از درخت جهاد و دفاع ثمره پیروزی و سرافرازی چید که در  
طول مبارزه با آب زلال صبر و پایداری آبیاری شده باشد. چراکه سستی، بهانه‌جویی، رفاه  
زندگی و تن‌آسایی ثمره تلخ شکست و زبونی در پی دارد. به عبارت دیگر؛ موفقیت و پیروزی  
در تمام صحنه‌های زندگی فردی و اجتماعی به خصوص صحنه جهاد و دفاع در گرو صبر،  
پایداری و تحمل مشکلات و مرارت‌ها است.

## خلاصه

زندگی دنیوی آمیخته با انواع شداید و گرفتاری‌های طبیعی و غیر طبیعی است که انسان را در معرض تهدید قرار می‌دهد، به همین جهت برای مقابله با آنها و رسیدن به هدف باید به سلاح صبر و استقامت مجهز شد. به خصوص در صحنه جهاد و دفاع، سلاح صبر و پایداری کارآمدترین سلاح‌ها و از اسباب اصلی پیروزی و سربلندی است. در مقابل سستی، بهانه‌جویی و رفاه‌زدگی و تن‌آسایی از اسباب خواری و محرومیت دنیوی و موجب عذاب اخروی می‌باشد. همچنین، مسأله صبر و پایداری از اسباب پالایش صفوف در میدان کارزار است؛ که مؤمنان حقیقی و صابر را از منافقان سست عنصر جدا می‌سازد. شکیبایی در میدان رزم آثار و برکات ارزنده‌ای در پی دارد که امداد غیبی، دوستی خداوند، آمرزش و رحمت حق و پیروزی و کام‌یابی از جمله آنها است.

## پرسش

- ۱- سربلندی جامعه اسلامی و مسلمانان جهان در گرو چیست؟
- ۲- ناشکیبایی و فرار از جنگ چه پیامدهای دنیوی و اخروی را در پی دارد؟
- ۳- صبر در میدان رزم چگونه موجب پالایش صفوف می‌شود؟
- ۴- آثار و برکات صبر و پایداری در میدان کارزار را بیان کنید.
- ۵- چه رابطه‌ای میان پیروزی در صحنه جنگ با صبر و شکیبایی وجود دارد؟

## درس دوازدهم

### زنان و جهاد و دفاع

دشمن‌شناسی و دارا بودن روحیه دشمن‌ستیزی از ویژگی‌های مؤمنان است و در این راه تفاوتی میان مردان و زنان با ایمان وجود ندارد. هر دو قشر در انجام وظیفه و دفاع از کیان اسلام و نظام اسلامی مسؤول بوده و باید توان خود را در راه انجام این مهم مصروف دارند؛ البته هر کدام از این دو قشر با توجه به شرایط و توانی که خداوند برای آنان قرار داده است، در برخی از امور مربوط به جهاد و دفاع، نقش برجسته‌تری را ایفا می‌کنند. در این درس نقش زنان در جهاد و دفاع را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در مواردی به نمونه‌های تاریخی اشاره می‌کنیم. نقش زنان را در یک تقسیم‌کلی به دو قسم می‌توان تقسیم کرد:

#### الف - شرکت مستقیم

حضور مستقیم در جبهه و درگیری رو در رو با دشمن، در جهاد ابتدایی بر زنان واجب نیست، اما در جهاد دفاعی، آنان نیز همچون مردان موظف به دفاع از اسلام و حکومت اسلامی می‌باشند. زیرا دفاع در برابر تهاجم دشمن واجب عینی است که بر عهده همه مکلفین اعم از زن و مرد قرار گرفته و تنها پس از این که عده‌ای در حد کفایت آن را انجام دادند از عهده دیگران ساقط می‌شود. امام خمینی ره در مورد وجوب دفاع بر همگان می‌فرماید:

اگر خدای نخواستہ زمانی یک هجومی به مملکت اسلامی بشود باید همه مردم، زن و مرد حرکت کنند. مسأله دفاع این‌طور نیست که تکلیف منحصر به مرد باشد یا اختصاص به یک دسته‌ای داشته باشد. همه باید بروند از مملکت خود دفاع کنند.<sup>۱</sup>

---

۱. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۱۷.

حضور مستقیم زنان در صحنه‌های دفاع را در قالب عناوین ذیل می‌توان توضیح داد:

**۱- رزم شجاعانه:** در برخی از موارد، با توجه به مقتضیات و شرایطی که به وجود می‌آید زنان نیز خود را ملزم به رزم مستقیم با دشمن می‌بینند و در این راه، چون مردان شجاع، بی‌باکانه به دشمن حمله‌ور شده و وظیفه خود در دفاع از کیان اسلام را به انجام می‌رسانند. نمونه‌هایی از این نوع در صدر اسلام و در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وقوع پیوسته است.

در نبرد اُحد، زنی بنام «نسیبه» به همراه شوهر و دو فرزند خود در جنگ شرکت داشت. در آغاز درگیری، او مشک آب را برداشته و به مجروحان آب می‌داد. در اوج درگیری عده‌ای از مسلمانان، پیامبر را تنهاگذاشته پا به فرار نهادند. در این هنگام، نسیبه برای حفاظت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله، با دشمن به نبرد پرداخت و دوازده زخم شمشیر و نیزه برداشت.<sup>۱</sup>

ام حارث نیز که از زنان شجاع انصار بود در جنگ حنین شرکت داشت و وقتی لشکریان حضرت صلی الله علیه و آله پا به فرار گذاشتند، او فرار نکرد و در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت و خود را سپر بلای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمود.<sup>۲</sup>

اُمّ ابان نمونه دیگری از زنان شجاع صدر اسلام بود که پس از شهادت همسرش در جنگ با رومیان، ابتدا همسر خویش را کفن کرد و سپس برای خونخواهی به مبارزه مسلحانه با کفار پرداخت. در این درگیری، علاوه بر هدف قرار دادن قاتل همسرش، تعداد دیگری از دشمن را نیز به هلاکت رساند.<sup>۳</sup>

**۲- پرستاری از مجروحان:** از دیگر نقش‌های برجسته زنان در جنگ، پرستاری و مداوای مجروحین در جبهه می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زنان برای حضور در جبهه و مداوای مجروحین اذن می‌داد و آنها نیز مشتاقانه در این کار شرکت می‌جستند. از جمله این زنان می‌توان از ام عطیه، معاذه غفاریه، لیلالی غفاریه و ام سنان اسلمیه نام برد.<sup>۴</sup>

در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز، زنان فراوانی در قالب بسیج و غیر آن در این امر مشارکت داشته و تعدادی از آنها نیز به شرف شهادت رسیده و یا مجروح شده‌اند. گفتنی است زنان در جنگ‌های صدر اسلام کارهایی برعهده داشته‌اند که با توجه به شرایط زمان ما، این امور برعهده مردان قرار می‌گیرد. این گونه کارها عبارت بودند از: آبرسانی به جبهه

۱. طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۱۲؛ المغازی، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. اعلام النساء، ج ۱، ص ۲۳۲.

۳. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۵۴.

۴. الاصابه، ج ۴، ص ۸۴ و ۴۰۲؛ اعلام النساء، ج ۵، ص ۶۱؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۴۱۰.

و آب دادن به رزمندگان، حمل مجروحین و شهدا به پشت جبهه، نگهداری تدارکات و رساندن مهمات به رزمندگان، آشپزی و طبخ غذا، تهیه دارو و تعمیر و ترمیم وسایل تدارکاتی رزمندگان.

### ب - شرکت غیر مستقیم

نقش زنان در جبهه و جنگ بیشتر از طریق غیر مستقیم می‌باشد. البته تأثیر این مشارکت به مراتب بیشتر از مشارکت آنان به‌طور مستقیم بوده و با توجه به توضیحاتی که خواهد آمد می‌توان گفت که حضور مردان در جبهه نیز مدیون همین مشارکت زنان است.

امام خمینی در باره نقش پر اهمیت زنان در انقلاب و به ویژه جبهه و جنگ می‌فرماید: ما مفتخریم که بانوان و زنان، پیر و جوان، خرد و کلان، در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی، حاضر و همدوش مردان، یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنان که توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی، از واجبات مهم است شرکت و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها، بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رها نموده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند. و آنان که توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شغف به لرزه می‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب‌گونه علیها سلام الله، فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا!<sup>۱</sup>

اقسام حضور و نقش‌های زنان در پشت جبهه را می‌توان چنین ترسیم نمود.

#### ۱ - رزمنده پروری و تشویق شوهران و فرزندان به شرکت در جهاد

از نقش‌های بسیار سازنده زنان در امر جهاد، تشویق مردان به شرکت در جنگ‌هاست. با توجه به بُعد عاطفی قوی‌ای که در زنان وجود دارد، تأثیر کلام و تشویق آنان اثر فراوانی در تهییج و تحریک مردان به مقاومت و دفاع دارد. امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماید:

۱. وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره).

زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند، بانوان در صدر اسلام با مردان در جنگ‌ها هم شرکت داشته‌اند.<sup>۱</sup>

تاریخ صدر اسلام نیز گواه آن است که در مواردی تشویق زنان باعث حرکت شوهرانشان به سوی میدان جهاد و دفاع بوده است. در حرکت تاریخی امام حسین علیه السلام نیز برخی از یاران آن حضرت به تشویق همسران خود به نهضت امام پیوسته و با آن حضرت تا پای جان همراهی کرده‌اند. به عنوان مثال وقتی نامه امام به زهیر بن قین رسید، وی در ابتدا تمایلی به پیوستن به سپاه امام نداشت. اما با شنیدن سخنان حماسی و مشوقانه همسرش، عزم خویش را بر یاری امام علیه السلام جزم نمود و به سپاه آن حضرت پیوست.<sup>۲</sup>

اصولاً وجود همفکری و همیاری زنان نه تنها باعث تشویق و حرکت بستگان درجه اول آنها می‌شود که سبب تشویق و حساسیت دیگر مردان نیز نسبت به امر دفاع می‌گردد. امام خمینی رحمه الله در این باره می‌فرماید:

اگر چنانچه یک عده زن در محلی وارد بشوند که محل جنگ است علاوه بر این که خودشان جنگ می‌کنند مردها که یک احساسی دارند نسبت به زن‌ها، حساسیت نسبت به زن‌ها دارند، مردان قوه‌شان را دو چندان می‌کنند، این طور نیست که اگر اینها فرض کنید بروند دفاع کنند، خودشان دفاع کرده‌اند، دیگران را هم به دفاع وادار کرده‌اند. مرد حساس است نسبت به زن، مرد اگر صد نفر را ببیند که می‌کشند ممکن است خیلی ناراحت نشود؛ اما اگر یک زن را ببیند که بی‌احترامی می‌کنند حساسیت دارد ولو آنکه آن زن اجنبی باشد و هیچ کاری هم به او نداشته باشد. این یک حساسیتی است که مردها دارند. بنابراین پیش قدم شدن شما در همه مسائل، من جمله مسائل دفاع، مسائل جهاد، مسائل کمک کردن به جبهه‌ها، مسائل وارد شدن در هر طریقه‌ای، اسباب این می‌شود که مردها هم بیشتر وارد بشوند و مردها هم قوی‌تر بشوند.<sup>۳</sup>

## ۲- ایجاد آرامش روانی برای رزمندگان نسبت به اداره زندگی و تربیت فرزندان

رزمندگان اسلام برای اینکه بتوانند با روحیه‌ای آرام و بدون دغدغه به جنگ و دفاع بپردازند و تمام فکر و قوای خود را بر آن متمرکز کنند، باید فکرشان از ناحیه خانه و فرزندان خود آسوده بوده،

۱. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۳.

۲. رجال مامقانی، ج ۱، ص ۴۲۵؛ اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۱.

۳. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۸۰.



اطمینان داشته باشند که در غیاب آنان، زندگی شان به طور طبیعی جریان دارد و فرزندان شان با آرامش کامل به امور تعلیمی و تربیتی خود خواهند رسید. تأمین این خواسته بحق رزمندگان، در سایه زحمات و الطاف همسران آنان میسر است؛ زیرا همسران رزمندگان در غیاب آنها از کیان خانواده حفاظت نموده و تمام توان خود را برای اداره صحیح زندگی خود و فرزندان شان به کار می برند. این جنبه از تلاش زنان، از جمله نقش های بسیار مثبت و سازنده زنان در تحکیم موقعیت رزمندگان اسلام است که نقش برجسته زنان نسبت به مسأله دفاع را روشن می سازد.

### ۳- استقبال از شهادت جوانان

یکی از مسائل مهم در جهاد و دفاع، روحیه مقاومت و نحوه برخورد با مشکلات و مصائب جنگ است. ملتی که تحمل بالایی از خود نشان دهد قطعاً پیروز از میدان به در آمده شاهد موفقیت خود خواهد شد. و اگر ملتی تحمل مصائب و آثار خسارت بار جنگ را نداشته باشد روحیه خود را از دست می دهد، در نتیجه روحیه رزمندگان را نیز ضعیف و آنان را در اجرای مقاصد خود سست می کند. یکی از مسائلی که در این راستا باید مورد توجه قرار گیرد نحوه برخورد با تلفات جانی جنگ است. این مسأله نیز ارتباط تنگاتنگی با روحیه مقاومت و ایمان زنان یک جامعه دارد. زیرا اگر زنان از شهادت فرزندان و عزیزان خود استقبال کنند و با آغوش باز آن را پذیرا باشند، از ورود ضعف و سستی به اردوی مدافعان نظام جلوگیری خواهد شد و گرنه ممکن است دشمن از همین ناحیه، نقطه ضعف را شناسایی کرده و با القای وسوسه های شیطانی خود، اختلاف و شکست را در میان مدافعان نفوذ دهد.

خوشبختانه زنان مسلمانان با توجه به روحیه ایمانی و درس هایی که از قرآن و عملکرد پیشوایان دین گرفته اند، به استقبال از شهادت جوانان و عزیزان شان رفته و بدین وسیله نقش مهمی را در ایفای وظیفه خود در قبال جهاد و دفاع عملی ساخته اند. نمونه های فراوانی از این زنان مؤمن و ایثارگر در صدر اسلام و همچنین در ایران، از آغاز نهضت اسلامی تا کنون وجود داشته اند.

### ۴- پرستاری و امدادگری

در زمان های گذشته به دلیل نبود امکانات برای حمل سریع مجروحان، مداوای آنان غالباً در میدان رزم انجام می شد و به همین جهت زنانی نیز که برای کمک در این امر داوطلب می شدند به جبهه اعزام شده و در همانجا به پرستاری و مداوای مجروحین اقدام می کردند. اما در زمان کنونی اقدامات ضروری و اولیه در جبهه انجام می شود و اکثر معالجات در بیمارستان ها و مناطق پشت

جبهه صورت می‌گیرد. زنان در این مورد نیز نقش ممتازی را در ارائه خدمات پزشکی به مجروحان داشته و در حقیقت یکی از نقش‌های حساس خود برای امر دفاع و جهاد را ایفا می‌کنند.

#### ۵- کمک‌های مالی و تدارکاتی

در قرآن مجید و سخنان پیشوایان دین، از مؤمنان خواسته شده که در راه دفاع از اسلام و جامعه اسلامی علاوه بر جهاد با جان خویش، به جهاد مالی نیز اقدام کنند. این دستور نیز همه مؤمنان اعم از زن و مرد را در برمی‌گیرد. در صدر اسلام، و به هنگام اعزام سپاهیان به جبهه نبرد، زنان مسلمان به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شده و به اهدای زیورآلات خود و سایر وسائلی که رزمندگان اسلام بدان محتاج بودند، می‌پرداختند.<sup>۱</sup>

در طول جنگ تحمیلی نیز زنان کشورمان بطور مرتب به اهدای اموال و وسایل لازم جهت جبهه اقدام می‌کردند که این امر بارها مورد تقدیر و سپاس رهبر کبیر انقلاب قرار گرفت. به طوری که امام علیه السلام درباره آنها فرمود:

زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده همدوش مردان بلکه مقدم بر آنانند. زنان ایران هم مجاهدات انسانی عظیم کرده‌اند و هم مجاهدات مالی.<sup>۲</sup>

#### ۶- فعالیت‌های تبلیغاتی

در زمان‌های گذشته و در صدر اسلام، یکی از عملکردهای زنان، تشویق و تهییج مردان به جنگ به وسیله ایراد خطابه، شعر، سرود و... بود. این کار در میدان جنگ صورت می‌گرفت. برای نمونه می‌توان به عکرشه دختر اطرش، بکاره هلالیه و زرقاء دختر عدی کوفی اشاره کرد که در جنگ صفین با خواندن اشعار و خطابه به تشویق مردان مبادرت می‌کردند.<sup>۳</sup>

در زمان معاصر به دلیل گسترش وسایل ارتباط جمعی، به حضور مستقیم زنان در جبهه برای انجام این امر نیازی نمی‌باشد و در حقیقت از اموری است که زنان می‌توانند در پشت جبهه نقش ایفا کنند. در طول جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نیز عده‌ای از زنان، با سرودن اشعار حماسی و دینی، و پخش آنها از رادیو و مطبوعات، به تهییج دلاور مردان جبهه و جنگ همت گماردند و با تبلیغات خویش، وظیفه خود در دفاع از اسلام و سرزمین اسلامی را به انجام رساندند.

۱. المغازی، ج ۳، ص ۹۹۲.

۲. سیمای زن در کلام امام خمینی، ص ۱۰۹، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳. ر.ک. بلاغات النساء، ص ۵۰، ۵۳، ۱۰۳ و ۱۱۰.

## خلاصه

نقش زنان در جهاد و دفاع به دو صورت قابل تصور است:

**الف - شرکت مستقیم:** پرستاری از مجروحان و مداوای آنان از جمله نقش‌های برجسته زنان در مشارکت مستقیم در جهاد و دفاع شمرده می‌شود. چنان‌که نمونه‌اش را در طول هشت سال دفاع مقدس فراوان دیده‌ایم و در جنگ‌های صدر اسلام نیز سابقه دارد. افزون بر این نقش، در هنگام ضرورت بر زنان لازم است که به هر وسیله ممکن در مقابل دشمن متجاوز به دفاع برخیزند و او را عقب برانند.

**ب - شرکت غیر مستقیم:** این قسم از حضور زنان بیشتر در پشت جبهه‌های نبرد تحقق می‌یابد و امور زیر از این قسم حضور شمرده می‌شوند:

- ۱- تشویق فرزندان و شوهران به شرکت در جهاد و دفاع؛
- ۲- ایجاد آرامش روانی برای رزمندگان نسبت به اداره زندگی و تربیت فرزندان؛
- ۳- استقبال از شهادت جوانان؛
- ۴- پرستاری و امدادگری؛
- ۵- کمک‌های مالی و تدارکاتی؛
- ۶- فعالیت‌های تبلیغاتی.

## پرسش

- ۱- نقش زنان در جهاد و دفاع به چند صورت قابل تصور است؟
- ۲- نقش حضور مستقیم زنان در جهاد و دفاع چیست؟
- ۳- مبارزه رو در رو و اسلحه به دست گرفتن برای عقب راندن متجاوز در چه شرایطی بر زنان لازم است؟
- ۴- نقش برجسته زنان در پشت جبهه را نام ببرید.
- ۵- دو نمونه از حضور زنان در جنگ‌های صدر اسلام را نام ببرید.

درس سیزدهم

## وظایف مردم در پشت جبهه

نظام اسلامی، نظامی مردمی است، از این رو همه مسلمانان خود را ملزم و موظف به حمایت از آن می‌دانند و در امور مهمی که پیش می‌آید با یکدلی و صمیمیت به میدان شتافته و از نظام الهی، حمایت می‌کنند. از جمله این حوادث، جنگ و جهاد است. در مواقعی که جنگی میان مسلمانان و دشمنان آنان پدید می‌آید، گروهی به‌طور مستقیم در میدان نبرد حضور می‌یابند. مسلمانان دیگری نیز که در پشت جبهه قرار دارند، بنابر تکلیف خود، به حمایت از رزمندگان خواهند پرداخت. اهم مواردی که در این راستا بر عهده آنان قرار می‌گیرد موارد ذیل است.

### الف - پشتیبانی معنوی

۱- تجلیل از رزمندگان و ایثارگران: یکی از وظایف اصلی مردم در پشت جبهه حمایت و تشویق رزمندگان و درخواست یاری و نصرت از خدا برای آنها می‌باشد. از این رو با انجام اموری چون دعا، نذر و پرداخت صدقه، سلامتی و پیروزی رزمندگان را از درگاه خداوند طلب می‌کنند. علاوه بر این امور باید جو جامعه را به گونه‌ای جهت داد که همه ارگان‌ها و نهادهای جامعه، توجه به رزمندگان و اهداف آنان را مد نظر قرار داده و از اموری که توجه جامعه را از امر مهم جهاد و رزمندگان غافل می‌کند، برحذر داشت. درک عظمت مقام و موقعیت رزمندگان و ارزش‌گذاری امور جامعه بر مبنای جهاد و نیز بسیج همگانی در جهت توجه داشتن به کسانی که به دفاع از مکتب، نظام و آب و خاک حکومت اسلامی پرداخته‌اند، عزم مجاهدان را در سرکوبی دشمن راسخ‌تر و صبر و مقاومت آنان را افزون‌تر خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام در مقام تجلیل از رزمندگان فرمود:

مَنْ قَالَ لِعَازٍ مَرْحَبًا وَ أَهْلًا حَيَّاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اسْتَقْبَلَهُ الْمَلَأُكَةُ بِالْترْهيبِ وَ التَّسْلِيمِ.<sup>۱</sup>

کسی که به رزمنده‌ای آفرین و خوش آمد و درود، استقبال خواهند کرد.

**۲- تجلیل از شهدا، جانبازان و مجروحان:** از دیگر امور لازم، گرامیداشت شهدای جهاد و کسانی است که در این راه متحمل نقص عضو و جراحت شده‌اند. تجلیل معنوی از شهید و جانباز و مجروح سبب دمیده شدن روح امید در کسانی می‌شود که به جبهه رفته‌اند و یا عزم رفتن دارند. علاوه بر آن، توجه به شهیدان و وصایای آنان، فرهنگ جامعه را تضمین کرده و روح جهاد را در پیکر اجتماع باقی نگه می‌دارد.

بزرگداشت خانواده‌های شهدا و جانبازان نیز از دیگر وظایف مؤمنانی است که در پشت جبهه به خدمت مشغولند.

**۳- رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان:** توجه به خانواده‌های رزمندگان و سعی در برآوردن نیازهای آنان موجب دلگرمی و آرامش خاطر مجاهدان شده، آنان با تمام توان، همتشان صرف جنگ با دشمن و آسودگی فکرشان از اشتغال به پشت جبهه می‌گردد. در روایات نیز به این مسأله توجه شده و سرکشی به خانواده‌های رزمندگان و رفع حوائج آنان از اقدام‌های ارزشمند شمرده شده است.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَدْ غَزَا، وَ مَنْ خَلَفَ غَازِيًا فِي أَهْلِهِ بِخَيْرٍ فَقَدْ غَزَا.<sup>۲</sup>

کسی که جنگجوی راه خدا را تجهیز کند، مثل این است که خود در جنگ شرکت کرده و همچنین است کسی که به امور خانواده رزمنده‌ای را در غیاب او به‌عهده گیرد.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

ثَلَاثَةٌ دَعَوْتُهُمْ مُسْتَجَابَةٌ؛ أَحَدُهُمُ الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَانْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَهُ.<sup>۳</sup>

دعای سه کس مستجاب می‌شود؛ یکی از آنان جنگجوی راه خداست. توجه داشته باشید که در غیاب او چگونه جانشینی هستید.

در حدیثی نیز پیامبر اکرم ﷺ کسانی را که به جهاد نرفته و یا در رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان به نیکی رفتار نکرده‌اند مورد عذاب الهی دانسته است.<sup>۴</sup>

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۵.

۲. الترغیب والترهیب، ج ۲، ص ۲۵۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۳.

۴. ر. ک. سنن ابی داود، ج ۳، ص ۱۰.

### ب - مقابله با توطئه‌ها

وظیفه دیگر مسلمانانی که در پشت جبهه به فعالیت روزمره مشغولند آن است که اوضاع پشت جبهه را به گونه‌ای سامان دهند که رزمندگان در جبهه، مطمئن باشند که خطری از پشت سر آنها را تهدید نمی‌کند و همچنین اهدافی که به خاطر آن سلاح برگرفته و در میدان نبرد جانبازی می‌کنند، در پشت جبهه به بازی گرفته نشده و مردم با حفظ همبستگی و علاقه به آرمان و نبرد مقدسشان، توطئه‌ها و ترفندهای دشمن را نقش بر آب می‌کنند. در غیر این صورت، ذهن آنان از مسائل جنگ و دفاع به مسائل پشت جبهه منحرف شده و در رویارویی با متجاوزان کارآیی لازم را نخواهند داشت. در این قسمت از بحث به اهم مسائلی که برای مقابله با توطئه‌های دشمن در نفوذ به پشت جبهه ضروری است، اشاره می‌کنیم:

۱- پرهیز از تفرقه: همان‌گونه که اتحاد و هماهنگی رزمندگان سبب پیروزی در میدان نبرد خواهد شد، وحدت نیروهای مستقر در پشت جبهه نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی رزمندگان خواهد داشت؛ زیرا وحدت یک ملت سبب ایجاد رعب و هراس در دل دشمنانش شده، امید دشمن را در رخنه به صفوف آنان به یأس بدل خواهد کرد. به همین دلیل وظیفه مؤمنان آن است که از درگیری‌های داخلی و نزاع و کشمکش‌هایی که فرصت را برای دشمنان فراهم می‌آورد پرهیز نمایند و اگر اختلاف سلیقه‌ای نیز در بین آنان وجود دارد از راه گفت‌وگو و برخورد مسالمت‌آمیز به تفاهم و توافق برسند تا بتوانند همچون ید واحدی در برابر دشمن قیام نموده و به تجهیز لشکر اسلام همت گمارند. دشمن هر از چندگاهی، با ایجاد شایعه و جعل نسبت‌های ناروا به مسؤولان، در صدد ایجاد تفرقه در میان صفوف به هم فشرده مؤمنان در جبهه و پشت جبهه برمی‌آید. در این مواقع با هشیاری باید به شناخت ریشه‌های شایعه‌افکن پرداخت و با انعکاس اخبار صحیح و واقعی به مردم، آنها را از واقعیات با خبر ساخت. صمیمیت و یکرنگی مسؤولین کشور و فرماندهان نظامی با مردم نیز سبب ایجاد رابطه بیشتر و در نتیجه وحدت عمومی در جامعه خواهد شد.

تبیین اهداف جنگ و انگیزه متجاوزان نیز از مسائل لازمی است که برای پدید آمدن روح وحدت در جامعه ضروری است زیرا با مشخص نشدن آن، عزم همگانی برای ادامه نبرد تا رسیدن به پیروزی نهایی و دفع شر متجاوزان حاصل نمی‌شود و گروه‌های مختلف در مقاطع گوناگون به گمان اینکه دیگر نیازی به ادامه جنگ نیست و دشمن از رسیدن به مقصد خود مأیوس شده، از ادامه نبرد دست‌نکش می‌دارند. بدین جهت ضروری است که توجیه کافی در مورد نیروهای رزمنده و ملت پشتیبانی‌کننده صورت گیرد.

تقویت معنویات و روحیات متعالی در فضای جامعه از عوامل مهم در ایجاد وحدت در جامعه است؛ زیرا رو آوردن به مسائل مادی و هوا و هوس‌ها، عامل اصلی پدید آمدن نزاع و کشمکش‌هاست.

اما انتشار روحیه معنویت خواهی، سبب می شود که توجه به منافع شخصی کمرنگ شده و دل ها به هم نزدیک گردند.

هماهنگی و وحدت رویه مسؤولان و توجه به اقشار پایین جامعه نیز در ایجاد وحدت تأثیر بسزایی دارد، زیرا غالب مدافعان دین و ملت، از طبقات متوسط و پایین جامعه هستند و توجه به این اقشار، آنها را دلگرم ساخته و راه نفوذ دشمن را سد می کند.

**۲- حفظ امنیت داخلی:** رزمندگان زمانی در عملیات خود بر ضد دشمن موفق می شوند که با فکری آسوده به نقشه کشی بر علیه دشمن پرداخته و تضمین لازم را برای دریافت کمک و پشتیبانی از پشت جبهه داشته باشند و هر دوی این امور در گرو تضمین امنیت داخلی کشور است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام نبرد احزاب، توجه به امنیت داخلی شهر مدینه نیز داشت و به همین جهت قسمتی از نیروها را برای حفاظت از شهر در مقابل توطئه منافقان و کسانی که ممکن بود امنیت شهر را بر هم زده و سبب آسیب پذیر شدن نیروهای رزمنده گردند، به کار گرفت.

هر چند وظیفه حفظ امنیت داخلی کشور، بر عهده نیروهای نظامی و انتظامی مستقر در پشت جبهه ها و در داخل شهرهاست اما نباید نقش عموم مردم را در این مهم فراموش کرد. افراد جامعه وظیفه دارند با مراجعه به بسیج و تشکیل ارتش مردمی به حفاظت از شهر و منطقه خود بپردازند. قطع دست افراد شرور و کسانی که با بر هم زدن امنیت اجتماعی سبب آلوده شدن جو سالم اجتماع می شوند از اهم وظایف مؤمنان است.

**۳- مقابله با جنگ روانی دشمن:** امروزه جنگ روانی یکی از عوامل عمده و حساس دستیابی به موفقیت در کلیه نبردها اعم از نظامی، اقتصادی، تبلیغاتی و سیاسی است. به طور کلی دشمن برای پیروزی خود، گذشته از عوامل گوناگون، از دو عامل بیشترین استفاده را می برد: یکی مجهز بودن به انواع وسایل رزم و دیگری به کارگیری فنونی که موجب شکست روحیه نیروهای طرف مقابل خود بشود که از آن به جنگ روانی تعبیر می کنیم؛ در مواردی تأثیر جنگ روانی اگر بیشتر از وسایل مجهز جنگی نباشد، از آنها نیز کمتر نیست. از این جهت یکی از وظایف مردم در پشت جبهه مقابله با جنگ روانی دشمن است. البته چون در این جنگ، دشمن از فنون و شیوه های مختلف بهره می گیرد، مردم نیز متناسب با ابزار و روش های به کار گرفته شده توسط دشمن باید واکنش نشان داده و مقابله نمایند. به عنوان مثال گاهی دشمن در قالب تبلیغات فراوان و راه انداختن سر و صدای زیاد در رسانه ها و مطبوعات، به بزرگ نمایی خود می پردازد تا بدین وسیله روحیه نیروهای مدافع و مردم پشتیبانی کننده را تضعیف کند. در این مورد ارائه آمار صحیح و واقعی از نیروهای دشمن و تبلیغات متقابل و ارائه

نقاط ضعف دشمن می تواند از موفقیت دشمن در این زمینه بکاهد. شرکت مردم در مانورهایی که توسط فرماندهان اسلام برگزار می گردد از دیگر پاسخ هایی است که تیر رها شده از کمان نبرد روانی دشمن را به سوی خود آنها باز خواهد گرداند و دلهره و اضطراب را به اردوی دشمن منتقل خواهد کرد. همچنین دشمن در پی کسب اسرار و خبرهای سری از درون نیروهای رزمنده اسلام و امکانات آنان است تا هم بتواند براحتی با آنان مقابله نماید و هم بتواند با افشای برخی از آنها، سبب ضربه روانی به آنان گردد. در این مورد نیز وظیفه مردم سنگین است؛ زیرا دشمن با وجود ستون پنجمی که دارد به جمع آوری این اخبار و اطلاعات می پردازد. از این رو بر همه مردم است که در نقل اخبار و وقایع مواظبت نمایند تا آنچه که سری است و یا جنبه نظامی دارد و دشمن می تواند از آن سوء استفاده کند، به دست دشمن نرسد. مقابله با شایعات، دروغ افکنی ها، بزرگ نمایی ها و سایر مواردی که از سوی دشمن پخش می شود از دیگر وظایف عموم مردم در جنگ روانی است.

### ج - پشتیبانی مالی و تدارکاتی

تدارکات، اعم از اینکه قبل از حمله به دشمن، صورت گیرد یا به هنگام حمله، نقش بسزایی در تحقق و حفظ پیروزی دارد و یکی از ضروریات سازماندهی نیروهای رزمی به شمار می رود، چرا که تدارکات بموقع و مناسب، مانع کاستی نیرو و قدرت رزمندگان می شود. برای مثال، سوخت رسانی صحیح و بموقع برای خود روها، آبرسانی، رساندن مواد غذایی برای پیکارگران، رساندن سلاح و مهمات برای گرم نگه داشتن جبهه ها و رفع دیگر نیازمندی ها از این مقوله است که چنانچه در وقت خود فراهم نشود، اداره جنگ با مشکل مواجه خواهد شد و سبب تضعیف روحیه نیروها شده و از قدرت و توان رزمی شان می کاهد. به عنوان مثال، نیرویی که در حال پیشروی است، چنانچه از نظر سوخت، مهمات، مواد غذایی و... به وسیله غنایم یا نیروهای پشتیبانی، تدارک نشوند، از ادامه پیشروی باز می مانند و حتی مجبور می شوند به عقب برگردند که در هر دو صورت زیان دیده و خساراتی را متحمل خواهند شد، بدون اینکه نتیجه ای به دست بیاورند.

امروزه، در کشورهای دارای اقتصاد صحیح و برنامه ریزی شده، بودجه مورد نیاز نیروهای نظامی از منابع ملی و مالیات تأمین می شود و در واقع، تأمین کننده آن خود مردم هستند، چنانکه امیر مؤمنان علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر می فرماید:

ثُمَّ لَا قَوَامَ لِلْجُنُودِ إِلَّا بِمَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَهُمُ مِنَ الْخَزَائِجِ الَّتِي يَقَوُّونَ بِهٖ عَلَى جِهَادِ عَدُوِّهِمْ  
وَيَعْتَمِدُونَ عَلَيْهِ فَمَا يُضِلُّهُمْ وَ يَكُونُ مِنْ وَرَاءِ حَاجَتِهِمْ<sup>۱</sup>

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۲.



ولی بنیۀ سپاهیان بستگی به جیره‌ای دارد که خداوند از محل خراج و مالیات برای آنان تعیین کرده تا با دلگرمی بتوانند با دشمن به جهاد بپردازند و زندگی خود و خانواده‌هایشان را تأمین و نیازمندیهایشان را فراهم سازند.

ممکن است این مقدار در زمان جنگ که هزینه‌های نظامی به شدت افزایش می‌یابد، کافی نباشد؛ در این صورت دولت‌ها طبق معمول، مالیات‌ها را افزایش می‌دهند و اگر حکومت مردمی و یا دینی باشد، مردم با میل و رغبت این افزایش را می‌پذیرند. راه دیگری که برای تأمین بودجه‌های جنگی وجود دارد، کمک‌های داوطلبانۀ مردمی است که علاوه بر اثرات مثبت مادی، اثر معنوی و عاطفی مطلوبی در جبهه‌ها دارد.

از دیدگاه وحی و احادیث معصومین علیهم‌السلام، در کنار وظیفۀ حضور در جبهه و جهاد با جان، وظیفۀ دیگری به عنوان جهاد مالی نیز مطرح است. قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید:

وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (توبه: ۴۱)

در راه خدا با مال و جان‌تان جهاد کنید.

در سفارش‌های امیر مؤمنان علیه‌السلام نیز چنین آمده است:

اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

خدا را! خدا را! (در نظر بگیرید، پیرامون) جهاد با اموال و جانهایتان و زبانتان در راه خدا. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: پاداش کسی که برای خدا، مجاهد در راه خدا را تجهیز کند و وسایل لازم را در اختیار او بگذارد، مانند پاداش همان مجاهدی است که در راه خداوند جهاد می‌کند.<sup>۲</sup> پشتیبانی و همکاری مردم همچنان که در تجهیز و تقویت بنیه نظامی - دفاعی رزمندگان مؤثر است، از نظر معنوی نیز بسیار ارزشمند می‌باشد، زیرا وقتی که رزمندگان اسلام کمک‌های مردمی را دریافت می‌کنند، یک نوع ارتباط عاطفی بین آنها و مردم برقرار می‌شود و درمی‌یابند که در نبرد مقدس خود تنها نیستند، بلکه از پشتیبانی ملتی فداکار برخوردارند.

نکته دیگر این که، چون رزمندگان علاقه‌ملت را نسبت به خودشان درک کرده و متوجه شدند که حتی ضعیف‌ترین افراد کشور با ایثار و از خودگذشتگی به آنها کمک می‌کنند، در استفاده از وسایلی که در اختیارشان است صرفه‌جویی خواهند کرد و در حفظ و نگهداری ابزار و مهمات و غیره کوشش خواهند نمود؛ زیرا می‌دانند همه آن امکانات چه از طریق دولت تأمین شود و چه از طریق کمک‌های مردمی، متعلق به امتی فداکار است که از جان و دل پشتیبان رزمندگان خود هستند.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۲.

۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۲۹.

## خلاصه

مهم‌ترین وظایف مردم در پشت جبهه نسبت به جهاد و مجاهدان راه خدا عبارت است از:

- الف -** پشتیبانی معنوی و فرهنگی از رزمندگان که به گونه‌های مختلف ممکن است صورت گیرد تجلیل از مقام شامخ رزمندگان، ایثارگران، جانبازان و شهدای اسلام و رسیدگی به خانواده‌های آنان از این گونه پشتیبانی شمرده می‌شود.
- ب -** مقابله با توطئه‌های دشمن: برخی از راه‌های مقابله با این قبیل توطئه‌ها عبارتند از: پرهیز از تفرقه، حفظ امنیت داخلی و مقابله با جنگ روانی دشمن.
- ج -** پشتیبانی مالی و تدارکاتی مناسب و به موقع که موجب تقویت بنیه دفاعی و رزمی سپاهیان اسلام و دلگرمی آنان خواهد شد تا بهتر بتوانند با دشمن به جهاد بپردازند.

## پرسش

- ۱- مهمترین وظایف مردم در پشت جبهه کدام است؟
- ۲- به نظر شما تجلیل از مقام شامخ رزمندگان، ایثارگران و شهدا چه نقشی در روحیه رزمندگان اسلام خواهد داشت؟
- ۳- چگونه می‌توان با توطئه‌های دشمن مبارزه کرد؟
- ۴- منظور از جنگ روانی دشمن را با بیان مثال توضیح دهید.
- ۵- راه‌های مبارزه با جنگ روانی دشمن چیست؟

## درس چهاردهم مقام و منزلت شهید

شهیدان افزون بر برخورداری از مقام مجاهدان، خود نیز دارای مقاماتی بس بزرگند که ما از درک مقام آنان عاجزیم. در بزرگی مقام آنان همین بس که امیر مؤمنان علیه السلام از خداوند منزلت آنان را طلب کرده، می‌فرماید:

نَسْأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ مُعَايِشَةَ السُّعَدَاءِ وَ مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ.<sup>۱</sup>

مرتبه‌های شهیدان و زندگی خوشبختان و همراهی پیامبران را از خداوند درخواست می‌کنیم.

در اینجا با استفاده از آیات و روایات به بیان گوشه‌ای از مقامات آنان می‌پردازیم:

۱- هم‌رتبه بودن با پیامبران، صدیقان و صالحان: قرآن مجید در مقام بیان کسانی که به آنان

نعمت داده شده شهدا را در ردیف پیامبران و صدیقین نام می‌برد:

فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ. (نساء: ۷۰)

آنان همنشین کسانی خواهند بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده است، از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان.

۲- فاتح قله نیکی‌ها: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

فَوْقَ كُلِّ بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ.<sup>۲</sup>

بالتر از هر نیکی، نیکی دیگری است تا اینکه مرد در راه خدا کشته شود، وقتی که در راه خدا کشته شد، بالاتر از آن نیکی‌ای وجود ندارد.

۳- ورود با عظمت به صحنه قیامت: شهیدان به سبب بلندی مقامشان وقتی وارد صحرای

محشر می‌گردند همه حاضران، حتی پیامبران به آنان احترام می‌گذارند. امیر مؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۳.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰.

فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْأَنْبِيَاءُ عَلَى طَرِيقِهِمْ لَتَرَجَّلُوا لَهُمْ مِمَّا يَرَوْنَ مِنْ بَهَائِهِمْ...<sup>۱</sup>

به آنکه جانم در دست اوست سوگند! اگر پیامبران هم بر سر راه آنان (شهیدان) باشند، از شکوه و جلال آنان، سر پا می ایستند.

۴- شفاعت: شهدا در زمره کسانی هستند که در روز قیامت شفاعت می کنند و شفاعتشان مورد پذیرش درگاه الهی واقع می شود. در ادامه حدیث پیش آمده است:

وَيُشْفَعُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَجِبْرِتِهِ، حَتَّى أَنْ الْجَارَيْنِ يَخْتَصِمَانِ إِلَيْهَا أَقْرَبُ.

یک نفر از شهدا، در مورد هفتاد هزار نفر از خاندان و همسایگانش شفاعت می کند؛ تا جایی که همسایگان در این که کدام یک به وی نزدیک ترند، با هم گفت و گو می کنند.

چنان که یاد شد، پی بردن به مقام و منزلت شهیدان از عهده خاک نشینان بر نمی آید، امام خمینی ره مقام آنان را مافوق تصور دانسته، در این باره می فرماید:

شهادت در راه خداوند چیزی نیست که بتوان آن را با سنجش های بشری و انگیزه های عادی ارزیابی کرد و شهید در راه حق و هدف الهی را نتوان با دیدگاه امکانی به مقام والای آن پی برد، که ارزش عظیم آن معیاری الهی و مقام والای این، دیدی ربوبی لازم دارد و نه تنها دست ما خاک نشینان از آن و این کوتاه است که افلاکیان نیز از راه یافتن به کنه آن عاجزند، چه که آنها از مختصات انسان کامل است و ملکوتیان با آن مقام اسرارآمیز فاصله ها دارند...<sup>۲</sup>

### پاداش شهدا

شهیدان راه خدا علاوه بر اینکه از همه پاداش هایی که مجاهدان و جانبازان دارند برخوردارند، از پاداش های ویژه نیز بهره مند می گردند که همه آنها در این تعبیر زیبا و عرفانی قرآن مجید نهفته است:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (آل عمران: ۱۶۹)

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

گرچه زنده بودن همه انسان ها پس از این جهان (در عالم برزخ) امری قطعی است و متنعم بودن همه افراد نیکوکار در آن جهان نیز در محضر حضرت حق جل و علا صورت می گیرد، اما

۲. صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۲۹.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۲.

ذکر این دو ویژگی برای شهیدان نشان می‌دهد که حیات شهیدان و متنعم بودن آنان با دیگر بهشتیان متفاوت است و در مراتبی بس والاتر قرار دارد.

امام خمینی علیه السلام در تبیین این حقیقت می‌فرماید:

این حیات و این روزی غیر از زندگی در بهشت و روزی در آن است. این لقاء الله و ضیافت الله می‌باشد، آیا این همان نیست که برای صاحبان نفس مطمئنه وارد است **فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتي** که فرد بارز آن سید شهیدان علیه السلام است؟ اگر آن است چه مژده‌ای برای شهیدان در راه مرام امام حسین علیه السلام که همان سبیل الله است، از این بالاتر که در جنتی که آن بزرگوار شهید فی سبیل الله وارد می‌شود و در ضیافتی که آن حضرت حاضرند، به این شهیدان اجازه دخول دهند که آن غیر از ضیافت‌های بهشتی است و آنچه در وهم من و تو و شما نیاید، آن بود.<sup>۱</sup>

و در تعبیری حماسی و عرفانی می‌فرماید:

شهدا شمع محفل دوستانند؛ شهدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی وصولشان «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» اند و از نفوس مطمئنه‌ای هستند که مورد خطاب «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» پروردگارند. این جا صحبت عشق است و عشق و قلم در ترسیمش بر خود می‌شکافد.<sup>۲</sup>

پاداش شهید از همان لحظه شهادت آغاز می‌شود و لطف و رحمت الهی او را فرامی‌گیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی به این پاداشها اشاره نموده، می‌فرماید:

برای شهید هفت خصلت است:

- ۱- با نخستین قطره خون او (که به زمین می‌ریزد) همه گناهان او آمرزیده می‌شود.
- ۲- سرش در دامن دو همسرش که از حورالعین بهشتند، قرار می‌گیرد و آنان غبار از چهره‌اش می‌زدایند و به او آفرین می‌گویند و او نیز متقابلاً پاسخ می‌گوید.
- ۳- از لباس‌های بهشت می‌پوشد.
- ۴- مأموران بهشت با عطرها و خوشبو از او استقبال می‌کنند و او هر یک را که بخواهد انتخاب می‌کند.
- ۵- منزل خود را در بهشت می‌بیند.
- ۶- به او گفته می‌شود در هر جای بهشت که می‌خواهی آزاد باش.
- ۷- به وجه خدا نظر می‌کند و این برای هر پیامبر و شهید مایه راحتی و آرامش است.<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۱۸، ص ۲۲۳. ۲. همان، ج ۲۱، ص ۳۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰.

## خلاصه

قرآن مجید شهدا را در کنار پیامبران و صدیقان ذکر کرده که این نشانه بزرگی مقام آنان در درگاه الهی است. پیامبر اکرم ﷺ شهادت در راه خدا را بالاترین نیکی دانسته که دیگر بالاتر از آن نیکی نیست. در روایت دیگری آن حضرت برای نشان دادن منزلت شهدا می فرماید: سوگند به آنکه جانم در دست اوست اگر پیامبران هم بر سر راه شهیدان باشند از شکوه و جلال آنان سرپا می ایستند. نافذ بودن شفاعت شهیدان درباره تعداد فراوانی از مردم بیانگر قرب آنان در بارگاه الهی است. قرآن مجید در بیان پاداش شهیدان به متنعم بودن آنان در محضر حق تعالی اشاره کرده و امام خمینی به عظمت این ضیافت الهی اشاره نموده است. پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی در مورد پاداش شهدا به هفت خصلت برای آنان اشاره نموده که هر کدام مایه چشم روشنی برای شهدا خواهد بود.

## پرسش

- ۱- قرآن مجید در بیان عظمت مقام شهیدان چه فرموده است؟
- ۲- بالاترین نیکی از دیدگاه پیامبر اکرم ﷺ چیست؟
- ۳- پاداش شهیدان را با توجه به آیه ۱۶۹ سوره آل عمران شرح دهید.
- ۴- پیامبر اکرم ﷺ به چند خصلت برای شهیدان اشاره نموده است؟ چهار مورد را نام ببرید.

## درس پانزدهم

### مقررات جهاد و دفاع

اسلام برنامه‌ی کاملی است که در آن تکلیف همه چیز روشن گشته و برای هر مسأله‌ای قواعد و مقررات لازم وضع شده است. از جمله برای مسأله جهاد و دفاع نیز دستورالعمل‌ها و قوانین خاصی دارد که مهمترین آنها به شرح زیر است.

#### رعایت پیمان‌های نظامی

وفا به عهد و پیمان از اصول مسلم و خدشه‌ناپذیر اخلاق اجتماعی اسلام است که خداوند در هیچ شرایطی اجازه نقض آن را نداده است و در صورت جنگ نیز مورد تأکید قرار گرفته و به مسلمانان سفارش شده است که هر پیمانی را که با دشمن می‌بندند، مراعات کنند و هرگز مرتکب پیمان‌شکنی نشوند.

خدای متعال در ضمن نزول آیات سوره توبه و اعلام براءت و تهدید مشرکان و سختگیری بر آنان، در دو آیه به مؤمنان متذکر می‌شود که باید بر عهد و پیمانی که با مشرکان بسته‌اند، باقی باشند و تا زمانی که مشرکان عهد خود را نقض نکرده‌اند، مؤمنان نیز از شکستن آن بپرهیزند؛ جالب اینکه از فراز پایانی هر دو آیه استفاده می‌شود که رعایت همین پیمان‌ها از نشانه‌های تقوا به حساب می‌آید؛ در آیه اول پس از اعلام براءت و وعده عذاب به مشرکان عده‌ای از آنان را استثنا کرده، می‌فرماید: مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید، و چیزی از آن را در حق شما فروگذار نکردند، و احدی را بر ضد شما تقویت ننمودند؛ پیمان آنها را تا پایان مدتشان محترم بشمارید، (زیرا) خداوند متقیان را دوست دارد.<sup>۱</sup>

---

۱. توبه (۹)، آیه ۴.

و در آیه دیگر می‌فرماید:

مگر کسانی که نزد مسجدالحرام با آنان پیمان بستید، (و پیمان خود را محترم شمردند) تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید، که خداوند متقیان را دوست دارد!<sup>۱</sup> سیره عملی پیامبر اکرم ﷺ نیز در طول دعوت و مقابله با دشمنانش، بر رعایت عهد و پیمان تا زمانی که دشمن نقض عهد نکرده، بوده است. علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌نویسد:

عمل رسول خدا ﷺ هم بر همین معنا بوده، چون می‌بینیم با بنی قینقاع، بنی قریظه و سایر قبایل یهود معاهده بست و عهد خود را نشکست مگر بعد از اینکه معاهدینش نقض کردند و در حدیبیه با مشرکین قریش عهد بست و به عهدش وفادار بود تا آنان اقدام به نقض نموده و بنی بکر را علیه خزاعه کمک کردند، چون همان طور که گفتیم خزاعه هم عهد رسول خدا ﷺ بودند، و بنی بکر با مشرکین قریش پیمان نظامی داشتند.<sup>۲</sup>

وفای به عهد ممکن است برای مسلمانان ضررهای مقطعی هم داشته باشد، ولی رعایت عهد و پیمان با اهمیت‌تر از سود و زیان‌های مقطعی است. البته اگر مسلمانان با توجه به قرائنی بفهمند که دشمن قصد عهد شکنی و هجوم به آنان را دارد، می‌توانند پیمان خود را بشکنند اما لازم است که ابتدا عدم پابندی‌شان به پیمان را به دشمنان اعلام کنند و حق ندارند قبل از اطلاع دادن، بر آنان هجوم برند چون چنین هجومی از مصادیق خیانت است و خداوند خیانتکاران را دوست ندارد.<sup>۳</sup>

## حرمت زمان و مکان

از سنت‌های عرب جاهلی، حرمت جنگ در ماه‌های حرام - ذیقعد، ذیحجه، محرم و رجب - بود. این حرمت را حضرت ابراهیم ﷺ تشریع کرده<sup>۴</sup> و پس از وی در ادیان یهود و نصارا نیز رعایت می‌شده است.<sup>۵</sup> دین اسلام هم این سنت را امضاء و تأیید کرد. قرآن مجید می‌فرماید:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ. (بقره: ۲۱۷)

از تو، درباره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می‌کنند؛ بگو: «جنگ در آن (گناهی) بزرگ است». حرمت جنگ در این چهار ماه برای این است که در این مدت، مردم از جنگیدن با یکدیگر

۲. ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۲۵۱.

۴. همان، ص ۲۶۸.

۱. همان، آیه ۷.

۳. همان، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

۵. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۴۰۶.



دست بکشند و امنیت عمومی فراهم شود و در سایه آن مردم بتوانند به زندگی و فراهم کردن وسائل آسایش و سعادت خود برسند و به عبادات و طاعات رو آورند.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر عدم جنگ در این مقطع به جنگجویان فرصت می‌دهد که با توجه به فروکش کردن مصیبت‌ها درباره فرجام جنگ و علت آن اندیشه کنند و چه بسا همین فرصت و آتش بس، سبب شود که دست از جنگ‌های بی‌هوده برداشته و در برابر حق تسلیم گردند.

همچنین جنگ در مسجد الحرام و اطراف آن تا حدی که حرم است، ممنوع می‌باشد و این نقطه به عنوان منطقه امن شناخته شده است قرآن درباره آن می‌فرماید:

وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ... (بقره: ۱۹۱)

با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید!

فلسفه احترام منطقه حرم نیز شاید این باشد که اگر کسی نخواست دست به شمشیر ببرد یا در جست‌وجوی پناهگاهی می‌گشت که از تیغ جلادان ستمگر در امان باشد، به آنجا پناه ببرد.

ناگفته نماند که اگر حرمت ماه حرام و مسجد الحرام از جانب دشمن رعایت نشود و در این زمان و مکان، مسلمانان را مورد هجوم قرار دهند، از باب مقابله به مثل باید با آنان برخورد کرد و در این صورت، دشمن حرمت شکن است و بر مسلمانان گناهی نیست.<sup>۲</sup>

## رعایت اصول انسانی

مسلمانان مجاز نیستند برای شکست دادن دشمن به شیوه‌های ظالمانه و غیر انسانی متوسل شوند. بستن آب به روی دشمن، آتش زدن مزارع، مسموم کردن آب و مواد غذایی، کشتن زنان، کودکان و پیر مردانی که توان جنگ ندارند، انهدام تأسیسات غیر نظامی، به کار بردن سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و... در جنگ ممنوع است. قرآن مجید در یک دستورالعمل جامع چنین می‌فرماید:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. (بقره: ۱۹۰)

و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدّی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد!

۱. المیزان، ج ۹، ص ۲۶۸.

۲. بقره (۲)، آیات ۱۹۱ - ۱۹۲. سوگوارانه باید گفت که امروز، مسلمان‌های کافر کیش، حرمت ماه‌های حرام و خانه خدا را نگه نمی‌دارند، به گونه‌ای که جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی در ماه حرام شروع شد و حکومت آل سعود بیش از چهار صد نفر از میهمانان خانه خدا را در ماه حرام و در حرم امن الهی به خاک خون کشید.

بعضی از مفسران از این آیه، استنباط کرده‌اند که از کشتن غیر نظامیان به ویژه زنان و کودکان باید خود داری کرد، چون آنان در جنگ شرکت ندارند.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود:

کشته شدگان را مثله نکنید... نخلستان‌ها را به آتش نکشید، با شکستن سدها دشمن را غرق نکنید، درختان میوه را قطع نکنید، کشتزارها را آتش نزنید و...<sup>۲</sup>

البته باید توجه داشت که برای قطع ریشه فتنه جنگ و جلوگیری از آسیب‌های بیشتر می‌توان در حد ضرورت، این اصول را نادیده گرفت، به خصوص زمانی که دشمن از رعایت این اصول توسط نیروهای مسلمان سوء استفاده کند و برای مثال در کشتزار، نخلستان یا قلعه، موضع بگیرد و جز آتش زدن کشتزار، قطع نخل‌ها و یا بستن آب، راهی برای دسترسی به دشمن نباشد.

### مقابله به مثل

اسلام بر رعایت اصول انسانی تأکید دارد و حتی در صحنه جنگ نیز حاضر نیست، پیروانش با زیر پا گذاشتن اصول انسانی، پیروزی را به دست آورند؛ اما اگر دشمن از این اصول تعدی و تجاوز کرد، اجازه می‌دهد که مسلمانان نیز مقابله به مثل کنند. قرآن مجید می‌فرماید:

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ. (نحل: ۱۲۶)

و هرگاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده، کیفر دهید و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است.

در این آیه گرچه «مقاله به مثل» جایز شمرده شده، ولی در آخر آیه باز هم مسلمانان به تحمّل و چشم پوشی فراخوانده شده‌اند.

در آیه دیگری نیز ضمن دستور به مقابله به مثل، می‌فهماند که مقاله به مثل نیز، در حد و مرز خود جایز است و تجاوز از آن با تقوای الهی سازگار نیست:

فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. (بقره: ۱۹۴)

و هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی نکنید) و بدانید که خدا با متّقیان است.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۴-۴۳.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۰.

## برخورد با اسرا

قسمتی از مقررات جنگی اسلام، مربوط به چگونگی برخورد با اسیران است. دستور ابتدایی در این زمینه آن است که گرفتن اسیر منوط به زمانی است که سختی جنگ فروکش کرده و گرفتن اسیران، سبب مشغول شدن نیروها به آنها و در نتیجه شکست نیروهای اسلام نگردد. اما قبل از این مرحله اسیر گرفتن ممنوع است. این حکم از آیه ۴ سوره محمد ﷺ و آیه زیر به دست می آید:

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُفْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. (انفال: ۶۷)

هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی (از دشمن) بگیرد مگر اینکه کاملاً بر آنها پیروز گردد (و جای پای خود را در زمین محکم کند)! شما متاع ناپایدار دنیا را می خواهید؛ (و مایلید اسیران بیشتری بگیرید، و در برابر فدیة آزاد کنید) ولی خداوند، سرای دیگر را (برای شما) می خواهد؛ و خداوند عزیز و حکیم است!

علت این ممنوعیت نیز روشن است، زیرا در ابتدای جنگ که پیروزی مسلمانان قطعی نشده است، گرفتن اسیر سبب می شود که رزمندگان و امکانات فراوانی در جهت حفظ و نگهداری این اسرا به کار گرفته شود و همین مسأله سبب تضعیف و شکست جبهه اسلام می گردد. با توجه به آیه فوق و دیگر منابع اسلامی حکم کسانی نیز که در این مدت به اسارت گرفته شوند، همان کشته شدن است.<sup>۱</sup> ناگفته نماند که اگر اسیر پیش از اجرای این حکم، مسلمان شود، این حکم از وی برداشته شده و حکم اسیران مرحله بعد در موردش اجرا می شود.<sup>۲</sup> اما اگر کسانی پس از شکست دشمن به اسارت در آیند، کشتن آنها جایز نیست<sup>۳</sup> و رهبر مسلمانان مخیر است که آنان را با منت نهادن و یا گرفتن فدیة آزاد کند و یا به بردگی بگیرد.<sup>۴</sup> آنچه توجه بدان جالب است، تعالیم اسلامی در باره نحوه برخورد با اسیران است. اسیران جنگی از هر گروه که باشند، باید با آنان به طور انسانی عمل نمود و از اذیت و آزار آنان خودداری کرد و به آنان آب و غذا داد.

۱. ر.ک: جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۲۳ - ۱۲۲، دارالاحیاء التراث العربی.

۲. همان، ص ۱۲۴.

۳. البته موارد نادری وجود دارد که به علت جنایات آن اسیر قبل از اسیر شدنش و یا به علت خطرناک بودنش کشته می شود، چنان که پیامبر اکرم ﷺ فرمان قتل دو تن از اسیران بدر را صادر کرد.

۴. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۲۶.

مسلمانان صدر اسلام نیز با تربیتی که از مکتب انسان ساز اسلام و دستورات پیامبر اکرم ﷺ یافته بودند، گاه غذای خود را به اسیران داده و آنها را بر خویشتن مقدم می‌داشتند.<sup>۱</sup> دستورالعمل قرآن مجید به پیامبر اکرم ﷺ که همراه با پیام بخشش و رحمت به اسیران است، نمونه زیبایی در این باره است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَن فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (انفال: ۷۰)

ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند، بگو: اگر خداوند، خیری در دل‌های شما بداند، (و نیات پاکی داشته باشید)، بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما می‌دهد؛ و شما را می‌بخشد؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است.

این آیه به بهترین وجه اسیران را به اسلام دعوت کرده و لطیف‌ترین و مهربانانه‌ترین کلام را به کار برده است.

### پناهندگی

مسأله پناه بردن به افراد و قدرت‌ها و یا مکان‌های امن برای حفظ جان، از روزگاران گذشته در بین افراد بشر مرسوم بوده است.

در میان اعراب قبل از اسلام نیز شیوه پناه دادن بسیار رایج بوده و همگی بدان ارج می‌نهادند. اسلام نیز اصل پناهندگی را پذیرفته و بر آن تأکید کرده است.

در اینجا به مناسبت بحث مقررات جنگ - و صرف نظر از انواع پناهندگی‌های سیاسی - سخن در آن است که آیا اسلام پناهنده شدن نیروهای دشمن در طول جنگ را می‌پذیرد یا نه؟ و آیا اجازه می‌دهد که برای مدت معین، افرادی از دشمن بدین وسیله خود را از حملات نیروهای اسلام در امان دارند؟

قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَاجِرُهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلَغَهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (توبه: ۶)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند!

۱. کامل، ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۳۱.

علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه مزبور می‌نویسد:

این آیه پناه دادن به پناه خواهان را وقتی واجب کرده که مقصود از پناهنده شدن، مسلمان شدن و یا چیزی باشد که نفعش عاید اسلام گردد. و اما اگر چنین غرضی در کار نباشد، آیه شریفه به هیچ وجه دلالت ندارد که به چنین کسی باید پناه داد، و این شخص مشمول آیات سابق است که دستور تشدید را (در مورد مشرکان) داده است.<sup>۱</sup>

### صلح و آتش بس

اسلام، دین صلح و آرامش و امنیت و مسالمت است و جنگ و جهاد نیز جنبه صلح طلبی و ریشه کن کردن فتنه و جنگ افروزی دارد؛ از این رو سعی می‌کند تا جایی که امکان دارد از درگیری و کشتار جلوگیری کند و به همین دلیل، پیشنهاد صلح و آتش بس را با مراعات جوانب آن، به سهولت می‌پذیرد.

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا. (نساء: ۹۰)

مگر آنها که با هم‌پیمانان شما، پیمان بسته‌اند؛ یا آنها که به سوی شما می‌آیند، و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده‌اند؛ (نه سر جنگ با شما دارند و نه توانایی مبارزه با قوم خود). و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلط می‌کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار نکردند، (بلکه) پیشنهاد صلح دادند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید.

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. (انفال: ۶۱)

اگر (از روی صداقت و عادلانه) برای صلح تمایل نشان دادند، تو نیز تمایل نشان بده و بر خدا توکل کن.

## خلاصه

مؤمنان به رعایت همهٔ پیمان‌های خود و از جمله پیمان‌های نظامی که با دیگران می‌بندند وفادارند و پایبندی به آن را از نشانه‌های تقوا می‌دانند، همچنان که قرآن مجید نیز بدان تصریح کرده است. سیرهٔ عملی پیامبر اکرم ﷺ رعایت این‌گونه عهد و پیمان‌ها بوده است و تا زمانی که دشمن آن را نقض نمی‌کرد پیامبر ﷺ نیز آن را محترم می‌شمرد.

از مقررات جنگ در اسلام ممنوع بودن آن در چهار ماه حرام است. از نظر مکانی نیز اسلام جنگ در حرم مکه را جایز ندانسته و آن را به عنوان منطقهٔ امن معرفی نموده است.

رعایت اصول انسانی از اهم مقررات جنگ است که در آیات و روایات بر آن تأکید فراوان شده است. نهی از کشتن زنان و کودکان، نهی از ریختن سم در آب، غذا و مزارع دشمن، منع از مثله کردن اجساد دشمن، خودداری از آتش زدن مزارع و شکستن سدها و قطع درختان از نمونه‌های رعایت این اصول است. قرآن مجید به مسلمانان اجازه می‌دهد در مواردی که دشمن از اصول انسانی تعدی و تجاوز می‌کند، به مقابله به مثل بپردازد؛ اما در همین موارد نیز توصیه می‌کند که از مقدار تعدی شده تجاوز ننمایند و اگر گذشت کنند برای آنان بهتر است.

برخورد انسانی به اسرا از دیگر مقررات جنگ است. به دلیل همین سفارشات، مسلمانان صدر اسلام بهترین برخورد را با اسیران داشتند و گاهی آنان را برخورد ترجیح می‌دادند.

اسلام، مسألهٔ پناهندگی را که از قدیم الایام وجود داشته، مورد پذیرش قرار داده و در دو مورد مشروعیت آن را امضا نموده است؛ یک در مورد جایی که افراد برای شنیدن پیام حق و پی بردن به معارف دین پناهنده می‌شوند و دیگری در جایی که پذیرش پناهندگی گروهی سبب شکست در جبهه دشمن می‌شود.

چون اسلام به مسألهٔ صلح و آرامش اهمیت می‌دهد، پیشنهاد صلح از طرف دشمن را می‌پذیرد و به مسلمانان دستور می‌دهد که اگر دشمن تمایل به صلح نشان داد، مسلمانان نیز از آن استقبال کنند.

## پرسش

- ۱- پیام قرآن مجید دربارهٔ پایبندی به پیمان‌های نظامی چیست؟
- ۲- حکمت حرمت جنگ در ماه‌های حرام و در مسجدالحرام و حرم چیست؟
- ۳- کدام آیه از قرآن مجید ناظر به رعایت اصول انسانی در جنگ است؟
- ۴- اسیر گرفتن دشمن در چه زمانی ممنوع و در چه زمانی مجاز است؟
- ۵- مشروعیت پناه دادن به افراد دشمن به چه مواردی اختصاصی دارد؟

## منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه، صبحی صالح

البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی.

اعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، دارالتعارف للمطبوعات.

بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت.

تاریخ پیامبر اسلام، عبد الحمید آیتی، دانشگاه تهران.

تفسیر عیاشی، مسعود بن عیاش قندی، انتشارات علمیه اسلامیة.

تفسیر کنز الدقایق، میرزا محمد مشهدی قمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان.

تفسیر نور الثقلین، حویزی، اسماعیلیان.

جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، دار الاحیاء التراث العربی.

جهاد، شهید مرتضی مطهری، صدرا.

دادگستر جهان، ابراهیم امینی، دار الفکر، قم.

در مکتب جمعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

الذکر المنثور، سیوطی، دار المعرفة، بیروت.

سنن ترمذی، ترمذی، دار الاتحاد العربی.

سنن ابی داود، ابی داود، بیروت.

مسند، احمد بن حنبل، دار صادر، بیروت.

السیرة النبویه، ابن هشام، بیروت.

الصحيح من سيرة النبي الاعظم ﷺ، جعفر مرتضى عاملی، دفتر انتشارات اسلامی.

صحیفه سجادیة.

صحیفه نور، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.

- صلح امام حسن، ترجمه حضرت آية الله خامنه‌ای.  
عبرت‌های عاشورا، مقام معظم رهبری.  
الكافي، شيخ كليني، دار التعاريف بيروت.  
كامل، ابن اثير.  
المبسوط، سرخسی، دارالمعرفة.  
مبسوط، شيخ طوسي، مكتبة المرتضويه.  
مجلة پیام انقلاب، شماره ٢٥٩.  
مجمع البيان، شيخ طبرسي، دار احياء التراث العربي.  
مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نوري، مؤسسه آل البيت (ع) لاحياء التراث.  
مغازي، واقدی، بيروت.  
المغني، ابن قدامة، دار الکتب العربي.  
المفردات، راغب اصفهاني، دار المعرفة بيروت.  
المهدي، آيت الله صدر، بيروت.  
المهدي الموعود المنتظر، علامه عسکري، مؤسسه امام المهدي.  
الميزان، علامه طباطبائي (ع)، اعلمی، بيروت.  
ميزان الحکمه، محمدي ري شهري، دفتر تبليغات اسلامي.  
نبرد فاو، معاونت سياسي ستاد کل.  
وسائل الشيعة، شيخ حر عاملي، دار الاحياء التراث العربي.